

سخنان

قدسی

چاپ چهارم

سخنان قدسی، یا، سخن خدا با سه پیامبر اولی العزم...

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : سخنان قدسی، یا، سخن خدا با سه پیامبر اولی العزم.../ تهیه و تنظیم موسسه پیام امام هادی علیه السلام.

مشخصات نشر : قم: پیام امام هادی (ع)، 1381.

مشخصات ظاهری : 142 ص.؛ 11×5/19 س م.

شابک : 6000ریال:964-90069-7-4 ؛ 6000 ریال(چاپ دوم) ؛ 12500 ریال(چاپ سوم) ؛ 27500 ریال (چاپ پنجم)

یادداشت : چاپ دوم:1382.

یادداشت : چاپ سوم: بهار 1388.

یادداشت : چاپ پنجم : 1392.

یادداشت : کتابنامه: ص. 142؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : سخن خدا با سه پیامبر اولی العظم

موضوع : احادیث قدسی

موضوع : احادیث خاص (معراج)

شناسه افزوده : موسسه امام هادی (ع)

رده بندی کنگره : BP139/5/س 3 1381

رده بندی دیویی : 297/213

شماره کتابشناسی ملی : م 81-25587

ص :1

اشاره

ص :2

ص :3

ص :4

پیشگفتار

اهداء:

به صاحب عزت وکرامت: سید الشهداء علیه السلام

به ولی اللّٰه الناصح: امام علی الهادی علیه السلام

به صاحب الزمان عجل اللّٰه تعالی فرجه الشریف

ص:5

ص:7

ص:8

پیشگفتار

در روزگار غربت معنویت که مردم جهان با سرعت تمام به سوی مادیات وشهوات می تازند و از خود بیگانگان هیچ مسلک ومذهبی را جز در دایرۀ خود کامگی، و انسان مداری برای بشر تجویز نمی کنند، عرضۀ پیامهای معنوی، گشودن روزنه ای است به ماورای این خود خواهی ها، وتلاشی است برای زدودن زنگار دنیازدگی از جان انسان فراموشکارِ بریده از آسمان وچسبیده به خاک، شاید که جوهره وجودی خود را که آسمانی است به یاد آورد وچشم دل به سوی آنچه نادیدنی است بگشاید.

چه بسا شعله ای وجرقه ای در دل تاریکی، راه را روشن نماید و باشد که نسیم رحمتی پردۀ غفلت را کنار زند و اشرف

مخلوقات را که امروز غریق دریای حیوانیّت و پستی است به کشتی نجات و ساحل انسانیت رهنمون شود، و ارتباط قطع شده بین زمین و آسمان برقرار گردد.

«احادیث قدسی» نوعی از این پیامهای روحانی و هشدارهای معنوی است که خداوند مهربان در آنها با پیامبران خود به زبان پند و اندرز سخن گفته و ابواب حکمت و معرفت را به سوی ایشان و پیروانشان گشوده است.

و از آن جایی که این سخنان به ساحت قدس پروردگار ارتباط دارد، آنها را «حدیث قدسی» نامیده اند و در تعریف آن وفرقش با قرآن و احادیث دیگر وجوهی گفته اند که در اینجا به یک تعریف بسنده می کنیم.

أمّا الحدیث القدسی: فهو کلام اللّٰه تعالی غیر المنزل علی سبیل التحدّی والتعجیز سواء نقله المعصوم عن اللّٰه بواسطه الملَک أم نقله من الکتب السماویه الماضیه. (1)«حدیث قدسی، سخن خداوند متعال است که بر طریق اعجاز نازل نشده است چه معصوم آن را به واسطهٔ فرشته یا از

1- (1)) اصطلاحات الاصول: 138..

کتاب های آسمانی پیشین نقل کند».

این جزوه که پیش روی شما است دربرگیرندۀ سه حدیث قدسی خطاب به حضرت موسی، عیسی وپیامبر عظیم الشأن اسلام با خطاب یا موسیٰ، یا عیسیٰ و یا أحمد است که با اعراب گذاری و ترجمه فارسی عرضه می شود. البتّه بخشی از این احادیث حاوی معانی بلند و دقیقی است که درک آن نیاز به استاد و تدبّر دارد، و ما فقط به ترجمه ساده آن بسنده کرده ایم.

این احادیث در کتاب های معتبری چون کافی ثقه الاسلام کلینی، امالی شیخ صدوق، ارشاد القلوب دیلمی وتحف العقول حرّانی رحمه الله آمده است و دیگر علما چون علّامه مجلسی، شیخ حرّ عاملی ومحدث نوری رضوان اللّه علیهم از آنها نقل نموده اند و ما در آخر هر کدام از این سه حدیث به منابع آن به طور کامل اشاره خواهیم کرد.

در پایان از محققین مؤسسه که ما را در ترجمه و تألیف این کتاب شریف یاری کردند و همچنین از مساعدت ستاد عالی کانون های فرهنگی هنری مساجد تشکر و قدر دانی می شود.

مؤسسه امام هادی علیه السلام

مناجات خدا با موسی علیه السلام (یا موسیٰ)

اشاره

ص:13

مناجاه اللّٰه تعالى لمُوسَى عليه السلام

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمانَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عِيسَى رَفَعَهُ، قَالَ: إِنَّ مُوسَى عليه السلام نَاجَاهُ اَللّٰهُ تَبَارَکَ وَتَعَالَى فَقَالَ لَهُ فِى مُنَاجَاتِهِ:

يَا مُوسىٰ لا تُطِلْ(1) فِى الدُّنْيَا أَمَلَکَ فَيَقْسُوَ لِذٰلِکَ قَلْبُکَ، وَقَاسِى الْقَلْبِ مِنِّى بَعِيدٌ.

يَا مُوسىٰ كُنْ كَمَسَرَّتِى فِيکَ، فَإِنَّ مَسَرَّتِى أَنْ أُطَاعَ فَلا أُعْصىٰ(2) ، فَأَمِتْ قَلْبَکَ بِالْخَشْيَةِ، وَ كُنْ خَلَقَ الثِّيَابِ، جَدِيدَ الْقَلْبِ؛ تَخْفىٰ عَلىٰ أَهْلِ الأَرْضِ وَتُعْرَفُ فِى أَهْلِ السَّمَاءِ، حِلْسَ الْبُيُوتِ، مِصْبَاحَ اللَّيْلِ، وَاقْنُتْ بَيْنَ يَدَىَّ قُنُوتَ الصَّابِرِينَ(3) ، وَصِحْ إِلَىَّ مِنْ كَثْرَةِ الذُّنُوبِ صِيَاحَ الْمُذْنِبِ الْهَارِبِ مِنْ عَدُوِّهِ،

1- (1)) أثبتناه من البحار والتحف؛ وفى المصدر «لايطول»؛ وفى الأربعين «لا تطول»..
2- (2)) - من «ياموسىٰ كن» الىٰ «أُعصىٰ» ليس فى التحف..
3- (3)) من «حِلْسَ البيوت» إلىٰ «الصابرين» ليس فى التحف..

مناجات خدا با موسیٰ علیه السلام

علی بن ابراهیم از پدرش از عمرو بن عثمان از علی بن عیسیٰ در حدیثی که سند آن را به معصوم می رساند نقل می کند که:

خداوند تبارک و تعالی با موسیٰ همراز شد، و در مناجات خود به او فرمود:

ای موسی! در دنیا آرزویت دراز مگردان که بدین سبب دل تو سخت شود، وسنگ دل از من دور است.

ای موسی! آنگونه باش که نسبت به تو شادمان باشم، شادمانی من آنست که فرمانم برند ونافرمانی نشوم، وبا ترس [از من، هویٰ وهوس] دل خود را بمیران وکهنه جامه وتازه دل باش؛ برای اهل زمین گمنام وبرای آسمانیان شناخته شده باش، خانه نشین وچراغ شب باش، ودر پیشگاه من چون شکیبایان فروتن باش ومانند گنهکاری که از دشمنش فرار می کند، از بسیاریِ گناهان به سوی من فریاد برآور

وَاسْتَعِنْ بِی عَلیٰ ذٰلِکَ، فَإِنِّی نِعْمَ الْعَوْنُ، وَنِعْمَ الْمُسْتَعَانُ.

یَا مُوسیٰ إِنِّی أَنَا اللَّهُ فَوْقَ الْعِبَادِ، وَالْعِبَادُ دُونِی، وَکُلٌّ لِی دَاخِرُونَ، فَاتَّهِمْ نَفْسَکَ عَلیٰ نَفْسِکَ وَلا تَأْتَمِنْ وَلَدَکَ عَلیٰ دِینِکَ إِلّا أَنْ یَکُونَ وَلَدُکَ مِثْلَکَ یُحِبُّ الصَّالِحِینَ.

یَا مُوسیٰ اغْسِلْ وَاغْتَسِلْ، وَاقْتَرِبْ مِنْ عِبَادِیَ الصَّالِحِینَ.

یَا مُوسیٰ کُنْ إِمَامَهُمْ فِی صَلاتِهِمْ، وَإِمَامَهُمْ فِیما یَتَشَاجَرُونَ. وَاحْکُمْ بَیْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلْتُ عَلَیْکَ، فَقَدْ أَنْزَلْتُهُ حُکْماً بَیِّناً، وَبُرْهَاناً نَیِّراً، وَ نُوراً یَنْطِقُ بِمَا کَانَ فِی الأَوَّلِینَ وَبِمَا هُوَ کَائِنٌ فِی الآخِرِینَ.

أُوصِیکَ یَا مُوسیٰ وَصِیَّةَ الشَّفِیقِ الْمُشْفِقِ بِابْنِ الْبَتُولِ عِیسیٰ بْنِ مَرْیَمَ، صَاحِبِ الأَتَانِ وَالْبُرْنُسِ وَالزَّیْتِ وَالزَّیْتُونِ وَالْمحْرَابِ، وَمِنْ بَعْدِهِ بِصَاحِبِ الْجَمَلِ الأَحْمَرِ، الطَّیِّبِ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ، فَمَثَلُهُ فِی کِتَابِکَ أَنَّهُ مُؤْمِنٌ مُهَیْمِنٌ عَلَی الْکُتُبِ کُلِّهَا،

ودر این کار از من کمک بخواه که من یار ومددکار خوبی هستم.

ای موسی! منم خدای بالاتر از بندگان، و بندگان زیردست منند، وهمه در برابرم کوچکند، در مورد خویش، به خود بدگمان باش، وبر دین خود فرزندت را [نیز] امین ندان، مگر اینکه فرزند تو مانند تو دوستدار درستکاران باشد.

ای موسی! شستشو کن وغسل نما، وبه بندگان نیکوکارم نزدیک شو.

ای موسی! در نماز پیشوای آنان ودر نزاع ها راهبر آنان باش. ومیان آنان، با آنچه بر تو نازل کردم [یعنی تورات] داوری کن که من آنرا فروفرستادم [به صورت] حکمی آشکار، ودلیلی روشن، ونوری که به آنچه در پیشینیان بود ودر آیندگان خواهد بود سخن می گوید.

ای موسی! همچون دوستی مهربان تو را سفارش می کنم به فرزند بتول [آن بانوی از دنیا بریدۀ به خدا پیوسته] عیسی بن مریم، صاحب الاغ وبُرنس(1) و روغن زیتون، و زیتون(2) ، و محراب، و پس از آن [سفارش می کنم تو را] به صاحب شتر سرخ موی، آن پاکِ پاکیزۀ پاک نهاد [پیامبر اسلام]، نشانه او در کتاب تو اینست که او مؤمن وپاسدار همۀ کتابهای آسمانی است،

1- (1)) - نوعی کلاه دراز یا شنل مخصوص عابدان..
2- (2)) این دو خوراک معمولی حضرت عیسی (ع) بوده است..

وَأَنَّهُ رَاكِعٌ سَاجِدٌ رَاغِبٌ رَاهِبٌ، إِخْوَانُهُ الْمَسَاكِينُ، وَأَنْصَارُهُ قَوْمٌ آخَرُونَ، وَيَكُونُ فِی زَمَانِهِ أَزْلٌ وَزِلْزَالٌ وَ قَتْلٌ وَ قِلَّةٌ مِنَ الْمَالِ، اسْمُهُ أَحْمَدُ، مُحَمَّدٌ الْأَمِينُ مِنَ الْبَاقِينَ مِنْ ثُلَّةِ الْأَوَّلِينَ الْمَاضِينَ، يُؤْمِنُ بِالْكُتُبِ كُلِّهَا، وَيُصَدِّقُ جَمِيعَ الْمُرْسَلِينَ، وَيَشْهَدُ بِالإِخْلاصِ لِجَمِيعِ النَّبِيِّينَ؛ أُمَّتُهُ مَرْحُومَةٌ مُبَارَكَةٌ مَا بَقُوا فِی الدِّينِ عَلَی حَقَائِقِهِ، لَهُمْ سَاعَاتٌ مُوَقَّتَاتٌ يُؤَدُّونَ فِيهَا الصَّلَوَاتِ أَدَاءَ الْعَبْدِ إِلَی سَيِّدِهِ نَافِلَتَهُ، فَبِهِ فَصَدِّقْ، وَمِنْهَاجَهُ فَاتَّبِعْ، فَإِنَّهُ أَخُوکَ.

يَا مُوسٰی إِنَّهُ أُمِّیٌّ، وَ هُوَ عَبْدُ صِدْقٍ، يُبَارَکُ لَهُ فِيما وَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ، وَيُبَارَکُ عَلَيْهِ، کَذَلِکَ کَانَ فِی عِلْمِی، وَکَذٰلِکَ خَلَقْتُهُ، بِهِ أَفْتَحُ السَّاعَةَ، وَبِأُمَّتِهِ أَخْتِمُ مَفَاتِيحَ الدُّنْيَا، فَمُرْ ظَلَمَةَ بَنِی إِسْرَائِيلَ أَنْ لا يَدْرُسُوا اسْمَهُ، وَلا يَخْذُلُوهُ، وَإِنَّهُمْ لَفَاعِلُونَ، وَ حُبُّهُ لِی حَسَنَةٌ، فَأَنَا مَعَهُ وَأَنَا مِنْ حِزْبِهِ، وَهُوَ مِنْ حِزْبِی، وَحِزْبُهُمُ الْغَالِبُونَ، (فَتَمَّتْ کَلِمَاتِی

و او اهل رکوع وسجود وشوق وبیم از خداست، برادرانش بینوایان، ویاورانش قومی دیگرند، و در زمانش فشار وگرفتاری وکشتار وتهیدستی خواهد بود، نام او احمد، محمّد امین است، از بازماندگان گروه پیشینیان [پیامبران گذشته].

به همهٔ کتابها [ی آسمانی] ایمان دارد وهمهٔ پیامبران را تصدیق می کند، و با اخلاص به نبوت همه انبیاء شهادت می دهد؛ امّت او تا بر حقایق دین پایدارند، مورد رحمت وبرکت هستند، ساعات معینی دارند که در آن ساعات نماز خود را به جا آورند همانگونه که بنده ای وظیفهٔ خود را نسبت به مولای خود انجام دهد، پس او را تصدیق کن وروش او را پیروی کن که او برادر تو است.

ای موسی! او درس ناخوانده و بندهٔ مخلصی است، بر هرچه دست نهد مبارکش گردد وخود نیز مبارک [وخجسته] است.

در علم من اینچنین بوده است، واینگونه او را آفریدم، با او قیامت را آغاز کنم وبا امتش کلیدهای دنیا را مُهر زنم [دنیا را به پایان رسانم]. پس به ستمکاران بنی اسرائیل فرمان ده که اسم او را محو نکنند، واو را وا نگذارند، [گرچه] آنان انجام خواهند داد، ودوست داشتن او به خاطر من حسنه است، پس من با او واز حزب او هستم، واو نیز از حزب من است، وحزب آنها پیروز است سخنانم پایان یافت

لَأُظْهِرَنَّ دِينَهُ عَلَى الأَدْيَانِ كُلِّهَا، وَلَأُعْبَدَنَّ بِكُلِّ مَكَانٍ، وَلَأُنْزِلَنَّ عَلَيْهِ قُرْآناً فُرْقَاناً، شِفَاءً لِمَا فِى الصُّدُورِ مِنْ نَفْثِ الشَّيْطَانِ.

فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا ابْنَ عِمْرَانَ، فَإِنِّى أُصَلِّى عَلَيْهِ وَ مَلائِكَتِى.)(1) يَا مُوسىٰ أَنْتَ عَبْدِى وَأَنَا إِلٰهُكَ، لا تَسْتَذِلَّ الْحَقِيرَ الْفَقِيرَ، وَلا تَغْبِطِ الْغَنِيَّ بِشَىْءٍ يَسِيرٍ، وَكُنْ عِنْدَ ذِكْرِى خَاشِعاً، وَ عِنْدَ تِلاوَتِهِ بِرَحْمَتِى طَامِعاً، وَأَسْمِعْنِى لَذَاذَةَ التَّوْرَاهِ بِصَوْتٍ خَاشِعٍ حَزِينٍ، اطْمَئِنَّ عِنْدَ ذِكْرِى، وَذَكِّرْ بِى مَنْ يَطْمَئِنُّ إِلَىَّ، وَاعْبُدْنِى، وَلا تُشْرِكْ بِى شَيْئاً، وَتَحَرَّ مَسَرَّتِى، إِنِّى أَنَا السَّيِّدُ الْكَبِيرُ، إِنِّى خَلَقْتُكَ مِنْ نُطْفَهٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ، مِنْ طِينَهٍ أَخْرَجْتُهَا مِنْ أَرْضٍ ذَلِيلَهٍ مَمْشُوجَهٍ، فَكَانَتْ بَشَراً، فَأَنَا صَانِعُهَا خَلْقاً، فَتَبَارَكَ وَجْهِى، وَتَقَدَّسَ صَنِيعِى، لَيْسَ كَمِثْلِى شَىْءٌ، وَأَنَا الْحَىُّ الدَّائِمُ الَّذِى لا أَزُولُ.

1- (1)) ما بين القوسين ليس فى التحف..

[قضای من حتمی شد] که حتماً دین او را بر تمامی دین ها پیروز گردانم، ودر هر مکان پرستش شوم، وبر او قرآنی فرو فرستم که جدا کننده [میان حقّ وباطل]، ودرمان سینه ها از وسوسه شیطان باشد.

پس ای فرزند عمران! بر او درود فرست، که من وفرشتگانم بر او درود می فرستیم.

ای موسی! تو بندهٔ من ومن خدای تو هستم، شخص حقیر وبی نوا را خوار نشمار، وبه چیز کمی که توانگر دارد غبطه مخور، وهنگام یاد من فروتن، وهنگام خواندن ذکرم بر رحمت من چشم داشته باش، ولذّت [قرائت] تورات را با صدایی خاشع واندوهناک به گوش من برسان، هنگام یاد من آرامش داشته باش، ومرا به یاد آنان که به من آرامش خاطر دارند بینداز، ومرا بپرست، وچیزی را همتای من قرار نده، وخشنودی مرا بجوی، که منم آن آقای بزرگ، من تو را از نطفهٔ آبی پست آفریدم، از گِلی که از زمین پست ودرهم بیرون آوردم، آنگاه بشری [کامل] گردید. پس من او را آفریده ای ساختم، ومبارک است ذات من، ومنزه است ساختهٔ من، مانند من چیزی نیست ومنم همیشه زنده ای که نابود نمی شوم.

يَا مُوسىٰ كُنْ إِذَا دَعَوْتَنِی خَائِفاً مُشْفِقاً وَجِلاً، (عَفِّرْ وَجْهَکَ لِی فِی التُّرَابِ، وَاسْجُدْ لِی بِمَکَارِمِ بَدَنِکَ، وَاقْنُتْ بَیْنَ یَدَیَّ فِی الْقِیَام)(1) ، وَنَاجِنِی حِینَ تُنَاجِینِی بِخَشْیَةٍ مِنْ قَلْبٍ وَجِلٍ، وَاحْیَ بِتَوْرَاتِی أَیَّامَ الْحَیَاهِ، وَعَلِّمِ الْجُهَّالَ مَحَامِدِی، وَذَکِّرْهُمْ آلائِی وَنِعْمَتِی، وَقُلْ لَهُمْ لا یَتَمادَوْنَ فِی غَیِّ مَا هُمْ فِیهِ، فَإِنَّ أَخْذِی أَلِیمٌ شَدِیدٌ.

یَا مُوسَی إِذَا انْقَطَعَ حَبْلُکَ مِنِّی لَمْ یَتَّصِلْ بِحَبْلِ غَیْرِی، فَاعْبُدْنِی وَقُمْ بَیْنَ یَدَیَّ مَقَامَ الْعَبْدِ الْحَقِیرِ الْفَقِیرِ، ذُمَّ نَفْسَکَ، فَهِیَ أَوْلَی بِالذَّمِّ، وَلا تَتَطَاوَلْ بِکِتَابِی عَلیٰ بَنِی إِسْرَائِیلَ، فَکَفیٰ بِهٰذا وَاعِظاً لِقَلْبِکَ وَمُنِیراً، وَهُوَ کَلامُ رَبِّ الْعَالَمِینَ جَلَّ وَتَعَالَی.

یَا مُوسیٰ مَتیٰ مَا دَعَوْتَنِی وَرَجَوْتَنِی فَإِنِّی سَأَغْفِرُ لَکَ عَلَی مَا کَانَ مِنْکَ، السَّمَاءُ تُسَبِّحُ لِی وَجَلاً، وَالْمَلائِکَهُ مِنْ مَخَافَتِی مُشْفِقُونَ، وَالأَرْضُ تُسَبِّحُ لِی طَمَعاً، وَکُلُّ الْخَلْقِ یُسَبِّحُونَ لِی دَاخِرُونَ.

1- (1)) من «وعفّر وجهک» الیٰ «فی القیام» لیس فی التحف..

ای موسی! وقت خواندن من ترسان ونرم دل وهراسان باش، برای من صورت خود را بر خاک بگذار، وبا گرامی ترین اعضای بدن خود برایم سجده کن، وهنگام ایستادن در برابرم فروتن باش، وهنگام مناجات با ترس وقلبی لرزان با من مناجات کن، و سراسر عمر خود را با تورات من زنده باش، واوصاف نیک مرا به نادانان بیاموز، ونعمت های باطن وظاهر مرا به آنان یاد آور شو، به آنان بگو به گمراهی هائیکه در آن فرو رفته اند ادامه ندهند، که مؤاخذۀ من دردناک وسخت است.

ای موسی! هنگامی که ریسمان پیوند تو با من قطع شود به ریسمان دیگری نخواهد پیوست، پس مرا پرستش کن ودر پیشگاه من همانند بندۀ ناچیز بینوا بایست، وخود را نکوهش کن که نفس تو به نکوهش سزاوارتر است، وبا کتاب من بر بنی اسرائیل سرفرازی مکن، واین کتاب کافی است که اندرز دهنده وروشن کنندۀ دلت باشد، وآن سخن پروردگار جهانیان است که بزرگ وبلندمرتبه است.

ای موسی! هر زمان مرا بخوانی وبه من امید داشته باشی، من نیز تو را با گناهانت می آمرزم، آسمان از روی بیم مرا تسبیح می گوید، وفرشتگان از هراس من بیمناکند، وزمین از روی طمع مرا تنزیه کند، وهمۀ آفریده ها متواضعانه مرا می ستایند.

ص:23

ثُمَّ عَلَيْکَ بِالصَّلاهِ الصَّلاهِ، فَإِنَّهَا مِنِّی بِمَکَانٍ، وَلَهَا عِنْدِی عَهْدٌ وَثِيقٌ، وَأَلْحِقْ بِهَا مَا هُوَ مِنْهَا زَکَاهَ الْقُرْبَانِ مِنْ طَيِّبِ الْمَالِ وَالطَّعَامِ، فَإِنِّی لا أَقْبَلُ إِلَّا الطُّيِّبَ يُرَادُ بِهِ وَجْهِی، وَاقْرُنْ مَعَ ذَلِکَ صِلَهَ الأَرْحَامِ، فَإِنِّی أَنَا اللَّهُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ، وَالرَّحِمُ أَنَا خَلَقْتُهَا فَضْلاً مِنْ رَحْمَتِی، لِيَتَعَاطَفَ بِهَا الْعِبَادُ، وَلَهَا عِنْدِی سُلْطَانٌ فِی مَعَادِ الآخِرَهِ، وَأَنَا قَاطِعُ مَنْ قَطَعَهَا، وَوَاصِلُ مَنْ وَصَلَهَا، وَکَذَلِکَ أَفْعَلُ بِمَنْ ضَيَّعَ أَمْرِی.

يَا مُوسیٰ أَکْرِمِ السَّائِلَ إِذَا أَتَاکَ بِرَدٍّ جَمِيلٍ أَوْ إِعْطَاءٍ يَسِيرٍ، فَإِنَّهُ يَأْتِيکَ مَنْ لَيْسَ بِإِنْسٍ وَلاَ جَانٍّ، مَلاَئِکَهُ الرَّحْمَنِ يَبْلُونَکَ کَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ فِيما أَوْلَيْتُکَ، وَکَيْفَ مُوَاسَاتُکَ فِيما خَوَّلْتُکَ، وَاخْشَعْ لِی بِالتَّضَرُّعِ، وَاهْتِفْ لِی بِوَلْوَلَهِ الْکِتَابِ،

سپس بر تو باد به نماز، نماز، که آن نزد من منزلتی بزرگ، وپیمانی محکم دارد، وبه آن زکات مایۀ تقرب که از نماز محسوب می شود را پیوند ده، زکاتی که از مال وخوراک پاکیزه باشد، که من جز پاکیزه ای را که برای رضای من باشد قبول نمی کنم، وبا اینها صلۀ رحم را همراه ساز، که منم خدای بخشایشگر مهربان، وخویشاوندی را من تفضلاً از رحمت خود آفریدم، تا بندگان با آن به یکدیگر مهر ورزند، وآن در روز قیامت نزد من فرمانروایی خواهد داشت، من از آنکس که پیوند خویشی را بریده می برم، وبا آنکه پیوند کرده می پیوندم، واینگونه با کسی که فرمان مرا تباه سازد رفتار خواهم کرد.

ای موسی! سائل را چون نزد تو آمد اکرام کن یا با خوشرویی بازگردان و یا با بخششی اندک، زیرا گاهی کسی پیش تو آید، که نه انسان است و نه جنّ، بلکه از فرشته های خدای رحمان است، تو را می آزمایند تا چگونه با آنچه به تو ارزانی داشته ام رفتار می کنی و با نعمتی که به تو داده ام با دیگران [همدردی و] مواسات می کنی؟

وبا لابه به درگاه من نرم دل شو، و کتاب [تورات] را نالان و گریان برایم بخوان.

ص:25

وَاعْلَمْ أَنِّی أَدْعُوکَ دُعَاءَ السَّیِّدِ مَمْلُوکَهُ، لِیَبْلُغَ بِهِ شَرَفَ الْمَنَازِلِ، وَ ذٰلِکَ مِنْ فَضْلِی عَلَیْکَ وَعَلیٰ آبَائِکَ الأَوَّلِینَ.

یَا مُوسَی لا تَنْسَنِی عَلیٰ کُلِّ حَالٍ، وَلا تَفْرَحْ بِکَثْرَهِ الْمَالِ، فَإِنَّ نِسْیَانِی یُقْسِی الْقُلُوبَ، وَمَعَ کَثْرَهِ الْمَالِ کَثْرَهُ الذُّنُوبِ. الأَرْضُ مُطِیعَهٌ، وَالسَّمَاءُ مُطِیعَهٌ، وَالْبِحَارُ مُطِیعَهٌ، وَعِصْیَانِی شَقَاءُ الثَّقَلَیْنِ، وَأَنَا الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ، رَحْمَانُ کُلِّ زَمَانٍ.

آتِی بِالشِّدَّهِ بَعْدَ الرَّخَاءِ، وَبِالرَّخَاءِ بَعْدَ الشِّدَّهِ، وَبِالْمُلُوکِ بَعْدَ الْمُلُوکِ، وَمُلْکِی دَائِمٌ قَائِمٌ لا یَزُولُ، وَلا یَخْفیٰ عَلَیَّ شَیْءٌ فِی الأَرْضِ وَلا فِی السَّمَاءِ، وَکَیْفَ یَخْفیٰ عَلَیَّ مَا مِنِّی مُبْتَدَؤُهُ، وَکَیْفَ لا یَکُونُ هَمُّکَ فِیما عِنْدِی وَإِلَیَّ تَرْجِعُ لا مَحَالَهَ.

یَا مُوسَی اجْعَلْنِی حِرْزَکَ، وَ ضَعْ عِنْدِی کَنْزَکَ مِنَ الصَّالِحَاتِ، وَخَفْنِی وَلا تَخَفْ غَیْرِی، إِلَیَّ الْمَصِیرُ.

(یَا مُوسیٰ ارْحَمْ مَنْ هُوَ أَسْفَلُ مِنْکَ فِی الْخَلْقِ، وَلا تَحْسُدْ مَنْ هُوَ فَوْقَکَ، فَإِنَّ الْحَسَدَ یَأْکُلُ الْحَسَنَاتِ کَمَا تَأْکُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.

وبدان من تو را فرا می خوانم همانند آقایی که بندۀ خود را می خواند، تا او را به درجات بلند برساند، واین از فضل من بر تو وبر پدران پیشین توست.

ای موسی! در هر حال مرا فراموش مکن، وبه دارایی فراوان خوشنود نشو، که فراموشی من دلها را سخت می کند، وهمراه فراوانی مال فراوانی گناه است، زمین فرمانبردار است، وآسمان فرمانبردار است، ودریاها فرمانبردارند، ونافرمانی من تیره روزی جن وانس است، ومن بخشایندۀ مهربانم، بخشایندۀ هر زمان، پس از سختی آسودگی آرم وپس از آسودگی سختی، وپادشاهان را پس از پادشاهان، در حالی که فرمانروایی من همیشگی وپاینده وبی زوال است، در زمین وآسمان چیزی بر من پنهان نیست، و چگونه آنچه پیدایشش از طرف من است از من پنهان بماند؟ وچگونه در آنچه نزد من است همت نگماری؟ با اینکه به ناچار به سوی من باز می گردی.

ای موسی! مرا پناه خود قرار ده، وگنج خود را - که کارهای نیک است - نزد من بگذار، واز من بترس، واز غیر من بیم نداشته باش، که بازگشت [همه] به سوی من است.

ای موسی! به کسی که در میان بندگان پائین تر از تو است رحم کن، وبه کسی که برتر از تو است رشک مبر، که حسد نیکی ها را می خورد همانگونه که آتش هیزم را.

يا مُوسىٰ إِنَّ ابْنَیْ آدَمَ تَوَاضَعَا فِی مَنْزِلَهٍ لِیَنَالا بِهَا مِنْ فَضْلِی وَرَحْمَتِی، فَقَرَّبَا قُرْبَاناً، وَلا أَقْبَلُ إِلّا مِنَ الْمُتَّقِینَ، فَکَانَ مِنْ شَأْنِهِمَا مَا قَدْ عَلِمْتَ، فَکَیْفَ تَثِقُ بِالصَّاحِبِ بَعْدَ الأَخِ وَالْوَزِیرِ؟ !

یَا مُوسىٰ ضَعِ الْکِبْرَ، وَدَعِ الْفَخْرَ، وَاذْکُرْ أَنَّکَ سَاکِنُ الْقَبْرِ، فَلْیَمْنَعْکَ ذٰلِکَ مِنَ الشَّهَوَاتِ.)(1) یَا مُوسىٰ عَجِّلِ التَّوْبَهَ، وَأَخِّرِ الذَّنْبَ، وَتَأَنَّ فِی الْمَکْثِ بَیْنَ یَدَیَّ فِی الصَّلاهِ، وَلا تَرْجُ غَیْرِی، اتَّخِذْنِی جُنَّهً لِلشَّدَائِدِ(2) ، وَحِصْناً لِمُلِمَّاتِ الأُمُورِ.

(یَا مُوسىٰ کَیْفَ تَخْشَعُ لِی خَلِیقَهٌ لا تَعْرِفُ فَضْلِی عَلَیْهَا، وَکَیْفَ تَعْرِفُ فَضْلِی عَلَیْهَا وَهِیَ لا تَنْظُرُ فِیهِ، وَکَیْفَ تَنْظُرُ فِیهِ وَهِیَ لا تُؤْمِنُ بِهِ، وَکَیْفَ تُؤْمِنُ بِهِ وَهِیَ لا تَرْجُو ثَوَاباً، وَکَیْفَ تَرْجُو ثَوَاباً وَهِیَ قَدْ قَنَعَتْ بِالدُّنْیَا، وَاتَّخَذَتْهَا مَأْوىً، وَرَکَنَتْ إِلَیْهَا رُکُونَ الظَّالِمِینَ.) (3)

1- (1)) من «یا موسىٰ ارحم» الىٰ «من الشهوات» لیس فی التحف..
2- (2)) بدل «اتّخذنی جُنّه للشدائد» فی الجواهر السنیه: «واجعلنی جُنّه»..
3- (3)) من «یا موسىٰ کیف» الىٰ «الظالمین» لیس فی التحف..

ای موسی! دو فرزند آدم در مقامی فروتنی کردند تا بدان وسیله به فضل ورحمت من دست یابند، پس هر دو قربانی کردند، در حالیکه من جز از پارسایان نپذیرم، وقصۀ آن دو چنان شد که دانستی، پس چگونه به رفیق، پس از برادر وپشت وپناه اعتماد می کنی؟

ای موسی! کبر را فرو گذار، وفخر را رها کن، ویاد بیاور که تو در قبر جای خواهی گرفت، پس همین باید تو را از شهوت ها باز دارد.

ای موسی! توبه را پیش انداز، وگناه را پس افکن، ودر ایستادن در پیشگاه من به نماز، آرام [وبی شتاب] باش، وبه غیر از من امید مبند، مرا سپری در برابر سختی ها، وقلعۀ محکمی برای پیش آمدهای ناگوار قرار ده.

ای موسی! آفریده ای که فضل [و رحمت] مرا بر خود نمی شناسد، چگونه برای من خاشع گردد؟ وچگونه فضل [و رحمت] مرا بر خود بشناسد، در حالیکه در آن نمی نگرد، وچگونه در آن بنگرد در حالیکه به آن ایمان ندارد، وچگونه به آن ایمان آورد، در حالیکه پاداشی را امید ندارد، وچگونه پاداشی را امید داشته باشد در حالیکه به دنیا بسنده کرده است، وآن را جایگاه خویش گزیده است، وهچون ستمگران به آن دل بسته است.

يَا مُوسىٰ نَافِسْ فِى الْخَيْرِ أَهْلَهُ، فَإِنَّ الْخَيْرَ كَاسْمِهِ، وَدَعِ الشَّرَّ لِكُلِّ مَفْتُونٍ.

يَا مُوسىٰ اجْعَلْ لِسَانَکَ مِنْ وَرَاءِ قَلْبِکَ تَسْلَمْ، وَأَكْثِرْ ذِكْرِى بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ تَغْنَمْ، وَلا تَتَّبِعِ الْخَطَايَا فَتَنْدَمَ، فَإِنَّ الْخَطَايَا مَوْعِدُهَا النَّارُ.

يَا مُوسىٰ أَطِبِ الْكَلامَ لِأَهْلِ التَّرْكِ لِلذُّنُوبِ، وَكُنْ لَهُمْ جَلِيساً، وَاتَّخِذْهُمْ لِغَيْبِکَ إِخْوَاناً، وَجِدَّ مَعَهُمْ يَجِدُّونَ مَعَکَ.

(يَا مُوسىٰ الْمَوْتُ يَأْتِيکَ لا مَحَالَهَ، فَتَزَوَّدْ زَادَ مَنْ هُوَ عَلىٰ مَا يَتَزَوَّدُ وَارِدٌ عَلَى الْيَقِينِ.)(1) يَا مُوسىٰ مَا أُرِيدَ بِهِ وَجْهِى فَكَثِيرٌ قَلِيلُهُ، وَمَا أُرِيدَ بِهِ غَيْرِى فَقَلِيلٌ كَثِيرُهُ، وَإِنَّ أَصْلَحَ أَيَّامِکَ الَّذِى هُوَ أَمَامَکَ، فَانْظُرْ أَىُّ يَوْمٍ هُوَ فَأَعِدَّ لَهُ الْجَوَابَ، فَإِنَّکَ مَوْقُوفٌ وَمَسْؤولٌ. وَخُذْ مَوْعِظَتَکَ مِنَ الدَّهْرِ وَأَهْلِهِ، فَإِنَّ الدَّهْرَ طَوِيلُهُ قَصِيرٌ، وَقَصِيرُهُ طَوِيلٌ، وَكُلُّ شَىْءٍ فَانٍ، فَاعْمَلْ كَأَنَّکَ تَرَى ثَوَابَعَمَلِکَ، لِكَىْ يَكُونَ أَطْمَعَ لَکَ فِى الآخِرَهِ لا مَحَالَهَ، فَإِنَّ مَابَقِىَ مِنَ الدُّنْيَا كَمَا وَلَّى مِنْهَا،

1- (1)) ما بين القوسين ليس فى التحف..

ای موسی! در کار نیک از نیکوکاران پیشی بگیر که نیکی همچون نام خود نیک است، وپلیدی را برای شیفتهٔ آن واگذار.

ای موسی! زبانت را در پس دل خود قرار ده تا سالم بمانی، ودر شب وروز بسیار به یاد من باش تا سود بری، واز گناهان پیروی نکن که پشیمان شوی، زیرا قرارگاه گناهان آتش است.

ای موسی! با آنانکه ترک گناهان کنند خوش سخن، وهمنشین آنان باش، وآنان را برای غیب [وأسرار] خود به برادری گیر، وبا آنان بکوش تا با تو بکوشند.

ای موسی! ناگزیر مرگ به تو خواهد رسید، پس همچون کسی توشه برگیر که به یقین بر توشهٔ خود درآید.

ای موسی! آنچه برای رضای من انجام گیرد اندکِ آن فراوان است، وآنچه برای غیر من انجام گیرد فراوانِ آن اندک است، وشایسته ترین روزهای تو روزی است که پیش رو داری، پس بنگر که چه روزی است؟ برای آن پاسخ آماده کن، زیرا تو را نگه دارند واز تو بازخواست کنند، واز روزگار واهل آن پند خود را دریاب، که بلندِ روزگار کوتاه، وکوتاهِ آن بلند است، وهر چیزی فانی است، پس آنچنان عمل کن که گویی پاداش آنرا می بینی، تا به ناچار طمعِ تو را به آخرت فزونی بخشد، زیرا آنچه از دنیا [ی تو] باقی است همانگونه خواهد بود که پشت کرده است،

وَكُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلىٰ بَصِيرَةٍ وَمِثَالٍ، فَكُنْ مُرْتَاداً لِنَفْسِکَ يَا ابْنَ عِمْرَانَ، لَعَلَّکَ تَفُوزُ غَداً يَوْمَ السُّؤَالِ، فَهُنَالِکَ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ.

(يَا مُوسىٰ أَلْقِ کَفَّيْکَ ذُلّاً بَيْنَ يَدَيَّ، کَفِعْلِ الْعَبْدِ الْمُسْتَصْرِخِ إِلىٰ سَيِّدِهِ، فَإِنَّکَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِکَ رُحِمْتَ، وَأَنَا أَکْرَمُ الْقَادِرِينَ.

يَا مُوسىٰ سَلْنِي مِنْ فَضْلِي وَرَحْمَتِي، فَإِنَّهُمَا بِيَدِي، لا يَمْلِکُهُمَا أَحَدٌ غَيْرِي، وَانْظُرْ حِينَ تَسْأَلُنِي کَيْفَ رَغْبَتکَ فِيمَا عِنْدِي، لِکُلِّ عَامِلٍ جَزَاءٌ، وَقَدْ يُجْزَى الْکَفُورُ بِمَا سَعىٰ.)(1) يَا مُوسىٰ طِبْ نَفْساً عَنِ الدُّنْيَا، وَانْطَوِ عَنْهَا، فَإِنَّهَا لَيْسَتْ لَکَ وَلَسْتَ لَهَا، مَا لَکَ وَلِدَارِ الظَّالِمِينَ إِلّا لِعَامِلٍ فِيهَا بِالْخَيْرِ، فَإِنَّهَا لَهُ نِعْمَ الدَّارُ.

(يَا مُوسىٰ مَا آمُرُکَ بِهِ فَاسْمَعْ(2) ، وَمَهْمَا أَرَاهُ فَاصْنَعْ، خُذْ حَقَائِقَ التَّوْرَاهِ إِلىٰ صَدْرِکَ، وَتَيَقَّظْ بِهَا فِي سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ،

1- (1)) من «ياموسىٰ أَلقِ» الىٰ «بما سعىٰ» ليس فى التحف..
2- (2)) - «فاصنع» الجواهر السنيه..

وهر عاملی از روی بصیرت ونمونهٔ عملی کار می کند؛ پس ای فرزند عمران! برای خودت، خود در تلاش باش که امید می رود فردا - روز سؤال - رستگار شوی که آنجا بیهوده کاران زیان می بینند.

ای موسی! دو دست خود را با خواری در پیشگاه من بدار، همچون بنده ای که مولای خود را به داد خواهد، که تو چون اینگونه کردی مورد رحمت قرار می گیری، ومن بخشنده ترین قدرتمندانم.

ای موسی! از فضل ورحمت من بخواه که ایندو بدست من است، وجز من کسی صاحب اختیار آنها نیست، وچون از من درخواست کنی بنگر که شوق تو به آنچه نزد من است چگونه است؟ برای هر عمل کننده پاداشی است، وگاه ناسپاس نیز پاداش تلاش خود را ببیند.

ای موسی! دلت را از [وابستگی به] دنیا پاک گردان، وخود را از آن بدور دار. که نه آن برای توست ونه تو برای آن، تو را با خانهٔ ستمگران چه کار؟ مگر برای آنکس که در آن کار نیک کند که دنیا برای او خوب خانه ای است.

ای موسی! هرچه دستورت دادم بشنو، و آنچه را مصلحت دیدم انجام ده، حقایق تورات را درسینهٔ خود گیر، وبا آنها در ساعات شب وروز بیدار باش،

وَلا تُمَكِّنْ أَبْنَاءَ الدُّنْيَا مِنْ صَدْرِکَ، فَيَجْعَلُونَهُ وَكْراً كَوَكْرِ الطَّيْرِ.)(1) يَا مُوسىٰ أَبْنَاءُ الدُّنْيَا وَأَهْلُهَا فِتَنٌ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ، فَكُلٌّ مُزَيَّنٌ لَهُ مَا هُوَ فِيهِ، وَالْمُؤْمِنُ مَنْ زُيِّنَتْ لَهُ الآخِرَهُ، فَهُوَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا مَا يَفْتُرُ، قَدْ حَالَتْ شَهْوَتُهَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ لَذَّهِ الْعَيْشِ، فَأَدْلَجَتْهُ بِالأَسْحَارِ كَفِعْلِ الرَّاكِبِ السَّائِقِ إِلىٰ غَايَتِهِ، يَظَلُّ كَئِيباً وَيُمْسِى حَزِيناً، فَطُوبىٰ لَهُ لَوْ قَدْ كُشِفَ الْغِطَاءُ مَاذَا يُعَايِنُ مِنَ السُّرُورِ.

(يَا مُوسىٰ! الدُّنْيَا نُطْفَهٌ، لَيْسَتْ بِثَوَابٍ لِلْمُؤْمِنِ، وَلا نَقِمَهٍ مِنْ فَاجِرٍ، فَالْوَيْلُ الطَّوِيلُ لِمَنْ بَاعَ ثَوَابَ مَعَادِهِ بِلَعْقَهٍ لَمْ تَبْقَ، وَبِلَعْسَهٍ لَمْ تَدُمْ، وَكَذَلِکَ فَكُنْ كَمَا أَمَرْتُکَ وَكُلُّ أَمْرِى رَشَادٌ.)(2) يَا مُوسىٰ! إِذَا رَأَيْتَ الْغِنىٰ مُقْبِلاً فَقُلْ ذَنْبٌ عُجِّلَتْ لِى عُقُوبَتُهُ،

1- (1)) ما بين القوسين ليس فى التحف..
2- (2)) ما بين القوسين ليس فى التحف..

وفرزندان دنیا را بر سینه [ودل] خود چیره مساز، که آنرا - همچون پرندگان - آشیانهٔ خود گیرند.

ای موسی! فرزندان دنیا ودنیائیان، برخی برای برخی دیگر وسیلهٔ آزمایشند، پس هرکس به هرچه مشغول است همان برایش آراسته شده، ومؤمن کسی است که آخرت برایش زینت یافته است، پس او پیوسته به آن می نگرد [و] سستی نمی کند، هوای آخرت میان او ولذت زندگی دنیا فاصله انداخته است، واو را در سحرها - مانند سواری که به سوی مقصد خویش می راند - به سیر [وشب زنده داری] کشانده است، روز اندوهگین، وشب غمین است، پس خوشا به حال او که چون پرده کنار رود، چه سروری خواهد دید.

ای موسی! دنیا آب پستی بیش نیست، وپاداش برای مؤمن و کیفر برای تبهکار نخواهد بود، پس تیره بختی طولانی برای کسی است که پاداش [پایدار] معاد خود را به لیسیدنِی ناپایدار، وگاززدنِی بی دوام می فروشد، پس همانگونه که به تو دستور دادم باش، وهمهٔ دستورات من مایهٔ رشد [وهدایت] است.

ای موسی! هنگامی که دیدی توانگری [به تو] رو آورد، [با خود] بگو: گناهی است که کیفر آن پیش افتاده است،

وَإِذَا رَأَيْتَ الْفَقْرَ مُقْبِلاً فَقُلْ مَرْحَباً بِشِعَارِ الصَّالِحِينَ، وَلا تَكُنْ جَبَّاراً ظَلُوماً، وَلا تَكُنْ لِلظَّالِمِينَ قَرِيناً.

يَا مُوسىٰ! مَا عُمُرٌ وَإِنْ طَالَ يُذَمُّ آخِرُهُ، وَمَا ضَرَّكَ مَا زُوِيَ عَنْكَ إِذَا حُمِدَتْ مَغَبَّتُهُ.

يَا مُوسىٰ! صَرَخَ(1) الْكِتَابُ إِلَيْكَ صُرَاخاً(2) بِمَا أَنْتَ إِلَيْهِ صَائِرٌ، فَكَيْفَ تَرْقُدُ عَلَى هَذَا الْعُيُونُ، أَمْ كَيْفَ يَجِدُ قَوْمٌ لَذَّةَ الْعَيْشِ لَوْلاَ التَّمَادِى فِى الْغَفْلَةِ، وَالاتِّبَاعُ لِلشِّقْوَةِ، وَالتَّتَابُعُ لِلشَّهْوَةِ، وَمِنْ دُونِ هَذَا يَجْزَعُ الصِّدِّيقُونَ.

يَا مُوسىٰ! مُرْ عِبَادِى يَدْعُونِى عَلىٰ مَا كَانَ، بَعْدَ أَنْ يُقِرُّوا لِى أَنِّى أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، مُجِيبُ الْمُضْطَرِّينَ، وَأَكْشِفُ السُّوءَ، وَأُبَدِّلُ الزَّمَانَ، وَآتِى بِالرَّخَاءِ، وَأَشْكُرُ الْيَسِيرَ، وَأُثِيبُ الْكَثِيرَ، وَأُغْنِى الْفَقِيرَ، وَأَنَا الدَّائِمُ الْعَزِيزُ الْقَدِيرُ.

فَمَنْ لَجَأَ إِلَيْكَ وَانْضَوىٰ إِلَيْكَ مِنَ الْخَاطِئِينَ فَقُلْ أَهْلاً وَسَهْلاً [بِأ رحَبِ](3) الْفِنَاءِ بِفِنَاءِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ،

1- (1)) - «صرح» الجواهر السنيه والتحف..
2- (2)) «صراحاً» الجواهر السنيه والتحف..
3- (3)) - اثبتناه من التحف و هامش الكافى عن بعض النسخ. وفى المصدر «يا رحب»..

مناجاه خدا با موسیٰ

وهنگامی که دیدی ناداری روی آورد بگو خوشا به شعار نیکوکاران، وزورگو وستمگر وهمنشین ستمگران مباش.

ای موسی! آن عمری که پایانش نکوهش آورد، هرچند دراز باشد عمر نیست، وآنچه به تو نرسیده است اگر سرانجامش ستوده باشد زیانت نرساند.

ای موسی! کتاب آسمانی بلند [وصریح] به تو می گوید:

که سرانجام کجا خواهی رفت. [پس] چگونه با این چشمها می خوابی، ویا چگونه مردمی لذت زندگی می برند، اگر نباشد پیوستگی غفلت، وپیروی شقاوت، وپی درپی بودن خواسته های نفسانی؟! وصدّیقان با کنارگذاشتن این [غفلت، شقاوت و خواسته های نفسانی] است که جزع [وبی تابی] دارند.

ای موسی! بندگانم را فرمان ده برای هرچه باشد مرا بخوانند، پس از آنکه اعتراف کنند به اینکه من مهربانترین مهربانانم، واجابت کننده درماندگانم، وبدی [وسختی] را بردارم، وزمانه را دگرگون سازم، وگشایش آورم، واندک را سپاس گزارم، وفراوان را پاداش دهم ونادار را دارا کنم، ومنم پایندهٔ مقتدر توانا.

پس هر کس از گنهکاران به تو پناه [وروی] آورد به او بگو: به فراخ ترین آستان که آستان پروردگار جهانیان است خوش آمدی، وبرای ایشان استغفار کن،

وَكُنْ لَهُمْ كَأَحَدِهِمْ، وَلا تَسْتَطِلْ عَلَيْهِمْ بِمَا أَنَا أَعْطَيْتُکَ فَضْلَهُ، وَقُلْ لَهُمْ فَلْيَسْأَلُونِی مِنْ فَضْلِی وَرَحْمَتِی، فَإِنَّهُ لا يَمْلِكُهَا أَحَدٌ غَيْرِی، وَأَنَا ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.

طُوبیٰ لَکَ يَا مُوسیٰ كَهْفُ الْخَاطِئِينَ، وَجَلِيسُ الْمُضْطَرِّينَ، وَمُسْتَغْفِرٌ لِلْمُذْنِبِينَ، إِنَّکَ مِنِّی بِالْمَكَانِ الرَّضِیِّ، فَادْعُنِی بِالْقَلْبِ النَّقِیِّ، وَاللِّسَانِ الصَّادِقِ، وَكُنْ كَمَا أَمَرْتُکَ، أَطِعْ أَمْرِی، وَلا تَسْتَطِلْ عَلَیٰ عِبَادِی بِمَا لَيْسَ مِنْکَ مُبْتَدَاهُ، وَتَقَرَّبْ إِلَیَّ فَإِنِّی مِنْکَ قَرِيبٌ، فَإِنِّی لَمْ أَسْأَلْکَ مَا يُؤْذِيکَ ثِقْلُهُ، وَلا حَمْلُهُ؛ إِنَّمَا سَأَلْتُکَ أَنْ تَدْعُوَنِی فَأُجِيبَکَ، وَأَنْ تَسْأَلَنِی فَأُعْطِيَکَ، وَأَنْ تَتَقَرَّبَ إِلَیَّ بِمَا مِنِّی أَخَذْتَ تَأْوِيلَهُ، وَعَلَیَّ تَمَامُ تَنْزِيلِهِ.

يَا مُوسیٰ! انْظُرْ إِلَی الأَرْضِ، فَإِنَّهَا عَنْ قَرِيبٍ قَبْرُکَ، وَارْفَعْ عَيْنَيْکَ إِلَی السَّمَاءِ، فَإِنَّ فَوْقَکَ فِيهَا مَلِكاً عَظِيماً، وَابْكِ عَلَیٰ نَفْسِکَ مَا دُمْتَ فِی الدُّنْيَا، وَتَخَوَّفِ الْعَطَبَ وَالْمَهَالِکَ، وَلا تَغُرَّنَّکَ زِينَةُ الدُّنْيَا وَزَهْرَتُهَا، وَلا تَرْضَ بِالظُّلْمِ، وَلا تَكُنْ ظَالِماً، فَإِنِّی لِلظَّالِمِ رَصِيدٌ حَتّیٰ أُدِيلَ مِنْهُ الْمَظْلُومَ.

وبرای آنان همچون یکی از آنان باش، وبه جهت فضل ورحمتی که به تو داشته ام بر آنان بزرگی مکن، وبه ایشان بگو که از فضل ورحمت من بخواهند که اختیار آنرا جز من کسی ندارد، ومنم صاحب فضلی بزرگ.

خوشا به حالت ای موسی! [که تو] پناه گنهکاران، وهم نشین بیچارگان، وآمرزش خواه گنهکاران هستی، تو در نزد من مقامی پسندیده داری، پس با دلی پاک، وزبانی راستگو مرا بخوان، وچنان باش که فرمانت دادم، دستورم را گردن بنه، و به سبب آنچه آغازش از تو نبوده بر بندگانم گردن فرازی مکن، وبه من نزدیک شو، که من به تو نزدیکم، زیرا من از تو چیزی که سنگینی وتحملش تو را بیازارد نخواستم، فقط از تو خواستم مرا بخوانی تا تو را اجابت کنم، واز من بخواهی تا به تو بدهم، وبا آنچه تأویل [وتفسیر] آنرا از من دریافتی وتنزیل کامل آن با من است به من نزدیک شَوی.

ای موسی! به زمین بنگر، که آن به زودی قبر تو خواهد بود، و دیدگان خود را به آسمان بلند کن که در آنجا بالای سر تو فرمانروایی بزرگ است، وتا در دنیا هستی بر خویشتن گریه کن، واز نابودی ومهلکه ها بترس، وزینت وخرّمی دنیا فریبت ندهد، وبه ستم راضی مشو، وخود ستمگر مباش، که من در کمین ستمگرم تا ستم شده را بر او پیروز گردانم.

يَا مُوسىٰ! إِنَّ الْحَسَنَةَ عَشَرَهُ أَضْعَافٍ، وَمِنَ السَّيِّئَهِ الْوَاحِدَهِ الْهَلاكُ، لا تُشْرِكْ بِی، لا يَحِلُّ لَکَ أَنْ تُشْرِکَ بِی، قَارِبْ، وَسَدِّدْ، وَادْعُ دُعَاءَ الطَّامِعِ الرَّاغِبِ فِيما عِنْدِی، النَّادِمِ عَلىٰ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ، فَإِنَّ سَوَادَ اللَّيْلِ يَمْحُوهُ النَّهَارُ، وَكَذٰلِکَ السَّيِّئَهُ تَمْحُوهَا الْحَسَنَهُ، وَعَشْوَهُ اللَّيْلِ تَأْتِی عَلىٰ ضَوْءِ النَّهَارِ، وَكَذٰلِکَ السَّيِّئَهُ تَأْتِی عَلَى الْحَسَنَهِ الْجَلِيلَهِ فَتُسَوِّدُهَا. (1)

1- (1)) الكافی ج 8 ص 42 ح 8، عنه المجلسی فی كتاب الأربعين ص 448 الحديث التاسع والعشرون، والجواهر السنيه فی الاحاديث القدسيه، الباب السابع، ص 31. وفی تحف العقول ص 584 بتفاوت يسير. وفی البحار: ج 13 ص 332 ح 13 عن التحف، وفی ج 77 ص 31 ح 7 عن الكافی. وفی تفسير الصافی: ج 2 ص 243، ونور الثقلين: ج 1 ص 639 ح 234، وج 2 ص 84 ح 302، وج 5 ص 77 ح 89، وص 211 ح 28، وص 315 ح 22 قطعه.قال المجلسی رحمه الله حول سند الحديث: وهو إن كان مرفوعاً موقوفاً له فهو من حيث المتن رفيع موقوف «الاربعون ص 453»..

ای موسی ! کار نیک ده برابر بشمار آید، واز یک گناه هلاکت خیزد، برای من شریک قرار مده، بر تو روانیست که به من شرک ورزی، میانه رو ومحکم کار باش، وهمچون دعای کسی که شوق نعمت های نزد مرا دارد وازگناهان پیشین خود پشیمان است مرا بخوان، زیرا [روشنایی] روز سیاهی شب را می برد، همچنین کار نیک کار بد را نابود می کند، و تاریکی شب روشنایی روز را می پوشاند، وهمچنین کار بد کار نیک بزرگ را پوشانده، سیاه می کند.

ص:41

ص:42

پندهای خدا به عیسیٰ علیه السلام (یا عیسیٰ)

اشاره

ص:43

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ، عَنْهُمْ عليهم السلام، قَالَ: فِيما وَعَظَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ عِيسَى عليه السلام

يَا عِيسَىٰ! أَنَا رَبُّکَ وَرَبُّ آبَائِکَ، إِسْمِی وَاحِدٌ، وَأَنَا الْأَحَدُ الْمُتَفَرِّدُ بِخَلْقِ کُلِّ شَیْءٍ، وَکُلُّ شَیْءٍ مِنْ صُنْعِی، وَکُلٌّ(1) إِلَیَّ رَاجِعُونَ.

يَا عِيسىٰ أَنْتَ الْمَسِيحُ بِأَمْرِی، وَأَنْتَ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِی، وَأَنْتَ تُحْيِی الْمَوْتىٰ بِكَلَامِی، فَكُنْ إِلَیَّ رَاغِباً، وَ مِنِّی رَاهِباً،

1- (1)) بزياده «خَلقی» الأمالی والبحار..

پندهای خدا به عِیسیٰ علیه السلام

علی بن ابراهیم از پدرش از علی بن اسباط از ائمه معصوم علیهم السلام نقل کرده که: در پندهای خداوند به عیسی بن مریم علیه السلام آمده است:

ای عیسی! من پروردگار تو و پروردگار پدرانت هستم، نامم واحد [و یکتا] است، و من یگانه ای هستم که همه چیز را به تنهایی آفریدم، و هرچیز ساختۀ من است، و همه به سوی من باز می گردند.

ای عیسی! تو به فرمان من مسیح(1) هستی، و تو به اذن من از گِل همچون پرنده می آفرینی، و تو با کلام من مرده ها را زنده می کنی، پس به من مشتاق و از من بیمناک باش،

1- (1)) - مسیح: لقب حضرت عیسی علیه السلام بدان جهت که متبرک آفریده شده یامأخوذ از عبری «ماشیاخ» به معنی منجی ونجات دهنده [است]. (معارف ومعاریف: 382/9)..

وَلَنْ تَجِدَ مِنِّی مَلْجَأً إِلّا إِلَیَّ.

یَا عِیسیٰ! اوصِیکَ وَصِیَّهَ الْمُتَحَنِّنِ عَلَیْکَ بِالرَّحْمَهِ حَتّیٰ حَقَّتْ لَکَ مِنِّی الْوِلایَهُ بِتَحَرِّیکَ مِنِّی الْمَسَرَّهَ، فَبُورِکْتَ کَبِیراً وَبُورِکْتَ صَغِیراً حَیْثُ مَا کُنْتَ، أَشْهَدُ أَنَّکَ عَبْدِی ابْنُ أَمَتِی، أَنْزِلْنِی(1) مِنْ نَفْسِکَ کَهَمِّکَ، وَاجْعَلْ ذِکْرِی لِمَعَادِکَ، وَتَقَرَّبْ إِلَیَّ بِالنَّوَافِلِ، وَتَوَکَّلْ عَلَیَّ أَکْفِکَ، وَلَا تَوَکَّلْ عَلیٰ(2) غَیْرِی فَأَخْذُلَکَ.

یَا عِیسیٰ! اصْبِرْ عَلَی الْبَلاءِ، وَارْضَ بِالْقَضَاءِ، وَکُنْ کَمَسَرَّتِی فِیکَ، فَإِنَّ مَسَرَّتِی أَنْ اطَاعَ فَلَا اعْصیٰ.

یَا عِیسیٰ! أَحْیِ ذِکْرِی بِلِسَانِکَ، وَلْیَکُنْ وُدِّی فِی قَلْبِکَ.

یَا عِیسیٰ! تَیَقَّظْ فِی سَاعَاتِ الْغَفْلَهِ، وَاحْکُمْ لِی لَطِیفَ الْحِکْمَهِ.

یَا عِیسیٰ! کُنْ رَاغِباً رَاهِباً، وَأَمِتْ قَلْبَکَ بِالْخَشْیَهِ(3).

1- (1)) - «یا عیسیٰ! أَنزِلنی» الأمالی والبحار..
2- (2)) - فی الأمالی والجواهر السنیه والبحار: «ولا تولّ» بدل «ولا توکّل علیٰ»..
3- (3)) قال علی علیه السلام: أحیِ قلبک بالموعظه، وأمته بالزهاده.نهج البلاغه؛ ص 391 رقم 31 من وصیه لابنه الإمام الحسن علیه السلام..

و هرگز از من، پناهی جز من نخواهی یافت.

ای عیسی! مشفقانه تو را به رحمت [ومهربانی] سفارش می کنم تا با طلب شادمانیم شایستهٔ ولایت من شوی، پس تو هر جا باشی، در بزرگی وکودکی مبارک هستی، گواهی می دهم که تو بندهٔ من [و] فرزند کنیز من هستی، مرا پیش خود همچون همّتی که [به خود] داری قرار ده [و تمام همت تو من باشم].

ویاد مرا برای قیامت خود [توشه] بگذار، با نافله ها به من تقرّب جوی، وبر من توکّل کن تا تو را کفایت کنم، وبر غیر من توکل مکن که تو را رها کنم.

ای عیسی! بر بلا شکیبا باش، وبه قضا [وقدر الهی] راضی باش، آن چنان باش که دربارهٔ تو خوش دارم، زیرا خوشی من این است که فرمانم برند ونافرمانیم نکنند.

ای عیسی! بازبان خود یاد مرا زنده بدار، وباید محبت من در دلت باشد.

ای عیسی! در لحظه های غفلت [وبی خبری] بیدار باش، و با دقائق حکمت دربارهٔ من داوری کن، [پیرامون من حکیمانه بیندیش وسخن بگو]

ای عیسی! مشتاق و بیمناک باش، وبا ترس [از من هوا وهوسِ] دل خود را بمیران.

يَا عِيسىٰ رَاعِ اللَّيْلَ لِتَحَرِّی مَسَرَّتِی، وَاظْمَأ نَهَارَکَ لِيَوْمِ حَاجَتِکَ عِنْدِی.

يَا عِيسىٰ! نَافِسْ فِی الْخَيْرِ جُهْدَکَ، تُعْرَفْ بِالْخَيْرِ حَيْثُما تَوَجَّهْتَ.

يَا عِيسىٰ! احْكُمْ فِی عِبَادِی بِنُصْحِی، وَقُمْ فِيهِمْ بِعَدْلِی، فَقَدْ أَنْزَلْتُ عَلَيْکَ شِفَاءً لِمَا فِی الصُّدُورِ مِنْ مَرَضِ الشَّيْطَانِ.

يَا عِيسىٰ! لَاتَكُنْ جَلِيساً لِكُلِّ مَفْتُونٍ.

يَا عِيسىٰ! حَقّاً أَقُولُ مَا آمَنَتْ بِی خَلِيقَةٌ إِلَّا خَشَعَتْ لِی، وَلَا خَشَعَتْ لِی إِلَّا رَجَتْ ثَوَابِی، فَأَشْهَدُ أَنَّهَا آمِنَةٌ مِنْ عِقَابِی، مَا لَمْ تُبَدِّلْ أَوْ تُغَيِّرْ سُنَّتِی.

يَا عِيسىٰ! ابْنَ الْبِكْرِ الْبَتُولِ! ابْكِ عَلىٰ نَفْسِکَ بُكَاءَ مَنْ وَدَّعَ الأَهْلَ، وَقَلَی الدُّنْيَا وَتَرَكَهَا لِأَهْلِهَا، وَصَارَتْ رَغْبَتُهُ فِيما عِنْدَ إِلٰهِهِ.

ای عیسی! برای بدست آوردن خرسندی من، شب را پاس دار، وبرای روز نیاز خود نزد من، روزت را تشنه باش [وروزه بدار].

ای عیسی! در کار نیک با تمام توان خود رقابت کن [واز دیگران پیشی بگیر] تا هر جا رو آوری به خیر [ونیکی] شناخته شوی.

ای عیسی! در میان بندگانم با توجه به [پند و] خیرخواهی من حکم کن، ودر میانشان عدل مرا بپادار، که من چیزی بر تو فرستادم که شفای سینه ها از مرض شیطان است.

ای عیسی! هم نشین هر فریفتهٔ به دنیا مشو.

ای عیسی! به حق می گویم؛ آفریده ای به من ایمان نیاورد مگر اینکه برای من نرمْدل [وخاشع] شد، ونرمْدل نشد مگر اینکه پاداش مرا امید داشت، پس شهادت می دهم که چنین کس تا آنگاه که در سنّت من تبدیل وتغییر ایجاد نکرده است از مجازات من ایمن است.

ای عیسی! ای فرزند آن دوشیزهٔ از مردم بریدهٔ به خدا پیوسته! بر خویشتن گریه کن، گریستن کسی که با خانواده اش وداع کند، ودنیا را دشمن بدارد وآن را به اهلش واگذارد، و به آنچه نزد پروردگار اوست مشتاق شود.

يَا عِيسىٰ! كُنْ مَعَ ذَلِکَ تُلِينُ الْكَلامَ، وَتُفْشِی السَّلامَ، يَقْظَانَ إِذَا نَامَتْ عُيُونُ الأَبْرَارِ، حَذِراً لِلْمَعَادِ وَالزَّلَازِلِ الشِّدَادِ وَأَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَهِ، حَيْثُ لَايَنْفَعُ أَهْلٌ وَلَا وَلَدٌ وَلَا مَالٌ.

يَا عِيسىٰ! اكْحُلْ عَيْنَکَ بِمِيلِ الْحُزْنِ إِذَا ضَحِکَ الْبَطَّالُونَ.

يَا عِيسىٰ! كُنْ خَاشِعاً صَابِراً، فَطُوبىٰ لَکَ إِنْ نَالَکَ مَا وُعِدَ الصَّابِرُونَ.

يَا عِيسىٰ! رُحْ مِنَ الدُّنْيَا يَوْماً فَيَوْماً، وَذُقْ [مَا](1) قَدْ ذَهَبَ طَعْمُهُ، فَحَقّاً أَقُولُ مَا أَنْتَ إِلَّا بِسَاعَتِکَ وَيَوْمِکَ، فَرُحْ مِنَ الدُّنْيَا بِبُلْغَهٍ، وَلْيَکْفِکَ الْخَشِنُ الْجَشِبُ، فَقَدْ رَأَيْتَ إِلىٰ مَا تَصِيرُ، وَمَكْتُوبٌ مَا أَخَذْتَ، وَكَيْفَ أَتْلَفْتَ.

يَا عِيسىٰ! إِنَّکَ مَسْؤُولٌ، فَارْحَمِ الضَّعِيفَ كَرَحْمَتِی إِيَّاکَ، وَ لَاتَقْهَرِ الْيَتِيمَ.

يَا عِيسىٰ! اِبْكِ عَلىٰ نَفْسِکَ فِی الْخَلَوَاتِ،(2) وَانْقُلْ قَدَمَيْکَ إِلىٰ مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ، وَأَسْمِعْنِی لَذَاذَهَ نُطْقِکَ بِذِكْرِی،

1- (1)) - اثبتناه من الأمالی والبحار، وفی الجواهر السنيه «ألماً»، وفی المصدر «لما»..
2- (2)) «فی الصلوٰه» الأمالی والبحار..

ای عیسی! همراه این ها، نرم گفتار باش، وآشکارا سلام کن، هنگامی که چشم های افراد نیکوکار به خواب می رود، از ترس معاد وزلزله های سخت وهراس های روز قیامت، بیدار باش، آنجا که خانواده وفرزند ودارایی سودی نمی بخشند.

ای عیسی! هنگامی که بیهوده کاران می خندند، تو چشمان خویش را با میل حزن سرمه بکش.

ای عیسی! فروتن باش وشکیبایی پیشه کن، پس خوشا به حالت اگر آنچه به شکیبایان وعده داده اند به تو رسد.

ای عیسی! دنیا را روز به روز بگذران، و [تلخی] آنچه را مزه اش از دست رفته [و حسرت آن باقی مانده] است بچش.

به حقیقت می گویم که تو [در اختیار خود] نداری مگر همین روز و همین ساعت را پس با مقدار کفاف، دنیا [ی خود] را بگذران.

وباید تو را لباس خشن وخوراک ناگوار بس باشد، که تو دانستی به چه سو روان خواهی شد، ونوشته شده است آنچه را بدست آوردی وچگونه برباد دادی.

ای عیسی! تو مورد [باز خواست و] سؤال هستی، پس همچون مهربانی من به تو به ناتوانان رحم کن و به یتیم درشتی مکن.

ای عیسی! در خلوت ها [وتنهایی] بر خود گریه کن، وباپای خویش به سوی مکانهای مخصوص نماز گام بردار، وسخنت را که با یاد من [متزّنم و] لذت بخش شده، به گوش من برسان،

فَإِنَّ صَنِيعِی إِلَيْکَ حَسَنٌ.

يَا عِيسیٰ! كَمْ مِنْ امَّهٍ قَدْ أَهْلَكْتُهَا بِسَالِفِ ذُنُوبٍ قَدْ عَصَمْتُکَ مِنْهَا.

يَا عِيسیٰ! ارْفَقْ بِالضَّعِيفِ، وَارْفَعْ طِرْفَکَ الْكَلِيلَ إِلَی السَّمَاءِ، وَادْعُنِی فَإِنِّی مِنْکَ قَرِيبٌ، وَلَا تَدْعُنِی إِلَّا مُتَضَرِّعاً إِلَیَّ وَهَمُّکَ هَمٌّ وَاحِدٌ، فَإِنَّکَ مَتَی تَدْعُنِی كَذٰلِکَ أُجِبْکَ.

يَا عِيسیٰ! إِنِّی لَمْ أَرْضَ بِالدُّنْيَا ثَوَاباً لِمَنْ كَانَ قَبْلَکَ، وَلَا عِقَاباً لِمَنِ انْتَقَمْتُ مِنْهُ.

يَا عِيسیٰ! إِنَّکَ تَفْنیٰ، وَ أَنَا أَبْقیٰ، وَمِنِّی رِزْقُکَ، وَعِنْدِی مِيقَاتُ أَجَلِکَ، وَإِلَیَّ إِيَابُکَ، وَ عَلَیَّ حِسَابُکَ، فَسَلْنِی وَلَا تَسْأَلْ غَيْرِی، فَيَحْسُنُ مِنْکَ الدُّعَاءُ وَمِنِّی الْإِجَابَهُ.

يَا عِيسیٰ! مَا أَكْثَرَ الْبَشَرَ، وَأَقَلَّ عَدَدَ مَنْ صَبَرَ، الأَشْجَارُ كَثِيرَهٌ وَطَيِّبُهَا قَلِيلٌ، فَلا يَغُرَّنَّکَ حُسْنُ شَجَرَهٍ حَتّیٰ تَذُوقَ ثَمَرَهَا.

يَا عِيسیٰ! لَايَغُرَّنَّکَ الْمُتَمَرِّدُ عَلَیَّ بِالْعِصْيَانِ، يَأْكُلُ رِزْقِی وَيَعْبُدُ غَيْرِی، ثُمَّ يَدْعُونِی عِنْدَ الْكَرْبِ فَأُجِيبُهُ،

که رفتار من با تو نیک است.

ای عیسی! چه بسیار گروهها [واقوامی] را که به سبب گناهان پیشینشان هلاک کردم وتو را از آنها پاک نگه داشتم.

ای عیسی! با ناتوان مدارا کن، وچشم نارسای خود را به سوی آسمان بگشا ومرا بخوان که من به تو نزدیکم، ومرا جز با حالت تضرّع مخوان ودر آن حال همّت تو یکی باشد، که اگر مرا اینگونه بخوانی، به تو پاسخ خواهم داد.

ای عیسی! من نمی پسندم که دنیا پاداش برای پیشینیان، و عقاب برای [تبهکاران] مورد کیفرم باشد.

ای عیسی! تو فانی می شوی ومن باقی خواهم ماند، وروزی تو از طرف من، ووقت مخصوص مرگ تو نزد من، وبازگشت تو به سوی من، وحسابرسی تو بر عهدهٔ من است، پس از من درخواست کن وجز از من مخواه که دعای نیکو از تو وپاسخ از من خواهد بود.

ای عیسی! آدمیان چه بسیار وشمار شکیبایان چه کم است، درختان، بسیار وخوب آنها اندک است، پس زیبایی درختی، پیش از آنکه میوه اش را بچشی تو را فریب ندهد.

ای عیسی! آنکس که با نافرمانی، بر من سرکش شده تو را نفریبد، روزی مرا می خورد ودیگری را عبادت می کند، و هنگام سختی مرا می خواند وپاسخش می گویم،

ثُمَّ يَرْجِعُ إِلىٰ مَا كَانَ عَلَيْهِ، فَعَلَىَّ يَتَمَرَّدُ أَمْ بِسَخطِی يَتَعَرَّضُ!؟، فَبِی حَلَفْتُ لآخُذَنَّهُ أَخْذَةً لَيْسَ لَهُ مِنْهَا مَنْجًی، وَلَا دُونِی مَلْجَأٌ، (أَيْنَ يَهْرُبُ مِنْ سَمَائِی وَأَرْضِی.)(1) يَا عِيسیٰ! قُلْ لِظَلَمَةِ بَنِی إِسْرَائِيلَ لَاتَدْعُونِی وَالسُّحْتُ تَحْتَ أَحْضَانِكُمْ وَالْأَصْنَامُ فِی بُيُوتِكُمْ، فَإِنِّی آلَيْتُ أَنْ أُجِيبَ مَنْ دَعَانِی، وَأَنْ أَجْعَلَ إِجَابَتِی إِيَّاهُمْ لَعْناً عَلَيْهِمْ حَتّیٰ يَتَفَرَّقُوا.

يَا عِيسیٰ! كَمْ أُطِيلُ النَّظَرَ، وَأُحْسِنُ الطَّلَبَ، وَالْقَوْمُ فِی غَفْلَةٍ لَايَرْجِعُونَ، تَخْرُجُ الْكَلِمَةُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ لَاتَعِيهَا قُلُوبُهُمْ، يَتَعَرَّضُونَ لِمَقْتِی، وَيَتَحَبَّبُونَ بِقُرْبِی(2) إِلَی الْمُؤْمِنِينَ.

يَا عِيسیٰ! لِيَكُنْ لِسَانُكَ فِی السِّرِّ وَالْعَلانِيَةِ وَاحِداً، وَكَذٰلِكَ فَلْيَكُنْ قَلْبُكَ وَ بَصَرُكَ، وَ اطْوِ قَلْبَكَ وَلِسَانَكَ عَنِ المحارِمِ، وَكُفَّ(3) بَصَرَكَ عَمَّا لَاخَيْرَ فِيهِ، فَكَمْ مِنْ نَاظِرٍ نَظْرَةً قَدْ زَرَعَتْ فِی قَلْبِهِ شَهْوَةً، وَ وَرَدَتْ بِهِ مَوَارِدَ حِيَاضِ(4) الْهَلَكَةِ.

1- (1)) ليس فی الجواهر السنيه..
2- (2)) ليس فی الجواهر السنيه، وفی الأمالی والبحار، وبعض نسخ المصدر «بی»..
3- (3)) - «وغضّ» الأمالی و الجواهر السنيه والبحار..
4- (4)) ليس فی الجواهر السنيه والبحار..

سپس بر همان شیوه باز می گردد، آیا بر من سرکشی می کند؟ یا خود را در معرض خشم من قرار می دهد؟! سوگند به خودم، چنان او را گرفتار کنم که راه رهایی وپناهگاهی جز من برایش نباشد، از آسمان وزمینِ من به کجا می گریزد؟

ای عیسی! به ستمگران بنی اسرائیل بگو: شما در حالی که مال حرام را زیر دامن خود دارید وبتها را در خانه هایتان، مرا نخوانید، که من قسم خورده ام کسی که مرا بخواند اجابت کنم، واجابتم نسبت به آنها لعن برایشان خواهد بود تا پراکنده شوند.

ای عیسی! تا چند [دربارۀ ایشان] تأمل کنم، و [تا چه حد از آنان زیبا] وخوب بخواهم، وحال آنکه این گروه در بی خبری به سر برند و [از اعمال زشت خود] باز نگردند، سخن از دهانشان بیرون آید [امّا با] دلهای خویش آنرا در نیابند، خود را در معرض خشم من قرار دهند، وبا مقرّب نمایاندن خود به من، محبّت مؤمنان را جلب کنند.

ای عیسی! زبان تو در پنهان و آشکار باید یکی باشد، و دل و چشم تو [نیز باید] همینگونه باشد، و دل و زبانت را از حرام بازدار، وچشمت را از آنچه خیری در آن نیست نگه دار، چه بسیار بیننده ای که یک نگاه او شهوتی را در دلش کاشت،

و او را به ورودی گودالهای نابودی درآورد.

یا عِیسیٰ! کُنْ رَحِیماً مُتَرَحِّماً، وَکُنْ(1) کَمَا تَشَاءُ أَنْ یَکُونَ الْعِبَادُ لَکَ، وَأَکْثِرْ ذِکْرَکَ الْمَوْتَ(2) ، وَمُفَارَقَةَ الأَهْلِینَ، وَلَا تَلْهُ فَإِنَّ اللَّهْوَ یُفْسِدُ صَاحِبَهُ، وَلَاتَغْفُلْ فَإِنَّ الْغَافِلَ مِنِّی بَعِیدٌ، وَاذْکُرْنِی بِالصَّالِحَاتِ حَتّیٰ أَذْکُرَکَ.

یَا عِیسیٰ! ثُبْ إِلَیَّ بَعْدَ الذَّنْبِ، وَذَکِّرْ بِیَ الأَوَّابِینَ، وَآمِنْ بِی، وَتَقَرَّبْ بِی إِلَی الْمُؤْمِنِینَ، وَمُرْهُمْ یَدْعُونِی مَعَکَ، وَإِیَّاکَ وَدَعْوَةَ الْمَظْلُومِ، فَإِنِّی آلَیْتُ عَلیٰ نَفْسِی أَنْ أَفْتَحَ لَهَا بَاباً مِنَ السَّمَاءِ بِالْقَبُولِ، وَأَنْ أُجِیبَهُ وَلَوْ بَعْدَ حِینٍ.

یَا عِیسیٰ! اعْلَمْ أَنَّ صَاحِبَ السَّوْءِ یُعْدِی(3) ، وَقَرِینَ السَّوْءِ یُرْدِی، وَاعْلَمْ مَنْ تُقَارِنُ، وَاخْتَرْ لِنَفْسِکَ إِخْوَاناً مِنَ الْمُؤْمِنِینَ.

یَا عِیسیٰ! ثُبْ إِلَیَّ فَإِنِّی لَایَتَعَاظَمُنِی ذَنْبٌ أَنْ أَغْفِرَهُ، وَأَنا أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ، اعْمَلْ(4) لِنَفْسِکَ فِی مُهْلَةٍ مِنْ أَجَلِکَ قَبْلَ أَنْ لَایَعْمَلَ لَهَا غَیْرُکَ، وَاعْبُدْنِی لِیَوْمٍ کَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ،

1- (1)) - بزیاده «للعباد» الأمالی والبحار..
2- (2)) - بدل «ذکرک الموت» فی بقیه المصادر «ذکر الموت»..
3- (3)) - «یغوی» الأمالی والبحار..
4- (4)) - «یا عیسیٰ! اعمل» الأمالی والبحار..

ای عیسی! مهربان و مهرورز باش، و آنگونه باش که می خواهی بندگان خدا برای تو باشند، و از مرگ، و فراق خویشان، فراوان یاد کن، و به کارهای بیهوده سرگرم نشو، که سرگرمی به بیهوده ها صاحب خود را تباه می سازد، و غافل مشو که غافل از من دور است، و مرا با انجام نیکیها یاد کن تا به یاد تو باشم.

ای عیسی! پس از گناه بسوی من توبه کن، و مرا به یاد توبه کنندگان آور، و به من ایمان آر، و بواسطهٔ من به مؤمنان نزدیک شو، و به آنها دستور ده که بهمراه تو مرا بخوانند، و از نفرین مظلوم برحذر باش، که من به ذات خود قسم خورده ام که برای نفرین او دری از آسمان برای قبولی بگشایم، و نفرینش را هرچند پس از مدتی اجابت کنم.

ای عیسی! بدان یار بد [آدمی را] آلوده می کند، وهمنشین بد [او را] از پا در می آورد، وبدان که با چه کس همنشین هستی، و [تنها] از [میان] مؤمنان، [یاران و] برادران خود را برگزین.

ای عیسی! به سوی من بازگرد [وتوبه کن]، که هیچ گناهی [نزد من] برای بخشش بزرگ ننماید، ومن مهربان ترین مهربانانم، در فرصتی که از عمر خود داری، برای خود کاری انجام ده، پیش از آنکه دیگران برایت نکنند، وبرای روزی که همچون هزار سال شماست مرا پرستش کن،

فِيهِ أَجْزِى بِالْحَسَنَهِ أَضْعَافَهَا، وَإِنَّ السَّيِّئَهَ تُوبِقُ صَاحِبَهَا، فَامْهَدْ لِنَفْسِکَ فِى مُهْلَهٍ، وَنَافِسْ فِى العَمَلِ الصَّالِحِ، فَکَمْ مِنْ مَجْلِسٍ قَدْ نَهَضَ أَهْلُهُ وَ هُمْ مُجَارُونَ مِنَ النَّارِ.

يَا عِيسىٰ! ازْهَدْ فِى الفَانِى المُنْقَطِعِ، وَطَأْ رُسُومَ مَنَازِلِ مَنْ کَانَ قَبْلَکَ، فَادْعُهُمْ وَنَاجِهِمْ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ، وَخُذْ مَوْعِظَتَکَ مِنْهُمْ، وَاعْلَمْ أَنَّکَ سَتَلْحَقُهُمْ فِى اللَّاحِقِينَ.

(يَا عِيسىٰ! قُلْ لِمَنْ تَمَرَّدَ عَلَىَّ بِالْعِصْيَانِ وَعَمِلَ بِالإِدْهَانِ لِيَتَوَقَّعْ عُقُوبَتِى، وَيَنْتَظِرْ إِهْلاکِى إِيَّاهُ، سَيُصْطَلَمُ مَعَ الْهَالِکِينَ.

طُوبَى لَکَ يَا ابْنَ مَرْيَمَ، ثُمَّ طُوبَى لَکَ إِنْ أَخَذْتَ بِأَدَبِ إِلٰهِکَ الَّذِى يَتَحَنَّنُ عَلَيْکَ تَرَحُّماً، وَبَدَأَکَ بِالنِّعَمِ مِنْهُ تَکَرُّماً، وَکَانَ لَکَ فِى الشَّدَائِدِ.

لَا تَعْصِهِ يَا عِيسىٰ! فَإِنَّهُ لَايَحِلُّ لَکَ عِصْيَانُهُ، قَدْ عَهِدْتُ إِلَيْکَ کَمَا عَهِدْتُ إِلىٰ مَنْ کَانَ قَبْلَکَ، وَأَنَا عَلَىٰ ذٰلِکَ مِنَ الشَّاهِدِينَ.) (1)

1- (1)) من «يا عيسىٰ! قل» الى «الشاهدين» ليس فى بعض نسخ الأمالى..

که در آن [روز] در مقابل کار نیک چندین برابر پاداش دهم، وهمانا گناه، گناهکار را نابود می کند، پس در فرصتی [که داری] برای خود [توشه ای] آماده کن، ودر کار خوب [وعمل صالح] پیشی بگیر، که چه بسا نشستی که چون اهل آن برخیزند از آتش پناه یافته باشند.

ای عیسی! به چیزی که فانی و زوال پذیر است دل مبند، و بر آثار منازل جامانده از پیشینیان خود پا گذار، پس آنان را صدا بزن و با آنان هم راز شو، آیا کسی از ایشان را می یابی؟ و پند خود را از آنان دریاب، و بدان که تو نیز در زمرۀ دیگران به آنان خواهی پیوست.

ای عیسی! به کسی که با گناه بر من سرکشی کند، و با خدعه [ونیرنگ] رفتار کند، بگو که باید کیفر و هلاک کردن مرا انتظار کشد، و بزودی با هلاک شدگان ریشه کن خواهد شد.

خوشا به حالت! باز هم خوشا بحالت ای فرزند مریم! اگر ادب [وتربیت] خدایت را بپذیری، آن خدایی که از روی مهربانی بر تو دلسوز است، واز روی کرم نعمت ها بر تو آغاز نمود، ودر سختی ها یار تو بود.

ای عیسی! او را نافرمانی نکن که نافرمانیش بر تو روا نیست، من به تو سفارش کردم همانگونه که بر پیشینیان تو سفارش نمودم، ومن از گواهان این سفارشم.

يَا عِيسىٰ! مَا أَكْرَمْتُ خَلِيقَةً بِمِثْلِ دِينِى، وَلَا أَنْعَمْتُ عَلَيْهَا بِمِثْلِ رَحْمَتِى.

يَا عِيسىٰ! اغْسِلْ بِالْمَاءِ مِنْکَ مَا ظَهَرَ، وَ دَاوِ بِالْحَسَنَاتِ مِنْکَ مَا بَطَنَ، فَإِنَّکَ إِلَىَّ رَاجِعٌ.

(يَا عِيسىٰ! أَعْطَيْتُکَ مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْکَ فَيْضاً مِنْ غَيْرِ تَكْدِيرٍ، وَ طَلَبْتُ مِنْکَ قَرْضاً لِنَفْسِکَ فَبَخِلْتَ(1) بِهِ عَلَيْهَا لِتَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ.

يَا عِيسىٰ! تَزَيَّنْ بِالدِّينِ وَحُبِّ الْمَسَاكِينِ، وَامْشِ عَلَى الأَرْضِ هَوْناً، وَصَلِّ عَلَى الْبِقَاعِ، فَكُلُّهَا طَاهِرٌ.)(2) يَا عِيسىٰ! شَمِّرْ، فَكُلُّ مَا هُوَ آتٍ قَرِيبٌ، وَاقْرَأْ كِتَابِى وَأَنْتَ طَاهِرٌ، وَأَسْمِعْنِى مِنْکَ صَوْتاً حَزِيناً.

(يَا عِيسىٰ! لَاخَيْرَ فِى لَذَاذَةٍ لَاتَدُومُ، وَعَيْشٍ مِنْ صَاحِبِهِ يَزُولُ.

1- (1)) - المقصود أُمّه عيسىٰ..
2- (2)) من «يا عيسىٰ! أعطيتک» الى «طاهر» ليس فى الأمالى..

ای عیسی! هیچ آفریده ای را چون دینم گرامی نداشتم ونعمتی بهتر از رحمت خود بر آفریدگانم ندادم.

ای عیسی! ظاهر خود را با آب شستشو ده وباطن خود را با نیکی ها درمان کن، که تو به سوی من باز می گردی.

ای عیسی! آنچه نعمت به تو دادم از روی فیض وبدون کدورت بخشیدم، واز تو به سود خودت، وامی خواستم که تو(1) از دادن آن بخل ورزیدی تا در نتیجه از هلاک شدگان گردی.

ای عیسی! خود را با دین، ومحبت مسکینان زینت ده، وبر روی زمین با فروتنی راه برو، و برجای جای زمین نمازگذار که همهٔ آن ها پاک است.

ای عیسی! آماده باش که هرآنچه آمدنی است نزدیک است، وکتاب مرا در حال پاکی تلاوت کن، وصدای اندوهناکی [از نیایش خود] به گوش من برسان.

ای عیسی! در لذتی که پایدار نیست وزندگانی که از دست صاحبش می رود خیری نیست.

1- (1)) - مقصود امت عیسیٰ است..

يَا ابْنَ مَرْيَمَ ! لَوْ رَأَتْ عَيْنُکَ مَا أَعْدَدْتُ لِأَوْلِيَائِیَ الصَّالِحِينَ ذَابَ قَلْبُکَ، وَزَهَقَتْ نَفْسُکَ شَوْقاً إِلَيْهِ، فَلَيْسَ کَدَارِ الآخِرَهِ دَارٌ، تَجَاوَرَ فِيهَا الطَّيِّبُونَ، وَيَدْخُلُ عَلَيْهِمْ فِيهَا الْمَلَائِکَهُ الْمُقَرَّبُونَ، وَهُمْ مِمَّا يَأتِی يَوْمَ القِيَامَهِ مِنْ أَهْوَالِهَا آمِنُونَ، دَارٌ لَايَتَغَيَّرُ فِيهَا النَّعِيمُ، وَلَا يَزُولُ عَنْ أَهْلِهَا.

يَا ابْنَ مَرْيَمَ ! نَافِسْ فِيهَا مَعَ الْمُتَنَافِسِينَ، فَإِنَّهَا أُمْنِيَّهُ الْمُتَمَنِّينَ(1) ، حَسَنَهُ الْمَنْظَرِ.

طُوبَی لَکَ يَا ابْنَ مَرْيَمَ ! إِنْ کُنْتَ لَهَا مِنَ الْعَامِلِينَ مَعَ آبَائِکَ آدَمَ وَإِبْرَاهِيمَ فِی جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ لَاتَبْغِی بِهَا بَدَلاً وَلَا تَحْوِيلاً، کَذٰلِکَ أَفْعَلُ بِالْمُتَّقِينَ.

يَا عِيسیٰ ! اهْرُبْ إِلَیَّ مَعَ مَنْ يَهْرُبُ مِنْ نَارٍ ذَاتِ لَهَبٍ، وَنَارٍ ذَاتِ أَغْلَالٍ، وَأَنْکَالٍ لَايَدْخُلُهَا رَوْحٌ وَلَا يَخْرُجُ مِنْهَا غَمٌّ أَبَداً، قِطَعٌ کَقِطَعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ مَنْ يَنْجُ مِنْهَا يَفُزْ، وَلَنْ يَنْجُوَ مِنْهَا مَنْ کَانَ مِنَ الْهَالِکِينَ، هِیَ دَارُ الجَبَّارِينَ وَالْعُتَاهِ الظَّالِمِينَ وَکُلِّ فَظٍّ غَلِيظٍ وَکُلِّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ.

1- (1)) «المتقين» الجواهر السنيه..

ای فرزند مریم! اگر آنچه را برای دوستان صالح خود آماده کرده ام به چشم می دیدی، دلت از شوق آب می شد، وروح از بدنت خارج می گشت، هیچ خانه ای مانند سرای آخرت نیست، که در آن پاکان همسایه یکدیگرند، وفرشتگان مقرّب بر آنان وارد می شوند، این در حالی است که آنان از هراس آنچه در روز قیامت پیش آید در امانند، سرایی که نعمت ها در آن دگرگون نمی شود، واز صاحبش جدا نمی گردد.

ای فرزند مریم! در بدست آوردن آن خانه [خانۀ آخرت] با رقیبان به رقابت پرداز، که آن خانه، نهایت آرزوی آرزومندان، و خوش منظراست.

خوشا به حالت ای فرزند مریم! که از کوشندگان برای آن خانه باشی، که با پدرانت آدم وابراهیم در بهشت ها و نعمت هایی قرار گیری که هیچ چیز را با آن مبادله نکنی و جابجایی آنرا نخواهی، این چنین با پرهیزگاران رفتار می کنم.

ای عیسی! تو نیز با آنان که از آتش پرشرار دوزخ می گریزند، به سوی من بگریز، آتشی که زنجیرها وکندها دارد، نه شادی در آن وارد شود، ونه هرگز غمی از آن بیرون رود، پاره هایی است همچون پاره های شب تار، هر که از آن نجات یابد رستگار شود، وآنکه از هلاک شدگان است هرگز نجات نیابد، آن جا خانۀ جباران و سرکشان ستمگر و هر درشت خوی سنگدل و هر خودپسند فخرفروش است.

يَا عِيسىٰ! بِئْسَتِ الدَّارُ لِمَنْ رَكَنَ إِلَيْهَا، وَبِئْسَ الْقَرَارُ دَارُ الظَّالِمِينَ، إِنِّى أُحَذِّرُکَ نَفْسَکَ، فَکُنْ بِی خَبِيراً.

يَا عِيسىٰ! کُنْ حَيْثُ مَا کُنْتَ مُرَاقِباً لِی(1) ، وَاشْهَدْ عَلىٰ أَنِّی خَلَقْتُکَ وَأَنْتَ عَبْدِی، وَ أَنِّی صَوَّرْتُکَ وَإِلَی الأَرْضِ أَهْبَطْتُکَ(2).

يَا عِيسىٰ! لَايَصْلُحُ لِسَانَانِ فِی فَمٍ وَاحِدٍ، وَلَا قَلْبَانِ فِی صَدْرٍ وَاحِدٍ، وَکَذٰلِکَ الأَذْهَانُ.

يَا عِيسىٰ! لَاتَسْتَيْقِظَنَّ عَاصِياً، وَلَا تَسْتَنْبِهَنَّ(3) لَاهِياً، وَافْطِمْ نَفْسَکَ عَنِ الشَّهَوَاتِ المُوبِقَاتِ، وَکُلُّ شَهْوَةٍ تُبَاعِدُکَ مِنِّی فَاهْجُرْهَا، وَاعْلَمْ أَنَّکَ مِنِّی بِمَکَانِ الرَّسُولِ الأَمِينِ، فَکُنْ مِنِّی عَلىٰ حَذَرٍ، وَاعْلَمْ أَنَّ دُنْيَاکَ مُؤَدِّيَتُکَ إِلَیَّ، وَ أَنِّی آخُذُکَ بِعِلْمِی، فَکُنْ ذَلِيلَ النَّفْسِ عِنْدَ ذِکْرِی، خَاشِعَ الْقَلْبِ حِينَ تَذْکُرُنِی، يَقْظَاناً عِنْدَ نَوْمِ الْغَافِلِينَ.

يَا عِيسىٰ! هَذِهِ نَصِيحَتِی إِيَّاکَ وَمَوْعِظَتِی لَکَ، فَخُذْهَا مِنِّی، وَ إِنِّی رَبُّ الْعَالَمِينَ.

1- (1)) - بدل «مراقباً لی» فی الجواهر السنيه: «علىٰ اقبالی»..
2- (2)) «اعيدک» الجواهر السنيه..
3- (3)) - «لا تشبهنّ» الجواهر السنيه..

ای عیسی! این خانه برای کسی که به آن اعتماد کند بد خانه ای است، وسرای ستمکاران بد جایگاهی است، من تو را از [هوای] خودت برحذر می دارم، پس نسبت به من آگاه [وبینا] باش.

ای عیسی! هرکجا که هستی مراقب من باش، و شاهد باش که من تو را آفریدم وتو بندۀ من هستی، ومن تو را بدین شکل درآورده وبه زمین فرود آوردم.

ای عیسی! دو زبان در یک دهان، و دو دل در یک سینه نشاید، و همینگونه است خاطرها.

ای عیسی! بیداری گنهکار را مجوی، و آگاهی سرگرم به دنیا را مخواه، وخودت را از خواسته های هلاکت بار جدا کن، و از هر خواسته ای که تو را از من دور می کند، دوری گزین، وبدان که تو نزد من جایگاه پیامبری امین را دارا هستی، پس از من بر حذر باش وبدان [گذر] دنیایت تو را به من خواهد رساند، ومن تو را بر اساس علم خویش بازخواست خواهم نمود، پس هنگام ذکر من فروتن، و هنگامی که مرا یاد می کنی نرم دل، و هنگام خواب غافلان بیدار باش.

ای عیسی! این خیرخواهی من برای تو واندرزم به تواست، پس آنرا از من بگیر که من پروردگار جهانیانم.

ص:65

يَا عِيسىٰ! إِذَا صَبَرَ عَبْدِی فِی جَنْبِی كَانَ ثَوَابُ عَمَلِهِ عَلَیَّ، وَكُنْتُ عِنْدَهُ حِينَ يَدْعُونِی، وَكَفىٰ بِی مُنْتَقِماً مِمَّنْ عَصَانِی، أَيْنَ يَهْرُبُ مِنِّی الظَّالِمُونَ؟

يَا عِيسىٰ! أَطِبِ الكَلامَ، وَ كُنْ حَيْثُما كُنْتَ عَالِماً مُتَعَلِّماً.

يَا عِيسىٰ! أَفِضْ بِالْحَسَنَاتِ إِلَیَّ حَتَّی يَكُونَ لَكَ ذِكْرُهَا عِنْدِی، وَتَمَسَّكْ بِوَصِيَّتِی، فَإِنَّ فِيهَا شِفَاءً لِلْقُلُوبِ.)(1) يَا عِيسىٰ! لَاتَأمَنْ - إِذَا مَكَرْتَ - مَكْرِی، وَلَا تَنْسَ عِنْدَ خَلَوَاتِ الدُّنْيَا ذِكْرِی.

(يَا عِيسىٰ! حَاسِبْ(2) نَفْسَكَ بِالرُّجُوعِ إِلَیَّ، حَتَّی تَتَنَجَّزَ ثَوَابَ مَا عَمِلَهُ الْعَامِلُونَ، أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ، وَأَنَا خَيْرُ الْمُؤْتِينَ.

يَا عِيسىٰ! كُنْتَ خَلْقاً بِكَلامِی، وَلَدَتْكَ مَرْيَمُ بِأَمْرِیَ، الْمُرْسَلُ إِلَيْهَا رُوحِی جَبْرَئِيلُ الأَمِينُ مِنْ مَلائِكَتِی، حَتّیٰ قُمْتَ عَلَی الأَرْضِ حَيّاً تَمْشِی، كُلُّ ذٰلِكَ فِی سَابِقِ عِلْمِی.

1- (1)) من «يا عيسىٰ! لا خيرَ» الیٰ «للقلوب» ليس فی الأمالی، وبدله «قال وكان فی ما وعظ اللّه عزّ وجلّ به عيسىٰ بن مريم عليه السلام أيضاً أن قال له:»..
2- (2)) - «خلّص» الجواهر السنيه..

ای عیسی! آنهنگام که بنده ام بخاطر من صبوری کند، پاداش کار او بر من است، و هنگامی که مرا می خواند، نزد او هستم، ومن برای انتقام کشی از آنان که نافرمانیم کنند بَس هستم، ستمکاران از من به کجا می گریزند؟

ای عیسی! خوش سخن باش، و هر کجا هستی عالمِ متعلّم باش.

ای عیسی! نیکیهای فراوان بسوی من فرست تا یاد آنها - به سود تو - نزد من باشد، وبه سفارش من چنگ زن که در آن شفای دلهاست.

ای عیسی! چون مکر کنی از مکر من ایمن مباش، و در تنهایی های دنیا یاد مرا فراموش مکن.

ای عیسی! با [یاد] بازگشت به سوی من از خود حسابرسی کن، تا پاداش عمل نیکوکاران را به قطع دریابی، پاداش آنان پرداخت خواهد شد، ومن بهترین پرداخت کنندگانم.

ای عیسی! تو به کلام من آفریده شدی، مریم تو را به امر من زایید، روح خود - جبرئیل (امین فرشتگانم) - را به سوی او فرستادم، تا [این که تو به صورت موجود] زنده بر روی زمین بپا خواسته راه می روی، اینها در علم ازلی من بود.

يَا عِيسىٰ! زَكَرِيّا بِمَنْزِلَهِ أَبِيکَ، وَ كَفِيلُ أُمِّکَ إِذْ يَدْخُلُ عَلَيْهَا المِحْرَابَ فَيَجِدُ عِنْدَهَا رِزْقاً، وَنَظِيرُکَ يَحْيىٰ مِنْ خَلْقِى، وَهَبْتُهُ لِأُمِّهِ بَعْدَ الْكِبَرِ مِنْ غَيْرِ قُوَّهٍ بِهَا، أَرَدْتُ بِذٰلِکَ أَنْ يَظْهَرَ لَها سُلْطَانِى، وَيَظْهَرَ فِيکَ قُدْرَتِى، أَحَبَّكُمْ إِلَىَّ أَطْوَعُكُمْ لِى وَأَشَدُّكُمْ خَوْفاً مِنِّى.)(1) يَا عِيسىٰ! تَيَقَّظْ وَلَا تَيْأَسْ مِنْ رَوْحِى، وَسَبِّحْنِى مَعَ مَنْ يُسَبِّحُنِى، وَبِطَيِّبِ الكَلامِ فَقَدِّسْنِى.

(يَا عِيسىٰ! كَيْفَ يَكْفُرُ الْعِبَادُ بِى وَنَوَاصِيهِمْ فِي قَبْضَتِى، وَ تَقَلُّبُهُمْ فِى أَرْضِى، يَجْهَلُونَ نِعْمَتِى، وَيَتَوَلَّوْنَ عَدُوِّى، وَكَذٰلِکَ يَهْلِکُ الْكَافِرُونَ.)(2) يَا عِيسىٰ! إِنَّ الدُّنْيَا سِجْنٌ مُنْتِنُ الرِّيحِ، وَحَسُنَ فِيهَا مَا قَدْ تَرَى مِمَّا قَدْ تَذَابَحَ عَلَيْهِ الْجَبَّارُونَ، وَإِيَّاکَ وَالدُّنْيَا، فَكُلُّ نَعِيمِهَا يَزُولُ، وَمَا نَعِيمُهَا إِلَّا قَلِيلٌ.

(يَا عِيسىٰ! ابْغِنِى عِنْدَ وِسَادِکَ تَجِدْنِى، وَادْعُنِى وَأَنْتَ لِى مُحِبٌّ،

1- (1)) من «يا عيسىٰ! حاسب» الىٰ «خوفاً منّى» ليس فى الأمالى..
2- (2)) من «يا عيسىٰ! كيف» الىٰ «الكافرون» ليس فى الأمالى..

ای عیسی! زکریا همچون پدر تو وسرپرست مادر تو است؛ چون در محراب بر مریم وارد می شد نزد او غذا می یافت، ودر میان مخلوقاتم یحیی هم مانند تو است، که او را به مادرش پس از پیری بدون داشتن نیرویی بخشیدم، خواستم با این کار سلطنتم برای او آشکار شود، وقدرتم در تو نمایان گردد.

محبوبترین شما در نزد من مطیع ترین شما وخائف ترین شما از من است.

ای عیسی! بیدار شو واز رحمت من ناامید مباش، وبا تسبیح گویان تسبیح من بگوی، وبا سخن خوش مرا تقدیس کن.

ای عیسی! بندگان چگونه به من کفر می ورزند وحال آنکه موی پیشانی آنها در مشت من، و جابجا شدن شان در زمین من است؟ نعمت های مرا نادیده، ودشمن مرا سرپرست خود می گیرند، واین چنین کافران نابود می گردند.

ای عیسی! دنیا، زندان بدبو است، وخوب در آن همانست که می بینی که ستمکاران یکدیگر را بر سر آن می کشند.

واز دنیا برحذر باش، که همهٔ نعمتهایش از بین می رود، ونعمتهای آن جز اندکی نیست.

ای عیسی! مرا [هنگام خواب] نزد بالش خود طلب کن تا مرا بیابی، ودر حالیکه دوستدارم هستی مرا بخوان،

فَإِنِّی أَسْمَعُ السَّامِعِینَ، أَسْتَجِیبُ لِلدَّاعِینَ إِذَا دَعَوْنِی.

یَا عِیسیٰ! خَفْنِی وَخَوِّفْ بِی عِبَادِی لَعَلَّ الْمُذْنِبِینَ أَنْ یُمْسِکُوا عَمَّا هُمْ عَامِلُونَ بِهِ، فَلا یَهْلِکُوا إِلّا وَهُمْ یَعْلَمُونَ.

یَا عِیسیٰ! ارْهَبْنِی رَهْبَتَکَ مِنَ السَّبُعِ وَالْمَوْتِ الَّذِی أَنْتَ لَاقِیهِ، فَکُلُّ هٰذَا أَنَا خَلَقْتُهُ، فَإِیَّایَ فَارْهَبُونِ.)(1) یَا عِیسیٰ! إِنَّ الْمُلْکَ لِی وَبِیَدِی، وَأَنَا الْمَلِکُ، فَإِنْ تُطِعْنِی أَدْخَلْتُکَ جَنَّتِی فِی جِوَارِ الصَّالِحِینَ.

(یَا عِیسیٰ! إِنِّی إِذَا غَضِبْتُ عَلَیْکَ لَمْ یَنْفَعْکَ رِضَا مَنْ رَضِیَ عَنْکَ، وَإِنْ رَضِیتُ عَنْکَ لَمْ یَضُرَّکَ غَضَبُ الْمُغْضِبِینَ.

یَا عِیسیٰ! اذْکُرْنِی فِی نَفْسِکَ أَذْکُرْکَ فِی نَفْسِی، وَاذْکُرْنِی فِی مَلَئِکَ أَذْکُرْکَ فِی مَلَإٍ خَیْرٍ مِنْ مَلَإِ الآدَمِیِّینَ.)(2) یَا عِیسیٰ! ادْعُنِی دُعَاءَ الْغَرِیقِ الْحَزِینِ الَّذِی لَیْسَ لَهُ مُغِیثٌ.

1- (1)) من «یا عیسیٰ! ابغنی» الیٰ «فارهبون» لیس فی الأمالی..
2- (2)) من «یا عیسیٰ! إنّی اذا غضبت» الیٰ «الآدمیِّین» لیس فی الأمالی..

که من شنواترین شنوایانم، ودعای دعاکنندگان را که مرا می خوانند اجابت کنم.

ای عیسی! از من بترس وبندگانم را از من بترسان، بسا گنهکاران از آنچه مشغول آن هستند دست نگهدارند، ودر نتیجه جز از روی آگاهی [واتمام حجت] هلاک نشوند.

ای عیسی! همانند ترسی که از درّنده، واز مرگی که به آن خواهی رسید داری از من بترس، که همهٔ اینها را من آفریده ام، پس فقط از من بترسید.

ای عیسی! سلطنت از آن من وبدست من است، وپادشاه من هستم، پس اگر از من فرمانبری تو را در بهشتم در کنار نیکوکاران وارد کنم.

ای عیسی! اگر من بر تو خشم گیرم، خرسندی آنکه از تو راضی است تو را سود نرساند، واگر از تو خرسند شوم، خشم خشمگینان تو را زیان نرساند.

ای عیسی! مرا پیش خود یاد کن، تا تو را پیش خود یاد کنم، و مرا در جمع [مردم] خود یاد کن، تا تورا در جمع بهتر از آدمیان یاد کنم.

ای عیسی! همچون غرق شده [دلشکسته و] غمگینی که فریادرسی ندارد مرا بخوان.

يَا عِيسىٰ! لَاتَحْلِفْ بِی كَاذِباً فَيَهْتَزَّ عَرْشِی غَضَباً، الدُّنْيَا(1) قَصِيرَهُ الْعُمُرِ، طَوِيلَهُ الأَمَلِ، وَعِنْدِی دَارٌ خَيْرٌ مِمَّا تَجْمَعُونَ.

يَا عِيسىٰ!(2) كَيْفَ أَنْتُمْ صَانِعُونَ إِذَا أَخْرَجْتُ لَكُمْ كِتَاباً يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ بِسَرَائِرَ قَدْ كَتَمْتُمُوهَا، وَأَعْمَالٍ كُنْتُمْ بِهَا عَامِلِينَ.

يَا عِيسىٰ! قُلْ لِظَلَمَهِ بَنِی إِسْرَائِيلَ غَسَلْتُمْ وُجُوهَكُمْ، وَدَنَّسْتُمْ قُلُوبَكُمْ، أَ بِی تَغْتَرُّونَ(3) ، أَمْ عَلَیَّ تَجْتَرِئُونَ، تَطَيَّبُونَ بِالطِّيبِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا وَأَجْوَافُكُمْ عِنْدِی بِمَنْزِلَهِ الْجِيَفِ الْمُنْتِنَهِ، كَأَنَّكُمْ أَقْوَامٌ مَيِّتُونَ.

يَا عِيسىٰ! قُلْ لَهُمْ قَلِّمُوا أَظْفَارَكُمْ مِنْ كَسْبِ الحَرَامِ، وَأَصِمُّوا أَسْمَاعَكُمْ عَنْ ذِكْرِ الْخَنَا، وَأَقْبِلُوا عَلَیَّ بِقُلُوبِكُمْ، فَإِنِّی لَسْتُ أُرِيدُ صُوَرَكُمْ.

يَا عِيسىٰ! اِفْرَحْ بِالْحَسَنَهِ فَإِنَّهَا لِی رِضًی، وَابْكِ عَلَی السَّيِّئَهِ فَإِنَّهَا شَيْنٌ(4) ، وَمَا لَاتُحِبُّ أَنْ يُصْنَعَ بِكَ فَلا تَصْنَعْهُ بِغَيْرِكَ،

1- (1)) - «يا عيسىٰ! الدنيا» الأمالی والبحار..
2- (2)) - بزياده «قل لظلمه بنی اسرائيل» الأمالی والجواهر السنيه..
3- (3)) - «تفترون» الجواهر السنيه..
4- (4)) - بدل «فإنها شَين» فی الأمالی والجواهر السنيه والبحار «فإنها سخط»..

ای عیسی! به دروغ بر من قسم مخور که عرشم از خشم به لرزه در آید، دنیا عمری کوتاه، و آرزویی دراز دارد، و نزد من سرایی [جاودان] است بهتر از آنچه شما گرد می آورید.

ای عیسی! هنگامی که برایتان طوماری بیرون آورم که بدرستی سخن گوید چه خواهید کرد؟ و شما اعتراف خواهید کرد به رازهایی که می پوشانیدید، و کارهائی که انجام می دادید.

ای عیسی! به ستمگران بنی اسرائیل بگو صورتهای خود را شستید ودلهایتان را چرکین کردید، آیا به من غرّه شده اید یا بر من گستاخی می کنید؟! خود را برای اهل دنیا پاکیزه جلوه می دهید در حالیکه درون شما نزد من همچون مرداری بدبوست، گویا شما مردمی مرده هستید.

ای عیسی! به آنها بگو: ناخنهای خود را از کسب حرام کوتاه کنید، وگوشهایتان را از شنیدن دشنام بازدارید، وبا دلهای خود بسوی من رو آورید که من صورت ظاهر شما را نمی خواهم.

ای عیسی! به کار نیک شادمان شو که خشنودی من در آنست، وبر کار بد گریان باش که آن ننگ است، وآنچه دوست نداری با تو انجام دهند، با دیگران انجام نده،

وَإِنْ لَطَمَ خَدَّکَ الأَيْمَنَ فَأَعْطِهِ الأَيْسَرَ(1) ، وَتَقَرَّبْ إِلَىَّ بِالْمَوَدَّهِ جُهْدَکَ، وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ.

(يَا عِيسىٰ! ذِلَّ لِأَهْلِ الْحَسَنَهِ، وَشَارِكْهُمْ فِيهَا، وَكُنْ عَلَيْهِمْ شَهِيداً، وَقُلْ لِظَلَمَهِ بَنِى إِسْرَائِيلَ يَا أَخْدَانَ(2) السَّوْءِ وَالجُلَسَاءَ عَلَيْهِ، إِنْ لَمْ تَنْتَهُوا أَمْسَخْكُمْ قِرَدَهً وَخَنَازِيرَ.)(3) يَا عِيسىٰ! قُلْ لِظَلَمَهِ بَنِى إِسْرَائِيلَ الحِكْمَهُ تَبْكِى فَرَقاً مِنِّى وَأَنْتُمْ بِالضِحْكِ تَهْجُرُونَ، أَتَتْكُمْ بَرَاءَتِى؟! أَمْ لَدَيْكُمْ أَمَانٌ مِنْ عَذَابِى؟! أَمْ تَعَرَّضُونَ لِعُقُوبَتِى؟! فَبِى حَلَفْتُ لَأَتْرُكَنَّكُمْ(4) مَثَلاً لِلْغَابِرِينَ.

ثُمَّ أُوصِيکَ - يَا ابْنَ مَرْيَمَ الْبِكْرِ الْبَتُولِ - بِسَيِّدِ المُرْسَلِينَ وَحَبِيبِى، فَهُوَ أَحْمَدُ صَاحِبُ الجَمَلِ الأَحْمَرِ، وَالْوَجْهِ الأَقْمَرِ، المُشْرِقِ بِالنُّورِ، الطَّاهِرِ القَلْبِ، الشَّدِيدِ البَأْسِ، الْحَيِىِّ الْمُتَكَرِّمِ،

1- (1)) - جاء ذلک فى شريعه عيسىٰ عليه السلام؛ لكن حكم الاسلام بهذا الخصوص هو: «القصاص؛ والعفو أفضل»..
2- (2)) - «اخوان» الجواهر السنيه..
3- (3)) من «يا عيسىٰ! ذل» الىٰ «خنازير» ليس فى الأمالى..
4- (4)) «لأجعلنكم» الجواهر السنيه..

واگر گونه راستت را سیلی زدند گونۀ چپ را نیز در اختیار بگذار(1) ، تا توانی با محبت خالصانه به من نزدیک شو، واز نادانان روی گردان باش.

ای عیسی! برای نیکوکاران فروتن باش، ودر کار نیک با آنان شریک شو، وبر آنها گواه باش، وبه ستمکاران بنی اسرائیل بگو: ای دوستان وهم نشینان بدی، اگر دست برندارید شما را به صورت بوزینه وخوک مسخ می کنم.

ای عیسی! به ستمکاران بنی اسرائیل بگو: حکمت از بیم من می گرید وشما خنده کنان یاوه می گویید؟! آیا برات آزادی من به شما رسیده است؟! یا امان نامه ای از کیفر من نزد خود دارید؟! یا خود را در معرض عقوبت من قرار می دهید؟! پس به ذات خود سوگند یاد می کنم که شما را عبرتی برای آیندگان قرار خواهم داد.

سپس ای فرزند مریم - آن دوشیزۀ از مردم بریدۀ به خدا پیوسته - تو را به سرور پیامبران وحبیب خودم احمد، دارای شتر سرخ موی، وصورت ماه گون، [پیغمبر] نور افشان، پاک دل، دلیر، با حیای بزرگوار سفارش می کنم

1- (1)) - این از تعالیم شریعت حضرت مسیح است، ولی در شریعت اسلام حکم آن قصاص، و اگر عفو کند بهتراست..

فَإِنَّهُ رَحْمَةٌ لِلْعَالَمِينَ، و سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ يَلْقَانِی، أَكْرَمُ السَّابِقِينَ عَلَیَّ وَأَقْرَبُ الْمُرْسَلِينَ مِنِّی، الْعَرَبِیُّ الأَمِينُ،(1) الدَّيَّانُ بِدِينِی، الصَّابِرُ فِی ذَاتِی، المجَاهِدُ المُشْرِكِينَ بِيَدِهِ(2) عَنْ دِينِی، أَنْ تُخْبِرَ بِهِ بَنِی إِسْرَائِيلَ، وَتَأْمُرَهُمْ أَنْ يُصَدِّقُوا بِهِ، وَأَنْ يُؤْمِنُوا بِهِ، وَأَنْ يَتَّبِعُوهُ(3) ، وَأَنْ يَنْصُرُوهُ.

قَالَ عِيسىٰ عليه السلام: إِلٰهِی مَنْ هُوَ حَتّىٰ أُرْضِيَهُ فَلَكَ الرِّضَىٰ.

قَالَ: هُوَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ إِلَی النَّاسِ كَافَّةً، أَقْرَبُهُمْ مِنِّی مَنْزِلَةً، وَأَحْضَرُهُمْ(4) شَفَاعَةً، طُوبىٰ لَهُ مِنْ نَبِیٍّ وَطُوبىٰ لِاُمَّتِهِ إِنْ هُمْ لَقُونِی عَلَی سَبِيلِهِ يَحْمَدُهُ أَهْلُ الأَرْضِ، وَيَسْتَغْفِرُ لَهُ أَهْلُ السَّمَاءِ.

أَمِينٌ مَيْمُونٌ، طَيِّبٌ مُطَيَّبٌ، خَيْرُ(5) الْبَاقِينَ عِنْدِی، يَكُونُ فِی آخِرِ الزَّمَانِ، إِذَا خَرَجَ أَرْخَتِ السَّمَاءُ عَزَالِيَهَا، وَأَخْرَجَتِ الأَرْضُ زَهْرَتَهَا، (حَتّىٰ يَرَوا البَرَكَةَ)(6) ، وَأَبَارِكُ لَهُمْ فِيما وَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ، كَثِيرُ الأَزْوَاجِ، قَلِيلُ الأَوْلَادِ،

1- (1)) - «الأُمّیّ» الأمالی والجواهر السنیه والبحار..
2- (2)) - «ببدنه» الأمالی والجواهر السنیه والبحار..
3- (3)) «وأن یطیعوه» الجواهر السنیه..
4- (4)) - «واوجبهم عندی» الأمالی والجواهر والبحار..
5- (5)) - بزیاده «الماضین و» الأمالی والبحار..
6- (6)) - لیس فی الأمالی..

که او رحمت برای جهانیان، وسرور فرزندان آدم است، در روزی که مرا دیدار کند، گرامی ترین پیشینیان نزد من، ونزدیکترین پیامبران به من است، آن عربی امین، پایبند به دین من، شکیبا دربارۀ من، مجاهد با مشرکان با دست خود در راه دین من، [آری تو را سفارش می کنم که] به بنی اسرائیل از این پیامبر خبر دهی، وفرمان دهی که او را تصدیق کنند، وبه او ایمان آورند، و او را پیروی کنند ویاری رسانند.

عیسی عرض کرد: پروردگارم او کیست که او را خشنودکنم که خشنودی از آن توست.

فرمود: او محمد (ص) فرستادۀ خدا به سوی همۀ مردم است، که منزلتش از همگان به من نزدیک تر، وآماده ترین ایشان در شفاعت است.

خوشا به حال چنین پیامبری! وخوشا به حال امتش اگر [با پایداری] بر راه او مرا دیدار نمایند! زمینیان او را ستایش کنند، و آسمانیان برای او آمرزش خواهند. [او] درستکار، فرخنده، پاک و پاکیزه، و بهترینِ باقیماندگان، نزد من است، او در آخر الزمان خواهد بود، چون ظهور کند آسمان برکات خویش را فرو می ریزد، و زمین شکوفه هایش را بیرون آورد، تامردم برکت را ببینند، و برای مردم در آنچه او دست گذارد برکت آورم، او را همسران زیاد و اولادِ کم است،

يَسْكُنُ بَكَّةَ مَوْضِعَ أَسَاسِ إِبْرَاهِيمَ.

يَا عِيسىٰ! دِينُهُ الْحَنِيفِيَّةُ، وَقِبْلَتُهُ يَمَانِيَّةٌ(1) ، وَهُوَ مِنْ حِزْبِى، وَأَنَا مَعَهُ، فَطُوبىٰ لَهُ، ثُمَّ طُوبىٰ لَهُ.

لَهُ الْكَوْثَرُ وَالْمَقَامُ الأَكْبَرُ فِى جَنَّاتِ عَدْنٍ، يَعِيشُ أَكْرَمَ مَنْ عَاشَ، وَيُقْبَضُ شَهِيداً.

لَهُ حَوْضٌ أَكْبَرُ مِنْ بَكَّةَ إِلىٰ مَطْلَعِ الشَّمْسِ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ فِيهِ آنِيَةٌ مِثْلُ نُجُومِ السَّمَاءِ، (وَأَكْوَابٌ مِثْلُ مَدَرِ الأَرْضِ،)(2) عَذْبٌ(3) فِيهِ مِنْ كُلِّ شَرَابٍ وَطَعْمِ كُلِّ ثِمَارٍ فِى الجَنَّهِ؛ مَنْ شَرِبَ مِنْهُ شَرْبَةً لَمْ يَظْمَأْ أَبَداً(4).

(وَذٰلِکَ مِنْ قَسْمِى لَهُ، وَتَفْضِيلِى إِيَّاهُ،) (5)[أبعثه](6) عَلَى فَتْرَهٍ بَيْنَکَ وَبَيْنَهُ، يُوَافِقُ سِرُّهُ عَلانِيَتَه، ُ وَقَوْلُهُ فِعْلَهُ، لَا يَأْمُرُ النَّاسَ إِلَّا بِمَا يَبْدَؤُهُمْ بِهِ، دِينُهُ الْجِهَادُ فِى عُسْرٍ وَيُسْرٍ،

1- (1)) - «مکیه» الأمالی والبحار. وإنّما هی یمانیه لأنّ مکه من تهامه وتهامه من الیمن. انظر مرآه العقول ج 25 ص 334، والنهایه ج 5 ص 300..
2- (2)) - لیس فی الأمالی..
3- (3)) «ماؤه عذبٍ» الأمالی والجواهر السنیه والبحار..
4- (4)) «بعدها أبداً» الأمالی والجواهر السنیه والبحار..
5- (5)) - ما بین القوسین لیس فی الأمالی والبحار..
6- (6)) اثبتناه من الأمالی والجواهر السنیه والبحار..

در مکه جایگاه بنای ابراهیم سکنی گزیند.

ای عیسی! دین او دین حنیف ابراهیم [یکتاپرستی] است، وقبلۀ او مکۀ یمانی(1) است، و او از گروه [و حزب] من و من با او هستم، پس خوشا به حال او! باز خوشا به حال او! کوثر [و خیر سرشار]، و برترین جایگاه بهشتهای جاوید از آن اوست.

گرامی ترین زندگی را می کند، وشهید از دنیا می رود، برای او حوضی است بزرگ تر از مکه تا محل طلوع آفتاب که پر از شراب [طهور دست نخورده و] سربسته است، در آن ظرف هایی [درخشان] همچون ستارگان آسمان، و جام هائی [زیبا] همچون [جام های ظریف و زیبای برخواسته از] گِل خالص زمین است، شراب گوارایی که در آن از هر نوشیدنی ومزۀ هر میوۀ بهشتی وجود دارد، هرکس از آن یکبار بنوشد تا ابد تشنه نخواهد شد.

واین از بهرۀ من به او، وبرتری است که از جانب من دارد، او را پس از فاصله زمانی میان تو و او مبعوث خواهم کرد، و او کسی است که پنهان او با آشکارش، و گفتار او با کردارش برابر است، به مردم فرمانی نمی دهد مگر به چیزهایی که خود به آن آغاز می کند، در سختی وگشایش آئین او جهاد است،

1- (1)) - زیرا مکه از تهامه، و تهامه از سرزمین یمن محسوب می شود..

تَنْقَادُ لَهُ الْبِلادُ، وَيَخْضَعُ لَهُ صَاحِبُ الرُّومِ، عَلىٰ دِينِ إِبْرَاهِيمَ(1) ، يُسَمِّى عِنْدَ الطَّعَامِ، وَيُفْشِى السَّلامَ، وَيُصَلِّى وَالنَّاسُ نِيَامٌ، لَهُ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسُ صَلَوَاتٍ مُتَوَالِيَاتٍ، (يُنَادِى إِلَى الصَّلاهِ كَنِدَاءِ الْجَيْشِ بِالشِّعَارِ،)(2) وَيَفْتَتِحُ بِالتَّكْبِيرِ، وَيَخْتَتِمُ بِالتَّسْلِيمِ، وَيَصُفُّ قَدَمَيْهِ فِى الصَّلاَهِ كَمَا تَصُفُّ الْمَلائِكَهُ أَقْدَامَهَا، وَيَخْشَعُ لِى قَلْبُهُ وَرَأْسُهُ.

النُّورُ فِى صَدْرِهِ، وَالْحَقُّ عَلىٰ لِسَانِهِ، وَهُوَ عَلَى(3) الْحَقِّ حَيْثُما كَانَ.

(أَصْلُهُ يَتِيمٌ ضَالٌّ بُرْهَهً مِنْ زَمَانِهِ عَمَّا يُرَادُ بِهِ،)(4) تَنَامُ عَيْنَاهُ وَلَا يَنَامُ قَلْبُهُ، لَهُ الشَّفَاعَهُ وَعَلىٰ امَّتِهِ تَقُومُ السَّاعَهُ، وَيَدِى فَوْقَ أَيْدِيهِمْ(5) ، فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلىٰ نَفْسِهِ، وَمَنْ أَوْفىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ أَوْفَيْتُ لَهُ بِالْجَنَّهِ.

1- (1)) - بدل «علىٰ دين ابراهيم» فى الأمالى والجواهر السنيه والبحار: «علىٰدينه ودين أبيه إبراهيم»..
2- (2)) - ليس فى الأمالى..
3- (3)) - «مع» الأمالى والبحار..
4- (4)) - ليس فى الأمالى..
5- (5)) - بزياده «اذا بايعوه»، الأمالى والجواهر السنيه والبحار..

سرزمینها فرمانپذیر او می شوند، وپادشاه روم برای او سرتسلیم فرود می آورد، [او] بر روش ابراهیم علیه السلام است، هنگام غذا نام خدا می برد، وآشکارا سلام می کند، ودر حالی که مردم در خوابند نماز می گذارد، او در هر روز پنج نماز پی در پی دارد، همچون ندای فراخوانی سپاه جنگی، برای نماز ندا می دهد، وآنرا با تکبیر شروع می کند، وبا سلام به پایان می برد، گامهایش را در نماز همچون گامهای صفوف فرشتگان به نظم می آورد، ودل وسر او برای من خاشع [وافتاده] است.

نور در سینۀ او وحق بر زبان او جاری است، واو هر کجا که باشد بر حق است.

اصل او یتیم، وبرهه ای از عمرش از مقصود خلقتش [نبوت] ناشناخته است، چشمان او به خواب می رود ودل او نمی خوابد، شفاعت از آن اوست، وقیامت بر امّت او برپا می گردد، و [چون امّتش با او بیعت کنند] دست من بر دست آنانست، پس هر که پیمان شکند بر زیان خویش پیمان شکسته است، وهرکس به آنچه بر آن عهد بسته وفا کند من نیز با بهشت [به وعده خود] برای او وفا می کنم.

ص:81

فَمُرْ ظَلَمَةَ بَنِی إِسْرَائِیلَ أَلَّا یَدْرُسُوا کُتُبَهُ، وَلَا یُحَرِّفُوا سُنَّتَهُ، وَأَنْ یُقْرِؤوهُ السَّلامَ، فَإِنَّ لَهُ فِی المَقَامِ شَأناً مِنَ الشَّأنِ.

یَا عِیسیٰ! کُلُّ مَا یُقَرِّبُکَ مِنِّی فَقَدْ دَلَلْتُکَ عَلَیْهِ، وَ کُلُّ مَا یُبَاعِدُکَ مِنِّی فَقَدْ نَهَیْتُکَ عَنْهُ، فَارْتَدْ لِنَفْسِکَ.

یَا عِیسیٰ! إِنَّ الدُّنْیَا حُلْوَهٌ، وَإِنَّمَا اسْتَعْمَلْتُکَ فِیهَا(1) ، فَجَانِبْ مِنْهَا مَا حَذَّرْتُکَ، وَخُذْ مِنْهَا مَا أَعْطَیْتُکَ عَفْواً.

یَا عِیسیٰ! انْظُرْ فِی عَمَلِکَ نَظَرَ الْعَبْدِ المُذْنِبِ الْخَاطِئِ، وَلَا تَنْظُرْ فِی عَمَلِ غَیْرِکَ بِمَنْزِلَهِ الرَّبِّ، کُنْ فِیهَا زَاهِداً، وَلَا تَرْغَبْ فِیهَا فَتَعْطَبَ.

یَا عِیسیٰ! اعْقِلْ، وَتَفَکَّرْ، وَانْظُرْ فِی نَوَاحِی الأَرْضِ کَیْفَ کَانَ عَاقِبَهُ الظَّالِمِینَ.

یَا عِیسیٰ! کُلُّ وَصْفِی(2) لَکَ نَصِیحَهٌ، وَکُلُّ قَوْلِی لَکَ حَقٌّ، وَأَنَا الحَقُّ المُبِینُ، فَحَقّاً أَقُولُ: لَئِنْ أَنْتَ عَصَیْتَنِی بَعْدَ أَنْ أَنْبَأْتُکَ مَا لَکَ مِنْ دُونِی وَلِیٌّ وَلَا نَصِیرٌ.

1- (1)) - بزیاده «لتطیعنی» الأمالی والجواهر السنیه والبحار..
2- (2)) - «کلّ وصیتی» الأمالی والجواهر السنیه والبحار..

پس به ستمگران بنی اسرائیل فرمان ده که کتاب های او را محو نکنند، وروش او را تحریف ننمایند، وبه او سلام گویند، که او در مقام [ومنزلت]، جایگاه ویژه ای دارد.

ای عیسی! هر آنچه تو را به من نزدیک سازد تو را بر آن رهنمون شدم، وهرچه تو را از من دور می ساخت تو را از آن باز داشتم، پس در اندیشهٔ خویش باش.

ای عیسی! بدرستیکه دنیا شیرین است و من تو را در آن به کار گماشتم [تا مرا بندگی کنی]، پس از آنچه از دنیا بیمت دادم دوری گزین، واز آنچه بی پرسش به تو بخشیدم بهره گیر.

ای عیسی! در کار خویش همچون نگاه بندهٔ گنهکارِ خطاکار بنگر، ودر کار دیگران همچون پروردگار ننگر، در دنیا زاهد باش وشیفتهٔ آن مباش که هلاک می شوی.

ای عیسی! عقل خود را به کارگیر وبیندیش، ودر اطراف زمین بنگر که سرانجام ستمگران چگونه شد؟

ای عیسی! همهٔ بیان من برای تو اندرز است، وهمهٔ گفتار من به تو حق است، ومنم آن حق آشکار، پس بدرستی می گویم، پس از این گرازشم اگر نافرمانی من کنی، غیر من هیچ سرپرست ویاوری نخواهی داشت.

يَا عِيسىٰ! أَذِلَّ قَلْبَکَ بِالْخَشْيَهِ، وَانْظُرْ إِلىٰ مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْکَ(1) ، وَلَا تَنْظُرْ إِلىٰ مَنْ هُوَ فَوْقَکَ، وَ اعْلَمْ أَنَّ رَأسَ کُلِّ خَطِيئَهٍ وَذَنْبٍ هُوَ حُبُّ الدُّنْيَا، فَلا تُحِبَّهَا، فَإِنِّی لَاأُحِبُّهَا.

يَا عِيسىٰ! أَطِبْ لِی قَلْبَکَ، وَأَكْثِرْ ذِكْرِی فِی الْخَلَوَاتِ، وَاعْلَمْ أَنَّ سُرُورِی أَنْ تُبَصْبِصَ إِلَیَّ، كُنْ فِی ذٰلِکَ حَيّاً، وَلَا تَكُنْ مَيِّتاً.

يَا عِيسىٰ! لَاتُشْرِكْ بِی شَيْئاً، وَكُنْ مِنِّی عَلىٰ حَذَرٍ، وَلَا تَغْتَرَّ بِالصِّحَّهِ وَ [لا](2) تُغَبِّطْ نَفْسَکَ، فَإِنَّ الدُّنْيَا كَفَیْءٍ زَائِلٍ، وَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا كَمَا أَدْبَرَ، فَنَافِسْ فِی الصَّالِحَاتِ جُهْدَکَ، وَكُنْ مَعَ الْحَقِّ حَيْثُما كَانَ، وَإِنْ قُطِّعْتَ وَأُحْرِقْتَ بِالنَّارِ، فَلا تَكْفُرْ بِی بَعْدَ المَعْرِفَهِ، فَلا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ، (فَإِنَّ الشَّیْءَ يَكُونُ مَعَ الشَّیْءِ.)(3) يَا عِيسىٰ! صُبَّ لِیَ الدُّمُوعَ مِنْ عَيْنَيْکَ، وَاخْشَعْ لِی بِقَلْبِکَ.

1- (1)) - بدل «أسفل منک» فی الجواهر السنيه «دونک»..
2- (2)) - من الأمالی والجواهر السنيه والبحار..
3- (3)) ليس فی الأمالی..

ای عیسی! دل خود را با ترس من رام کن، و [در امور دنیوی] به پائین تر از خود بنگر، وبه بالاتر از خود نظر مدوز، وبدان اساس هر خطا وگناهی محبت دنیاست، پس آنرا دوست ندار که من نیز آنرا دوست نمی دارم.

ای عیسی! دل خود را برای من پاکیزه کن، ودر تنهایی ها بسیار به یاد من باش، وبدان که شادمانیم به آنست که نزد من تملق [وخوش زبانی] کنی، در این کار زنده دل باش ومرده مباش.

ای عیسی! هیچ چیز را شریک من قرار نده، و از من برحذر باش، و به تندرستی خود مغرور مشو، و [در رقابت های دنیوی] خود را مورد رشگ دیگران قرار مده، چرا که دنیا همچون سایه ای از میان رفتنی است، وآنچه از آن روآوَرَد همچون همانست که پشت کرده، پس با تمام توان خود در کارهای نیک به رقابت بپرداز، وبا حق هرجا که هست همراه باش، وپس از شناخت من، اگر قطعه قطعه شدی وبا آتش سوزانده شدی به من کفر مورز، پس حتماً از جاهلان مباش که هرچیز با چیزِ [نظیر خود] همراه است.

ای عیسی! برای من از دو چشمت اشکها بریز، وبا دلت برایم فروتنی کن.

يَا عِيسىٰ! اسْتَغِثْ بِى(1) فِى حَالَاتِ الشِّدَّهِ، فَإِنِّى اغِيثُ المَكْرُوبِينَ، وَأُجِيبُ المُضْطَرِّينَ، وَأَنَا أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.(2)

ص:86

1- (1)) - بدل «استغث بى» فى الأمالى والبحار: «استغفرنى»..
2- (2)) الكافى ج 8 ص 131 ح 103. عنه المجلسى رحمه الله فى كتاب الأربعين ص 462 الحديث الثلاثون، وفى أمالى الصدوق ص 307، المجلس 78 ح 1 باسناده الىٰ على بن أسباط عن على بن أبى حمزه عن أبى بصير عن أبى عبد اللّه عليه السلام مثله، وفى الجواهر السنيه فى الاحاديث القدسيه: الباب العاشر ص 97، وبحار الانوار ج 14 ص 289 ح 14 عن الكافى والأمالى، وقال المجلسى فى المرآه ج 25 ص 313-314 الحديث حسن او موثق؛ وبعد ذكره سند الأمالى قال: فالخبر موثق علىٰ الأظهر..

ای عیسی! در سختی ها از من فریادرسی خواه که من فریادرس گرفتارانم، ودرمانده ها را پاسخ گویم، ومن مهربانترین مهربانانم.

ص:87

حدیث معراج (یا أحمد)

اشاره

ص:89

حَدِيثُ لَيلهِ المعراجِ

قال العلّامه المجلسى قدس سره: «رأيت فى بعض الكتب لهذا الحديث سنداً هكذا: قال الإمام أبو عبد الله محمد بن على البلخى، عن أحمد بن إسماعيل الجوهرى، عن أبى محمد على بن مظفر بن إلياس العبدى، عن أبى نصر أحمد بن عبد الله الواعظ، عن أبى الغنائم، عن أبى الحسن عبد الله بن الواحد بن محمد بن عقيل، عن أبى إسحاق إبراهيم بن حاتم الزاهد بالشام، عن إبراهيم بن محمد، عن عبد الله بن عبد الرحمن، عن أبى عبد الله عبد الحميد بن أحمد بن سعيد، عن أبى بشر، عن الحسن بن على المقرى، عن أبى مسلم محمد بن الحسن المقرى، عن الإمام جعفر بن محمد الصادق عليه السلام، عن أبيه، عن جدّه، عن على بن أبى طالب عليهم السلام قال:

حَدِیثُ شب معراج

علّامه مجلسی قدس سره در ذیل حدیث معراج - پیرامون سند آن - آورده است:

در بعضی از کتابها برای این حدیث سندی دیدم به این طریق:

امام ابوعبداللّٰه محمد بن علیّ بلخی، از احمد بن اسماعیل جوهری، از ابو محمّد علی بن مظفّر بن الیاس عبدی، از ابونصر احمد بن عبداللّٰه واعظ، از ابوالغنائم، از ابوالحسن عبداللّٰه بن واحد بن محمد بن عقیل، از ابوسحاق ابراهیم بن حاتم زاهد در شام، از ابراهیم بن محمد، از عبداللّٰه بن عبدالرحمن، از ابوعبداللّٰه عبدالحمید بن احمد بن سعید، از أبوبشر، از حسن بن علی مقری، از ابومسلم محمد بن حسن مقری، از امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، از پدر [بزرگوار] خود، از جد [بزرگوار] خود، از علی بن أبی طالب علیهم السلام نقل کرده که فرمود:

هذا ما سأل رسول اللهِ صلى الله عليه و آله و سلم ربّه ليله المعراج...»(1). وقال أيضاً: «وجدت فى نسخه قديمه اخرى: قال الشيخ أبو عمرو عثمان بن محمد البلخى(2): أخبرنا أبو بكر أحمد بن إسماعيل الجوهرى قال: حدثنا أبو على المطر بن إلياس بن سعد بن سليمان قال: أخبرنا أبو نصر أحمد بن عبد الله بن إسحاق الواعظ قال: أخبرنا أبو الغنائم الحسن بن حماد المقرى قراءه بأهواز فى آخر شهر رمضان سنه ثلاث وأربعين وأربعمائه قال: أخبرنا أبو مسلم محمد بن الحسن المقرى قراءه عليه من أصله قال: حدّثنا عبد الواحد بن محمد بن عقيل قال: أخبرنا أبو إسحاق إبراهيم بن حاتم الزاهد بالشام(3) قال: حدثنا إبراهيم بن محمد بن أحمد(4) قال حدثنا إسحاق بن بشر(5) ، عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام، عن أبيه، عن جده، عن على بن أبى طالب عليهم السلام...»(6).

1- (1)) - البحار ج 77 ص 30..
2- (2)) - المتوفىٰ ببلخ فى جمادى الاولى سنه 537. انظر سير اعلام النبلاء: ج 20 ص 166 رقم 101..
3- (3)) - انظر تاريخ مدينه دمشق: ج 6 ص 377-378..
4- (4)) - هو ابو اسحاق التسترى. انظر تاريخ مدينه دمشق: ص 377-378..
5- (5)) هو ابو حذيفه الكاهلى الخراسانى، عُدّ من أصحاب الامام الصادق عليه السلام. انظر رجال النجاشى: ص 72 رقم 171، ورجال الطوسى: ص 149 رقم 138، وميزان الاعتدال: ج 1 ص 184 رقم 739..
6- (6)) البحار ج 77 ص 31..

این آن [حدیثی] است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از پروردگار خود در شب معراج درخواست کرد...».

باز علّامه مجلسي رضی الله عنه فرموده است: در نسخهٔ قدیم دیگری یافتم که: شیخ أبوعمر و عثمان بن محمد بلخی، از ابوبکر احمد بن اسماعیل جوهری، از أبو علی مطر بن إلیاس بن سعد بن سلیمان، از أبونصر احمد بن عبدالله بن إسحاق واعظ - که در اهواز، در آخر ماه رمضان 443 هجری قمری، به صورت قرائت - از ابوالغنائم حسن بن حمّاد مقری - که به صورت قرائت از اصل آن - از ابومسلم محمد بن حسن مقری، از عبدالواحد بن محمد بن عقیل، از ابواسحاق ابراهیم بن حاتم زاهد در شام، از ابراهیم بن محمد بن احمد، از اسحاق بن بشر، از [امام] جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، از پدر [بزرگوار] خود، از جد [بزرگوار] خود، از [امام] علی بن ابی طالب علیهم السلام، همانند این حدیث را نقل کرده است.

وأمّا نص الحديث فقد نقله العلّامه المجلسى قدس سره عن إرشاد القلوب للديلمى قدس سره، وقال:

روى عن أمير المؤمنين عليه السلام أن النّبىّ صلى الله عليه و آله و سلم سأل ربّه سبحانه ليله المعراج فقال: يا رَبِّ أىُّ الأعمالِ أفضَلُ؟

فقالَ اللهُ عزَّ وجلَّ: لَيسَ شَىْءٌ عِندى أفضَلَ مِنَ التَّوَكُّلِ عَلَىَّ وَالرِّضىٰ بِما قَسَمْتُ.

يا مُحَمَّدُ! وَجَبَتْ مَحَبَّتِى للمُتَحابِّينَ فِىَّ، وَوَجَبَتْ مَحَبَّتِى للمُتَعاطِفِينَ(1) فِىَّ، وَوَجَبَتْ مَحَبَّتى للمُتَواصِلِينَفِىَّ، وَوَجَبَتْ مَحَبَّتى للمُتَوَكِّلِينَ عَلَىَّ، وَلَيسَ لِمَحَبَّتى عَلَمٌ وَلا غايَهٌ وَلا نِهايَهٌ، وَكُلَّما رَفَعْتُ لَهُمْ عَلَماً وَضَعْتُ لَهُمْ عَلَماً، اولٰئِكَ الَّذينَ نَظَروا إلىٰ المَخلوقِينَ بِنَظَرِى إلَيهِمْ، وَلا يَرفَعوا(2) الحَوائِجَ إلَى الخَلقِ، بُطونُهُمْ خَفيفَهٌ مِنْ أكلِ الحَلالِ(3) ، نَعيمُهُم فى الدُّنيا ذِكرى وَمَحَبَّتى وَرِضاىَ عَنهُمْ.

1- (1)) - «للمتقاطعين» الجواهر السنيه..
2- (2)) - «ولم يرفعوا» الإرشاد..
3- (3)) «الحرام» الإرشاد..

علّامه مجلسی رضی الله عنه متن حدیث را از کتاب ارشاد القلوب دیلمی نقل کرده و فرموده است: از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج از پروردگار سبحان پرسید:

پروردگارا: بهترین عمل کدام است؟

خدا - که عزیز و با شکوه است - فرمود: نزد من هیچ چیز بهتر از توکّل بر من، و رضا به آنچه قسمت کرده ام نیست.

أی محمّد! محبّت من بایستهٔ کسانی است که در راه من همدیگر را دوست می دارند، و محبّت من بایستهٔ کسانی است که در راه من با هم مهربانی می کنند، و محبّت من بایستهٔ کسانی است که در راه من با هم پیوند می یابند، و محبّت من بایستهٔ کسانی است که بر من توکّل می کنند، و برای محبّت من نشان [حدّ و حدود] وسرآمد و پایانی نیست، و هر زمان برای ایشان نشان [حدّی] برافرازم، نشانِ [حدّی دیگر] را پائین آورم(1) ، آنان کسانی اند که با دیدن من به آفریده ها می نگرند، و نیازمندیهای خود را به [در خانهٔ] مخلوق نمی برند، شکم هایشان سبکبار از خوراک حلال است، خوشبختی [و سعادت] ایشان در دنیا یاد من، و محبّت من، وخشنودی من از ایشان است.

1- (1)) - کنایه از این که با هدایت خود مرحله به مرحله تا بی نهایت به کمالشان می افزایم..

يا أحمَدُ إنْ أحبَبْتَ أنْ تَكونَ أورَعَ النّاسِ فَازْهَدْ فى الدُّنيا وَارْغَبْ فى الآخِرَهِ.

فقال: يا إلٰهى كَيفَ أزهَدُ فى الدُّنيا وَأرغَبُ فى الآخِرَهِ؟

قال: خُذْ مِنَ الدُّنيا خِفّاً(1) مِنَ الطَّعامِ والشَّرابِ وَاللِّباسِ وَلا تَدَّخِرْ لِغَدٍ، وَدُمْ عَلىٰ ذِكرِى.

فقال: يا رَبِّ وَكَيفَ أَدومُ عَلىٰ ذِكرِكَ؟

فقال: بِالخَلوَهِ عَنِ النّاسِ، وَبُغضِكَ الحُلوَ وَالحامِضَ، وَفَراغِ(2) بَطنِكَ وَبَيتِكَ مِنَ الدُّنيا.

يا أحمَدُ! فَاحْذَرْ أنْ تَكونَ مِثلَ الصَّبِيِّ إذا نَظَرَ إلَى الأخضَرِ وَالأصفَرِ أحَبَّهُ، وَإذا اعطِىَ شيئاً مِنَ الحُلوِ وَالحامِضِ اغْتَرَّ بِهِ.

فَقالَ: يا رَبِّ دُلَّنى عَلىٰ عَمَلٍ أتَقَرَّبُ بِهِ إلَيكَ.

قالَ: اجْعَلْ لَيلَكَ نَهاراً، ونهارَكَ لَيلاً.

قال: يا رَبِّ كَيفَ ذلِكَ؟

قالَ: اجْعَلْ نَومَكَ صَلاةً، وَطَعامَكَ الجُوعَ.

1- (1)) - «حَفناً» الإرشاد..
2- (2)) «افراغ» الجواهر السنيه..

ای احمد! اگر دوست داری که پارساترین مردم باشی، به دنیا بی میل و به آخرت مشتاق باش.

عرض کرد: معبودا! چگونه در دنیا زاهد، و به آخرت راغب باشم؟

فرمود: اندکی از خوراک ونوشیدنی و پوشاک دنیا را [برای امروز خود] بردار، وبرای فردای خود نیندوز، وپیوسته به یاد من باش.

عرض کرد: پروردگارا! چگونه پیوسته به یاد تو باشم؟

فرمود: با خلوت [ودوری] از مردم [دنیازده]، وناخوش داشتن شیرین و ترش [دنیا]، و تهی ساختن شکم و خانه از [لذیذ و زیور] دنیا.

ای احمد! خود را دور بدار از این که همچون کودک باشی که چون به سبز و زرد بنگرد دوست بدارد، وچون چیزی از شیرین و ترش به او دهند فریب خورد.

عرض کرد: پروردگارا! مرا بر عملی که با آن به تو تقرّب جویم راهنمائی کن.

فرمود: شب خود را روز، و روز خود را شب قرار ده.

عرض کرد: پروردگارا! چگونه؟

فرمود: خواب خود را نماز قرار ده و خوراک خود را گرسنگی.

يا أحمَدُ! وَعِزَّتی وَجَلالی ما مِنْ عَبدٍ مُؤمِنٍ ضَمِنَ لی بِأربَعِ خِصالٍ إلّاأدخَلتُهُ الجَنَّةَ: يَطوِی لِسانَهُ فَلا يَفتَحُهُ إلّا بِما يَعنِيهِ، وَيَحفَظُ قَلبَهُ مِنَ الوَسواسِ، وَيَحفَظُ عِلمِی وَنَظَرِی إلَيهِ، وَتَكونُ قُرَّهُ عَينِهِ الجُوعَ.

يا أحمَدُ! لَو ذُقتَ حَلاوَهَ الجُوعِ وَالصَّمتِ وَالخَلوَهِ وَما وَرِثوا مِنها.

قال: يا رَبِّ ما مِيراثُ الجُوعِ؟

قالَ: الحِكمَهُ، وَحِفظُ القَلبِ، وَالتَّقَرُّبُ إلَیَّ، وَالحُزنُ الدّائِمُ، وَخِفَّهُ المَؤونَهِ بَينَ النّاسِ، وَقَولُ الحَقِّ، وَلا يُبالی عاشَ بِيُسْرٍ أَوْ بِعُسْرٍ.

يا أحمَدُ! هَلْ تَدری بِأَیِّ وَقتٍ يَتَقَرَّبُ العَبدُ إلَی اللّٰهِ؟ قالَ: لا يا رَبِّ.

قالَ: إذا كانَ جائِعاً أو ساجِداً.

ای احمد! به عزّت و جلالم سوگند هیچ بندهٔ مؤمنی چهار خوی [وخصلت] را برای من عهده دار نشود مگر آن که او را به بهشت درآورم: زبان خود را ببندد و نگشاید مگر به سخنی که مهمّش باشد، و قلب خود را از [حبّ دنیا و] وساوس نگهدارد، ومراقب آگاهی ودید من به خود باشد، ونور چشمش گرسنگی باشد.

ای احمد! ای کاش شیرینی گرسنگی وسکوت و تنهایی و آثاری را که از خود به إرث می نهند می چشیدی.

عرض کرد: پروردگارا! میراثِ [بازمانده از] گرسنگی چیست؟

فرمود: حکمت، نگهداری دل [از وساوس و خواطر]، نزدیکی به من، اندوه پیوسته، کم هزینگی میان مردم، گفتار حقّ، و اهمیت ندادن به این که با آسانی زندگی کند یا با سختی.

ای احمد! آیا می دانی بندهٔ [خدا] چه زمانی به خدا نزدیک می شود؟

عرض کرد: پروردگارا! نه.

فرمود: زمانی که گرسنه باشد یا در سجده.

يا أحمَدُ! عَجِبْتُ مِنْ ثَلاثَهِ عَبِيدٍ(1): عَبدٍ دَخَلَ فى الصَّلاهِ وَهُوَ يَعلَمُ إلىٰ مَنْ يَرفَعُ يَدَيهِ وَقُدّامَ مَنْ هُوَ، وَهُوَ يَنعَسُ، وَعَجِبْتُ مِنْ عَبدٍ لَهُ قُوتُ يَومٍ مِنَ الحَشِيشِ أو غَيرِهِ وَهُوَ يَهتَمُّ لِغَدٍ، وَعَجِبْتُ مِنْ عَبدٍ لا يَدرى أنّى راضٍ عَنهُ أمْ ساخِطٌ عَلَيهِ وَهُوَ يَضحَكُ.

يا أحمَدُ! إنَّ فى الجَنَّهِ قَصراً مِنْ لُؤْلُؤَهٍ فَوقَ لُؤْلُؤَهٍ وَدُرَّهٍ فَوقَ دُرَّهٍ لَيسَ فِيها قَصْمٌ وَلا وَصْلٌ، فِيها الخَواصُّ أنظُرُ إلَيهِمْ كُلَّ يَومٍ سَبعِينَ مَرَّهٍ وَاُكَلِّمُهُمْ، كُلَّما نَظَرْتُ إلَيهِم أزِيدُ فى مُلكِهِمْ سَبعِينَ ضِعفاً، وإذا تَلَذَّذَ أهلُ الجَنَّهِ بِالطَّعامِ وَالشَّرابِ تَلَذَّذوا بِكَلامى وَذِكرى وَحَدِيثى.

قالَ: يا رَبِّ ما عَلاماتُ اولٰئِکَ؟

قالَ: هُمْ فى الدُّنيا مَسجونُونَ، قَدْ سَجَنوا ألسِنَتَهُمْ مِنْ فُضولِ الكَلامِ، وَبُطونَهُمْ مِنْ فُضولِ الطَّعامِ.

يا أحمَدُ! إنَّ المَحَبَّهَ لِلّٰهِ هِىَ المَحَبَّهُ للفُقَراءِ، وَالتَّقَرُّبُ إلَيهِمْ.

1- (1)) - «ثلاثه عبيد» ليس فى الجواهر السنيه..

ای احمد! از سه کس در شگفتم: از بنده ای که با حالت خواب زدگی به نماز درآید در حالی که می داند دستان خود را به سوی چه کسی بالا می برد، و در پیشگاه چه کسی ایستاده است، و از بنده ای که روزی امروز خود را - هر چه باشد - دارد و با این حال غم فردا را می خورد، و از بنده ای که نمی داند آیا من از او خرسندم یا نه و در عین حال می خندد.

ای احمد! همانا در بهشت قصری است از مروارید روی مروارید، و از دُرّ روی دُرّ که بی هیچ شکستگی و پیوند [یکپارچه و زلال] است، و در آن خواصّ بندگان من زندگی می کنند، هر روز هفتاد بار به ایشان می نگرم و با ایشان سخن می گویم، هر زمان به ایشان بنگرم هفتاد برابر بر ملک [وقلمرو فرمانروایی] ایشان بیفزایم، وچون بهشتیان با خوردنی ها و نوشیدنی ها کامیاب شوند ایشان از کلام و یاد و سخن من لذّت برند.

عرض کرد: پروردگارا! نشانه های ایشان چیست؟

فرمود: ایشان در دنیا زندانی اند، زبان های خود را از سخنان بیهوده، وشکم های خود را از خوراک اضافی بسته اند.

ای احمد! محبّت خدا همان محبّت فقرا، و نزدیک شدن به ایشان است.

ص:101

قالَ: يا رَبِّ وَمَنِ الفُقَراءُ؟

قالَ: الَّذينَ رَضُوا بِالقَليلِ، وَصَبَرُوا عَلَى الجُوعِ، وَشَكَرُوا عَلَى الرَّخاءِ، وَلَمْ يَشكُوا جُوعَهُم وَلا ظَمَأَهُمْ، وَلَمْ يُكَذِّبُوا بِأَلسِنَتِهِمْ، وَلَمْ يَغضَبُوا عَلىٰ رَبِّهِمْ، وَلَمْ يَغتَمُّوا عَلىٰ ما فاتَهُمْ، وَلَمْ يَفرَحُوا بِما آتاهُمْ.

يا أحمَدُ! مَحَبَّتِى مَحَبَّةٌ للفُقَراءِ، فَأَدْنِ الفُقَراءَ وَقَرِّبْ مَجلِسَهُمْ مِنكَ أدْنُكَ، وَبَعِّدِ الأغنِياءَ، وَبَعِّدْ مَجلِسَهُمْ مِنكَ فَإنَّ الفُقَراءَ أحِبّائى.

يا أحمَدُ! لا تَتَزَيَّنْ بِلَيِّنِ اللِّباسِ، وَطَيِّبِ الطَّعامِ، وَلَيِّنِ الوِطاءِ، فَإنَّ النَّفسَ مَأوىٰ كُلِّ شَرٍّ، وَهِىَ رَفيقُ كُلِّ سُوءٍ، تَجُرُّها إلَىٰ طاعَةِ اللّٰهِ، وَتَجُرُّكَ إلىٰ مَعصِيَتِهِ، وُتخالِفُكَ فى طاعَتِهِ، وَتُطيعُكَ فيما تَكرَهُ، وَتَطغىٰ إذا شَبِعَتْ، وَتَشكُو إذا جاعَتْ، وَتَغضَبُ إذا افْتَقَرَتْ، وَتَتَكَبَّرُ إذا اسْتَغْنَتْ، وَتَنسىٰ إذا كَبُرَتْ، وَتَغفُلُ إذا أمِنَتْ، وَهِى قَرينَهُ الشَّيطانِ،

عرض کرد: پروردگارا! فقرا چه کسانی اند؟

فرمود: آنانی که به اندک خرسندند، و برگرسنگی بردبارند، و بردولتمندی سپاسگزارند، و از گرسنگی و تشنگی خود شِکوِه ندارند، و با زبان خود دروغ نگویند، و بر پروردگار خود خشمناک نباشند، و بر آنچه از دستشان رفته غم نخورند، و به آنچه [از دنیا] به دستشان آمده شادمان نباشند.

ای احمد! محبّت من محبّت به فقرا است، پس به فقرا نزدیک شو، و آنان را نزد یک خود بنشان تا تو را نزدیک خود کنم، و ثروتمندان [و دنیامداران] را [از خود] دور بدار، وآنان را نزدیک خود منشان که فقرا حبیبان می باشند.

ای احمد! با لباس نرم [ولطیف]، و خوراک [خوش و] گوارا، و زیرانداز نرم [ولطیف] خود را زینت مده، زیرا که نفس، پناهِ هر شرّ، و هم نشین هر بدی است، تو او را به طاعت خدا می کشانی، و او تو را به معصیت خدا می کِشد، و در طاعت خدا نافرمانیت می کند و در آنچه ناخوشایند تواست پیرویت می کند، و چون سیر شود طغیان می کند، و چون گرسنه شود شِکوه می کند، و چون نیازمند شود خشمناک می گردد، و چون بی نیاز شود کبر می ورزد، وچون بزرگ شود فراموش می کند، و چون در أمان باشد غافل می شود، و نفس، همسر [وهمنشین] شیطان است،

وَمَثَلُ النَّفسِ كَمَثَلِ النُّعامَهِ تَأكُلُ الكَثيرَ، وَإذا حُمِّلَ عَلَيها لاتَطيرُ، وَمَثَلِ الدِّفلى لَونُهُ حَسَنٌ وَطَعمُهُ مُرٌّ.

يا أحمَدُ! أَبغِضِ الدُّنيا وَأهلَها، وَأَحِبَّ الآخِرَهَ وَأهلَها.

قالَ: يا رَبِّ وَمَنْ أهلُ الدُّنيا وَمَنْ أهلُ الآخِرَهِ؟

قالَ: أهلُ الدُّنيا مَنْ كَثُرَ أكلُهُ وَضِحْكُهُ وَنَومُهُ وَغَضَبُهُ، قَليلُ الرِّضىٰ، لا يَعتَذِرُ إلىٰ مَنْ أساءَ إلَيهِ، وَلا يَقبَلُ مَعذِرَهَ مَنِ اعْتَذَرَ إلَيهِ، كَسلانُ عِندَ الطّاعَهِ، شَجاعٌ عِندَ المَعصِيَهِ، أمَلُهُ بَعيدٌ، وَأَجَلُهُ قَريبٌ، لا يُحاسِبُ نَفسَهُ، قَليلُ المَنفَعَهِ، كَثِيرُ الكَلامِ، قَلِيلُ الخَوفِ، كَثِيرُ الفَرَحِ عِندَ الطَّعامِ، وَإنَّ أهلَ الدُّنيا لا يَشكُرونَ عِندَ الرَّخاءِ، وَلا يَصبِرُونَ عِندَ البَلاءِ، كَثيرُ النّاسِ عِندَهُمْ قَليلٌ، يَحمَدُونَ أنفُسَهُمْ بِما لا يَفعَلُونَ، وَيَدَّعُونَ بِما لَيسَ لَهُمْ، وَيَتَكَلَّمُونَ بِما يَتَمَنَّونَ، وَيَذكُرونَ مَساوىَ النّاسِ، وَيُخفُونَ حَسَناتِهِمْ.

ومَثَل آن همچون شترمرغ است که فراوان می خورد، و چون بر آن بار کنند پرواز نمی کند [و با چالاکی و شتاب نمی رود]، و نیز همچون دِفْلیٰ [: گیاه خرزهره] است که رنگ آن زیبا، و مزهٔ آن تلخ است.

ای احمد! از دنیا و أهل آن نفرت داشته باش، و آخرت و اهل آن را دوست بدار.

عرض کرد: پروردگارا! أهل دنیا کیست و أهل آخرت کیست؟

فرمود: أهل دنیا کسی است که خوراک و خنده و خواب و خشمش زیاد است، [از مقدّرات خداوند] بسیار کم خرسند است، از کسی که به او بدی کرده پوزش نمی خواهد، و پوزش عذرخواه خود را نمی پذیرد، هنگام طاعت تنبل است و هنگام معصیت بی باک، آروزیش بلند است وأجلش نزدیک، حسابرسِ [اعمالِ] خود نیست، کم سود، زیادگو [و پرحرف]، کم هراس [از خدا و قیامت]، وهنگام خوراک بسیار شاد است، وهمانا أهل دنیا هنگام فراوانی [وناز و نعمت] شکرگزار نیستند، وهنگام بلا [وگرفتاری] صبر نمی کنند، [خیر] زیاد مردم، نزد ایشان اندک بنماید، خود را به آنچه انجام نمی دهند می ستایند، و آنچه را که از ایشان نیست ادّعا می کنند، و دربارهٔ آنچه آرزو دارند سخن می گویند، و از بدی های مردم یاد می کنند وخوبی های ایشان را پنهان می دارند.

قالَ: يا رَبِّ هَلْ يَكونُ سِوىٰ هٰذا العَيبِ فى أهْلِ الدُّنيا؟

قالَ: يا أحمَدُ! إنَّ عَيبَ أهلِ الدُّنيا كَثيرٌ، فِيهِمُ الجَهْلُ وَالحُمْقُ، لا يَتَواضَعُونَ لِمَنْ يَتَعَلَّمُونَ مِنهُ، وَهُمْ عِندَ أنفُسِهِمْ عُقَلاءُ، وَعِندَ العارِفِينَ حُمَقاءُ.

يا أحمَدُ! إنَّ أهلَ الخَيرِ وَأهلَ الآخِرَهِ رَقيقَهٌ وُجُوهُهُم، كَثيرٌ حَياؤهُم، قَليلٌ حُمقُهُم، كَثيرٌ نَفعُهُم، قَليلٌ مَكرُهُم، النّاسُ مِنهُمْ فى راحَهٍ وَأنفُسُهُم مِنهُم فى تَعَبٍ، كَلامُهُم مَوزونٌ، مُحاسِبِينَ لِأنفُسِهِم، مُتعِبِينَ لَها، تَنامُ أعيُنُهُم وَلا تَنامُ قُلوبُهُم، أعيُنُهُم باكِيَهٌ وَقُلوبُهُم ذاكِرَهٌ، إذا كُتِبَ النّاسُ مِنَ الغافِلِينَ كُتِبُوا مِنَ الذّاكِرِينَ، فى أوَّلِ النِّعمَهِ يَحمُدونَ، وَفى آخِرِها يَشكُرونَ، دُعاؤهُم عِندَ اللهِ مَرفُوعٌ، وَكَلامُهُمْ مَسمُوعٌ، تَفرَحُ المَلائِكَهُ بِهِم، يَدورُ دُعاؤهُمْ تَحتَ الحُجُبِ، يُحِبُّ الرَّبُّ أنْ يَسمَعَ كَلامَهُم كَما تُحِبُّ الوالِدَهُ وَلَدَها، وَلا يَشغَلُهُم عَنِ اللّهِ شَيْءٌ طَرفَهَ عَينٍ، وَلا يُريدُونَ كَثرَهَ الطَّعامِ، وَلا كَثرَهَ الكَلامِ، وَلا كَثرَهَ اللِّباسِ، النّاسُ عِندَهُمْ مَوتىٰ، وَاللّهُ عِندَهُم حَىٌّ قَيُّومٌ كَريمٌ،

عرض کرد: پروردگارا! آیا أهل دنیا غیر از این عیب ها، عیب دیگری دارند؟

فرمود: ای احمد! عیوب أهل دنیا فراوان است، در ایشان است نادانی و کم عقلی، به آموزگاران خود تواضع نمی کنند، وایشان نزد خود خردمند، و نزد عارفان نابخردند.

ای احمد! اهل خیر و آخرت، چهره هایشان با شرم، حیایشان فراوان، نابخردیشان اندک، سودشان بسیار، مکرشان [ناچیز و] اندک است، مردم از ایشان در آسایش، وخود از خود [در أثر مراقبه و تزکیه] در رنج اند، سخنشان [بی تناقض و] هماهنگ است، حسابرسِ [اعمالِ] خوداند، خود را [در راه خدا و خیر به مردم] خسته می کنند، دیدگانشان می خوابد، و دل هایشان نمی خوابد، چشمانشان گریان است و دل هایشان در یاد خداست، چون مردم را از غافلان بنویسند، ایشان را از ذاکران بشمرند، در آغاز نعمت، ستایش می کنند و در آخر آن سپاس می گویند، دعایشان نزد خدا بالا می رود، و سخنشان شنیده می شود، فرشتگان از ایشان شادمانند، نیایش ایشان زیر حجاب [های نوری] دور می زند، پروردگار دوست می دارد که سخنشان را بشنود چنان که مادر فرزند خود را، وهیچ چیز ایشان را یک چشم بهم زدن از یاد خدا بازنمی دارد، آنان خوراکِ بسیار، وسخنِ زیاد، ولباسِ فراوان را دوست نمی دارند، مردم، نزد ایشان مردگانند، وخدا، نزد ایشان زندهٔ پایدار [و برپادارندهٔ] بزرگوار است،

يَدعُونَ المُدبِرِينَ كَرَماً، وَيُريدُونَ(1) المُقبِلِينَ تَلَطُّفاً، قَدْ صارَتِ الدُّنيا وَالآخِرَهُ عِندَهُم واحِدَهٌ، (يَموتُ النّاسُ مَرَّهً وَيَمُوتُ أحَدُهُم فى كُلِّ يَومٍ سَبعِينَ مَرَّهً مِنْ مُجاهَدَهِ أنفُسِهِم وَمُخالَفَهِ هَواهُم وَالشَّيطانِ الَّذى يَجرِى فى عُروقِهِم، وَلَو تَحَرَّكَتْ رِيحٌ لَزَعْزَعَتْهُم، وَإنْ قامُوا بَينَ يَدَىَّ كَأنَّهُمْ بُنيانٌ مَرصوصٌ، لا أرىٰ فى قَلبِهِم شُغلاً لِمَخلُوقٍ، فَوَعِزَّتى وَجَلالى لَاُحيِيَنَّهُم حَياهً طَيِّبَهً إذا فارَقْتُ أرواحَهُم مِنْ جَسَدِهِمْ، لا اُسَلِّطُ عَلَيهِم مَلَکَ المَوتِ، وَلا يَلِى قَبضَ رُوحِهِم غَيرى، وَلَأفتَحَنَّ لِرُوحِهِم أبوابَ السَّماءِ كُلَّها، وَلَأرفَعَنَّ الحُجُبَ كُلَّها دُونى، وَلَاَمُرَنَّ الجِنانَ فَلْتُزَيَّنَنَّ، وَالحُورَ العِينَ فَلْتُزَفَّنَّ،

1- (1)) - «يزيدون» الإرشاد..

روی گردانان را از روی بزرگواری فرا می خوانند(1) ، و روی آورندگان را از روی مهربانی قصد می کنند، [آنچنان چشمشان به عوالم ملکوت گشوده است که] دنیا و آخرت نزد ایشان یکی شده است، مردم یک بار می میرند، وهر یک از ایشان - در أثر [سختی ها و مشکلاتِ] جهاد با نفس، و مخالفتِ با هواهای خود و نیز با شیطانی که در رگ هایشان روان می شود - در هر روز هفتاد بار می میرد، و اگر بادی بوزد [جسمِ ناتوانِ] ایشان را تکان می دهد، و اگر در پیشگاه من بایستند [در أثر عشقِ به عبادت و غرقِ در أنس] گویی بنایی آهنین اند، در دل ایشان هیچ سرگرمی به مخلوق را نمی بینم، پس به عزّت و جلالم سوگند چون روح از تن ایشان جدا کنم ایشان را با زندگی پاکیزه ای، حیات [حقیقی] بخشم، فرشتهٔ مرگ را بر ایشان چیره نسازم، و کسی جز من مباشر قبض روح ایشان نباشد، و قطعاً همهٔ درهای آسمان را به روی روح ایشان بگشایم، همهٔ حجاب های میان خود و ایشان را بردارم، و به بهشت فرمان دهم تا آراسته گردد، و به حوریان [: سیمین تنان درشت چشم] فرمان دهم تا به زفاف درآیند،

1- (1)) - اگر متن «یَدَعُونَ» خوانده شود نه «یَدْعُونَ» ترجمهٔ جمله این می شود: [کیفر] روی گردانان را از روی بزرگواری رها می کنند..

وَالملائِكَةَ فَلْيُصَلِّينَّ، وَالأشجارَ فَلْتُثمِرَنَّ، وَثِمارَ الجَنَّهِ فَلْتُدلِيَنَّ، وَلَآمُرَنَّ رِيحاً مِنَ الرِّياحِ الَّتي تَحتَ العَرشِ فَلْتَحمِلَنَّ جِبالاً مِنَ الكافورِ وَالمِسكِ الأذفَرِ فَلْتَصِيرَنَّ وَقوداً مِنْ غَيرِ النّارِ، فَلْتَدْخُلَنَّ بِهِ، وَلا يَكونُ بَينى وَبَينَ رُوحِهِ سِترٌ، فَأقولُ لَهُ عِندَ قَبضِ رُوحِهِ: مَرحَباً وَأهلاً بِقُدومِكَ عَلَىَّ، اصعَدْ بِالكَرامَهِ وَالبُشرىٰ وَالرَّحمَهِ وَالرِّضوانِ، «وَجَنّاتٌ لَهُم فِيها نَعيمٌ مُقيمٌ خالِدينَ فِيها أبَداً إنَّ اللّهَ عِندَهُ أجرٌ عَظِيمٌ»(1) ، فَلَو رَأيتَ المَلائِكَهَ كَيفَ يَأخُذُ بِها واحِدٌ وَيُعطِيها الآخَر.

يا أحمَدُ! إنَّ أهلَ الآخِرَهِ لا يَهْنَؤهُمُ الطَّعامُ مُنذُ عَرَفوا رَبَّهُم، وَلا يَشغَلُهُمُ مُصيبَهٌ مُنذُ عَرَفوا سَيِّئاتِهِم، يَبكُونَ عَلىٰ خَطاياهُم، يُتعِبُونَ أنفُسَهُم وَلا يُريحُونَها، وَإنَّ راحَهَ أهلِ الجَنَّهِ فى المَوتِ،

1- (1)) - التوبه: 21 و 22..

و به فرشتگان فرمان دهم، تا درود و تحیّت گویند، و به درختان [بهشت] فرمان دهم تا میوه آورند، و به میوه های بهشت فرمان دهم تا خود [را بر شاخه ها] بیاویزند، و به نسیمی از نسیم هایِ [بهشتی] زیر عرش فرمان دهم تا کوههای کافور(1) و مشکِ [خوشبو و] پُربو را بردارند، و سوختِ بی آتش شوند و به او درآیند، و میان من و روح او حجابی نباشد، وهنگام قبض روحش به او گویم: خوش آمدی، و با ورود بر من به [دیار] آشنای خود شدی، با بزرگواری و بشارت و رحمت و رضوان بالا بیا، «و باغ های بهشت که در آن ها نعمت های پایدار دارند، جاودانه در آن ها خواهند بود، حقّا که نزد خدا پاداشی بزرگ است(2)»، ای کاش فرشتگان را می دیدی که چگونه هر [یک] روح او را می گیرد و به دیگری می سپارد.

ای احمد! اهل آخرت از آن روز که پروردگار خود را شناختند [هیچ] خوراکی گوارا [ی وجود] شان نیست، و از آن روز که بدی های خود را شناختند هیچ مصیبتی [از اندیشهٔ آن بدیها]، بازشان نمی دارد، بر خطاهای خود می گریند، وخود را [در راه خدا] به زحمت می افکنند و آسوده نمی گذارند، همانا آسایش اهل بهشت در مرگ است،

1- (1)) - کافور: مادّهٔ معطّر جامدی که از برخی گیاهان از قبیل ریحان و بابونه [به دست آید]. فرهنگ معین: 2848/3..
2- (2)) - توبه: 22 و 21..

وَالآخِرَةُ مُستَراحُ العابِدينَ، مونِسُهُم دُموعُهُمُ الَّتى تَفيضُ عَلىٰ خُدودِهِم، وَجُلوسُهُم مَعَ المَلائِكَهِ الَّذِينَ عَنْ أيمانِهِم وَعَنْ شَمائِلِهِم، وُمناجاتُهُم مَعَ الجَليلِ الَّذى فَوقَ عَرشِهِ، وَإنَّ أهلَ الآخِرَهِ قُلوبُهُم فى أجوافِهِم قد قُرِحَتْ، يَقولُونَ:

مَتىٰ نَستَرِيحُ مِنْ دارِ الفَناءِ إلىٰ دارِ البَقاءِ.)(1) يا أحمَدُ! هَلْ تَعرِفُ ما لِلزّاهِدِينَ عِندى فى الآخِرَهِ؟

قالَ: لا يا رَبِّ.

قالَ: يُبعَثُ الخَلقُ وَيُناقَشونَ بِالحِسابِ وَهُم مِنْ ذٰلکَ آمِنونَ، إنَّ أدنىٰ ما اعطِى لِلزّاهدينَ فى الآخِرَهِ أنْ اعطِيَهُم مَفاتِيحَ الجِنانِ كُلَّها حَتّىٰ يَفتَحوا أىَّ بابٍ شاؤوا، وَلا أحجُبُ عَنهُم وَجهى، وَلَأنعِمَنَّهُم بِألوانِ التَلَذُّذِ مِن كَلامى، وَلَأُجلِسَنَّهم فى مَقعَدِ صِدقٍ، وَاُذَكِّرَنَّهُم ما صَنَعوا وَتَعِبوا فى دارِ الدُّنيا، وَأفتَحُ لَهُم أربعهَ أبوابٍ:

بابٌ تَدخُلُ عَلَيهِمُ الهَدايا مِنهُ بُكرَهً وَعَشِيّاً مِن عِندى.

وَبابٌ يَنظُرونَ مِنهُ إلَىَّ كَيفَ شاؤوا بِلا صُعوبَهٍ.

1- (1)) من «يموت الناس» الىٰ «البقاء» ليس فى الإرشاد والجواهر السنيه..

و آخرت آسایشگاه عابدان است، أنیسِ ایشان اشگهایی است که بر رخسارشان روان می شود، و نشستِ ایشان با فرشتگانِ راست و چپ خود است، و راز و نیازشان با خدای شکوهمند [فرمانروا] بر عرش است، و همانا دل های اهل آخرت [از غم فراق، آتشین و] مجروح است، و [با خود] می گویند: چه زمانی از این دارفنا به دار بقا [کوچ کرده] آسوده می شویم؟!

ای احمد! آیا می دانی که زاهدان، در آخرت نزد من چه دارند؟

عرض کرد: پروردگارا! نه.

فرمود: مردم مبعوث می شوند و با دقت مورد حسابرسی قرار می گیرند در حالی که ایشان در أمانند، همانا کمترین چیزی که در آخرت به زاهدان می بخشم همه کلیدهای بهشت است تا هر دری را که می خواهند بگشایند، و روی خود را از ایشان نمی پوشانم، و با لذّت های گوناگونِ سخنِ خود کامیابشان می کنم، و ایشان را در قرارگاه صِدْق می نشانم، و آنچه در دنیا انجام دادند و رنج دیدند به یادشان می آورم، و چهار در را برایشان می گشایم:

دری که از آن هر بامداد و شامگاه هدایای من به ایشان برسد.

و دری که از آن هرگونه که بخواهند به آسانی به من بنگرند.

وَبابٌ يُطلِعُونَ مِنهُ إلىٰ النّارِ فَيَنظُرونَ مِنهُ إلَى الظّالِمِينَ كَيفَ يُعَذَّبونَ.

وَبابٌ تَدخُلُ عَلَيهِم مِنهُ الوَصائِفُ وَالحُورُ العِينُ.

قالَ: يا رَبِّ مَنْ هٰؤلاءِ الزّاهِدونَ الَّذينَ وَصَفتَهُم؟

قال: الزّاهِدُ هُوَ الَّذى لَيسَ لَهُ بَيتٌ يَخرَبُ فَيَغتَمُّ بِخَرابِهِ، وَلا لَهُ وَلَدٌ يَموتُ فَيَحزَنُ لِمَوتِهِ، وَلا لَهُ شَىْءٌ يَذهَبُ فَيَحزَنُ لِذِهابِهِ، وَلا يَعرِفُهُ إنسانٌ يَشغَلُهُ عَنِ اللّٰهِ طَرفَةَ عَينٍ، وَلا لَهُ فَضلُ طَعامٍ لِيُسأَلَ عَنهُ، وَلا لَهُ ثَوبٌ لَيِّنٌ.

يا أحمَدُ! وُجوهُ الزّاهِدِينَ مُصفَرَّهٌ مِنْ تَعَبِ اللَّيلِ وَصَومِ النَّهارِ، وَألسِنَتُهُم كِلالٌ إلّامِن ذِكْرِ اللّٰهِ تَعالىٰ، قُلوبُهُم فى صُدُورِهِم مَطعُونَهٌ مِن كَثرَهِ (ما يُخالِفُونَ أهواءَهُم، قَد ضَمَّروا أنفُسَهُم مِن كَثرَهِ صَمتِهِم)(1) ، قَد أعطَوا المَجهودَ مِن أنفُسِهِم، لا مِن خَوفِ نارٍ وَلا مِن شَوقِ جَنَّهٍ، وَلكِنْ يَنظُرونَ فى مَلَكُوتِ السَّماواتِ وَالأرضِ فَيَعلَمونَ أنَّ اللّٰهَ سُبحانَهُ وَتعالىٰ أهلٌ لِلعِبادَهِ (كَأنَّما يَنظُرونَ إلىٰ مَنْ فَوقَها.

1- (1)) - بدل ما بين القوسين فى الإرشاد: «صمتهم»..

و دری که از آن بر دوزخ إشراف یابند و بنگرند که ستمگران چگونه کیفر می شوند.

و دری که از آن کنیزان و حوریان به ایشان درآیند.

عرض کرد: پروردگارا! این زاهدان که فرمودی چه کسانی اند؟

فرمود: زاهد کسی است که خانه ای که ویران شود ندارد تا برای ویرانی آن غمگین شود، و فرزندی که بمیرد ندارد تا برای مرگ او اندوهگین شود، و چیزی که از دستش برود ندارد تا برای از دست رفتنش محزون شود(1) ، وکسی او را نمی شناسد تا چشم بهم زدنی او را از یاد خدا باز دارد، و خوراک اضافی و پوشاک نرم ندارد تا از آن بازخواست شود.

ای احمد! چهرۀ زاهدان از رنج [عبادت] شب، و روزۀ روز زرد است، و زبانشان جز از یاد خدای متعال بسته است، دل های ایشان در سینه ها از بسیاری مخالفت با هوای نفس زخمی [ونالان] است، خود را از بسیاری سکوت لاغر کرده اند، همۀ تلاش خود را بکار گرفته اند نه از ترس آتش و نه از شوق بهشت، بلکه در ملکوت آسمان ها و زمین [آنچنان] می نگرند که گویی خدای محیط بر آن ها را می بینند، و می دانند که خدای سبحان شایسته پرستش است.

1- (1)) - گویا مراد این باشد که همۀ این امور را ملک خدا می بینند - نه خود - ازاین رو وابستگیِ اصلیِ قلبی ایشان به خدا است نه به این امور..

قالَ: يا رَبِّ هَلْ تُعطى لِاِحَدٍ مِن امَّتى هٰذا؟)(1) قالَ: يا أحمَدُ! هٰذِهِ دَرَجَهُ الأنبِياءِ وَالصِّدِّيقِينَ مِنْ امَّتِکَ، وَاُمَّهِ غَيرِکَ، وَأقوامٍ مِنَ الشُّهَداءِ.

قالَ: يا رَبِّ أىُّ الزُّهّادِ أكثَرُ، زُهّادُ امَّتى أَمْ زُهّادُ بَنِى إسرائِيلَ؟

قالَ: إنَّ زُهّادَ بَنِى إسرائِيلَ فى زُهّادِ امَّتِکَ كَشَعرَهٍ سَوداءَ فى بَقَرَهٍ بَيضاءَ.

فقالَ: يا رَبِّ كَيفَ يَكونُ ذٰلکَ وَعَدَدُ بَنى إسرائِيلَ أكثَرُ مِنْ امَّتِى؟

قالَ: لِأنَّهُم شَكُّوا بَعدَ اليَقِينِ، وَجَحَدوا بَعدَ الإقرارِ.

(قالَ رَسولُ اللّٰهِ صلى الله عليه و آله و سلم: فَحَمِدتُ اللّٰهَ لِلزّاهِدِينَ كَثيراً، وَشَكَرتُهُ، وَدَعَوتُ لَهُم فَقُلتُ:

اللّٰهُمَّ احفَظْهُم، وَارحَمْهُم، وَاحفَظْ عَلَيهِم دينَهُمُ الَّذى ارتَضَيتَ لَهُم.

1- (1)) ما بين القوسين ليس فى الإرشاد والجواهر السنيه..

عرض کرد: پروردگارا! آیا به کسی از امّت من این مقام را می دهی؟

فرمود: ای احمد! این [مقام و] درجهٔ پیامبران، وصدّیقان از امّت تو، وامّت [پیامبران] دیگر، و گروههایی از شهیدان است.

عرض کرد: پروردگارا! کدام زاهدان بیشترند، زاهدان امّت من یا زاهدان بنی اسرائیل؟

فرمود: زاهدان بنی اسرائیل در میان زاهدان امّت تو همچون یک تارموی سیاه در [میان انبوه بی شمار موهای بدن] گاو سپید است.

عرض کرد: پروردگار چگونه؟ با این که شمار بنی اسرائیل از امّت من بیشتر است؟

فرمود: زیرا ایشان پس از یقین، شک کردند، و پس از اقرار، انکار نمودند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پس برای زاهدان امّتم خدا را بسیار ستایش وسپاس گفتم، وبرای ایشان دعا کردم وعرض کردم: خدایا! ایشان را حفظ کن ورحم فرما، ودینشان را که برایشان پسندیده ای نگهدار.

اللّهُمَّ ارزُقْهُمِ إيمانَ المؤمِنِينَ، الَّذى لَيسَ بَعدَهُ شَكٌّ وَزَيغٌ، وَوَرَعاً لَيسَ بَعدَهُ رَغبَهٌ، وَخَوفاً لَيسَ بَعدَهُ غَفلَهٌ، وَعِلماً لَيسَ بَعدَهُ جَهلٌ، وَعَقلاً لَيسَ بَعدَهُ حُمقٌ، وَقُرباً لَيسَ بَعدَهُ بُعدٌ، وَخُشوعاً لَيسَ بَعدَهُ قَساوَهٌ، وَذِكراً لَيسَ بَعدَهُ نِسيانٌ، وَكَرَماً لَيسَ بَعدَهُ هَوانٌ، وَصَبراً لَيسَ بَعدَهُ ضَجَرٌ، وَحِلماً لَيسَ بَعدَهُ عَجَلَهٌ، وَامْلَأْ قُلوبَهُم حَياءً مِنکَ حَتّىٰ يَستَحيُوا مِنکَ كُلَّ وَقتٍ وَتُبَصِّرَهُمْ بِآفاتِ الدُّنيا، وَآفاتِ أنفُسِهِم، وَوَساوِسِ الشَّيطانِ، فَإنَّکَ تَعلَمُ ما فى نَفسى، وَأنتَ عَلّامُ الغُيوبِ.)(1) يا أحمَدُ! عَلَيکَ بِالوَرَعِ فَإنَّ الوَرَعَ رَأسُ الدِّينِ وَوَسَطُ الدِّينِ وَآخِرُ الدِّينِ، إنَّ الوَرَعَ يُقَرِّبُ العَبدَ إلَى اللّهِ تَعالىٰ.

1- (1)) بدل ما بين القوسين فى الإرشاد والجواهر السنيه: «قال النبى صلى الله عليه و آله و سلم: فحمدت اللّه تعالىٰ وشكرته ودعوت لهم بالحفظ والرحمه وسائر الخيرات»..

خدایا! به ایشان روزی فرما ایمان مؤمنانی را که پس از آن هیچ شک وانحرافی نباشد وپارسایی را که پس از آن هیچ میل [به دنیا] نباشد، وبیمی را که پس از آن هیچ غفلتی نباشد، و علمی را که پس از آن، هیچ نادانی نباشد، و عقلی را که پس از آن هیچ نابخردی نباشد، ونزدیکی [به خود] را که پس از آن هیچ دوری نباشد، و خشوعی را که پس از آن هیچ سنگدلی نباشد، و یادی را که پس از آن هیچ فراموشی نباشد، وبزرگواریی را که پس از آن هیچ خواری نباشد، و صبری را که پس از آن هیچ بی تابی نباشد، وحِلْمی را که پس از آن هیچ شتابی نباشد، و دل های ایشان را از حیای خود پر کن تا همه وقت از تو شرم کنند، و ایشان را از آفات دنیا، و آفات نفس، و وسوسه های شیطان بینا فرما، [خدایا!] تو بر احوال نفس من آگاهی، و به همه غیب ها دانایی.

ای احمد! بر تو باد به [پاکدامنی و] پارسایی، زیرا پارسایی اوّل دین، ووسط دین، و آخر دین است، حقّا که پارسایی [هر] بنده [ای] را به خدای متعال نزدیک می کند.

ص:119

يا أحمَدُ! إنَّ الوَرَعَ كَالشُّنوفِ بَينَ الحِلِيِّ، وَالخُبزِ بَينَ الطَّعامِ، (إنَّ الوَرَعَ رَأسُ الإيمانِ،)(1) وَعِمادُ الدِّينِ، إنَّ الوَرَعَ مَثَلُهُ كَمَثَلِ السَّفِينَهِ، كما أنَّ فى البَحرِ لا يَنجُو إلّامَنْ كانَ فِيها كَذلکَ لا يَنجُو الزّاهِدونَ إلّابِالوَرَعِ.

يا أحمَدُ! ما عَرَفَنى عَبدٌ وَخَشَعَ لى إلّاوَخَشَعتُ لَهُ.(2) يا أحمَدُ! الوَرَعُ يَفتَحُ علَى العَبدِ أبوابَ العِبادَهِ، فَتكرمُ بِهِ(3) عِندَ الخَلقِ، وَيَصِلُ بِهِ إلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ.

يا أحمَدُ! عَلَيکَ بِالصَّمتِ فَإنَّ أعمَرَ القُلوبِ(4) قُلوبُ الصّالِحينَ وَالصّامِتينَ، وَإنَّ أخرَبَ القُلوبِ(5) قُلوبُ المُتَكلِّمينَ بِما لا يَعنِيهِم.

يا أحمَدُ! إنَّ العِبادَهَ عَشرَهُ أجزاءٍ، تِسعَهٌ مِنها طَلَبُ الحَلالِ، فَإذا طَيَّبتَ مَطعَمَکَ وَمَشرَبَکَ فَأنتَ فى حِفظى وَكَنَفى.

1- (1)) - بدل ما بين القوسين فى الإرشاد والجواهر السنيه: «إن الورع زين المؤمن»..
2- (2)) بدل «الّا وخشعت، له» فى الإرشاد: «الّا خشع له كلّ شىء»..
3- (3)) بدل «ابواب العباده فتكرم به» فى الجواهر السنيه: «أبواب السماء كما يفتح للملائكه باب العباده فيكرم بها العبد»..
4- (4)) - بدل «أعمر القلوب» فى الجواهر السنيه: «أعمر مجلس قلوب»..
5- (5)) - بدل «أخرب القلوب» فى الجواهر السنيه: «أخرب مجلس قلوب»..

ای احمد! پارسایی همچون گوشواره، در میان زینت آلات، وهمچون نان، در میان خوردنی ها است. همانا پارسایی، سرِ [پیکرۀ] ایمان، و ستونِ [خیمۀ] دین است، مَثَلِ پارسایی چون مَثَلِ کشتی است، همانگونه که در دریا جز سواران کشتی نجات نمی یابند زاهدان نیز جز با پارسایی رستگار نمی شوند.

ای احمد! هیچ بنده ای مرا نشناخت و برای من خشوع نکرد مگر آن که من برای او خاشع شدم.

ای احمد! پارسایی درهای عبادت را به روی بنده می گشاید، پس با آن نزد مردم بزرگوار می شود، و با آن به خدای عزیز و با جلال می رسد.

ای احمد! بر تو باد به سکوت، زیرا آبادترین دل ها دل های صالحان و خاموشان است، و ویران ترین دل ها دل های هرزه گویان است.

ای احمد! عبادت ده جزء است، نُه جزء آن طلب حلال است، پس چون خوردنی و نوشیدنی خود را پاکیزه کردی در حمایت و پناه من قرار داری.

قالَ: يا رَبِّ ما أوَّلُ العِبادَهِ؟

قالَ: أوَّلُ العِبادَهِ؟ الصَّمتُ وَالصَّومُ.

قالَ: يا رَبِّ وَما مِيراثُ الصَّومِ؟

قالَ: الصَّومُ يُورِثُ الحِكمَهَ، وَالحِكمَهُ تُورِثُ المَعرِفَهَ، وَالمَعرِفَهُ تُورِثُ اليَقِينَ، فَإذا اسْتَيقَنَ العَبدُ لا يُبالى كَيفَ أصبَحَ، بِعُسرٍ أمْ بِيُسرٍ، وَإذا كَانَ العَبدُ فى حالَهِ المَوتِ يَقومُ عَلىٰ رَأسِهِ مَلائِكَهٌ، بِيَدِ كُلِّ مَلَكٍ كَأسٌ مِنْ ماءِ الكَوثَرِ، وَكَأسٌ مِنَ الخَمرِ، يَسقُونَ رُوحَهُ حَتّىٰ تَذهَبَ سَكرَتُهُ وَمَرارَتُهُ، وَيُبَشِّرونَهُ بِالبشارَهِ العُظمىٰ، وَيَقولُونَ لَهُ:

طِبتَ وَطابَ مَثواكَ إنَّكَ تَقدَمُ عَلَى العَزيزِ الحَكِيمِ الحَبِيبِ القَرِيبِ، فَتَطيرُ الرُّوحُ مِن أيدى المَلائكهِ، فَتَصعَدُ إلَى اللّهِ تَعالىٰ فى أسرَعَ مِنْ طَرفَهِ عَينٍ، وَلا يَبقىٰ حِجابٌ وَلا سَترٌ بَينَها وَبَينَ اللّهِ تَعالىٰ، وَاللّهُ عَزَّ وَجَلَّ إلَيها مُشتاقٌ، وَتَجلِسُ عَلىٰ عَينٍ عِندَ العَرشِ، ثُمَّ يُقالُ لَها:

كَيفَ تَرَكتِ الدُّنيا؟

فَتَقُولُ إلٰهى وَعِزَّتِکَ وَجَلالِکَ لا عِلمَ لى بِالدُّنيا، أنا مُنذُ خَلَقتَنى خائِفَهٌ مِنکَ.

عرض کرد: پروردگارا! اوّلِ عبادت چیست؟

فرمود: اوّل عبادت سکوت و روزه است.

عرض کرد: پروردگارا! میراث [و نتیجهٔ] روزه چیست؟

فرمود: روزه، موجب حکمت، و حکمت، موجب معرفت، ومعرفت، موجب یقین است، پس چون بنده ای دارای یقین شد باکش نیست چگونه بگذراند به سختی یا به آسانی.

و چون در حال [جان دادن و] مرگ قرارگیرد فرشتگانی بر بالین او حضور یابند که در دست هر یک جامی از آب کوثر و جامی از شرابِ [طهورِ بهشتی] باشد. آن ها را به روح او می نوشانند تا سختی و تلخی جان دادن [از میان] برود، و او را به آن بزرگترین بشارت مژده می دهند و به او می گویند:

خوش آمدی و جایگاهت گوارا باد همانا تو بر خدای عزیز حکیم [و] محبوب نزدیک [خود] وارد می شوی، پس روح از دستان ملائکه پرواز می کند و تندتر از چشم بهم زدنی به سوی خدا بالا می رود، وهیچ حجاب و پرده ای میان او و خدای سبحان باقی نمی ماند، و خدا - که عزّتمند و با شکوه است - به او مشتاق است، و کنار چشمه ای که نزد عرش است می نشیند سپس به او گفته می شود:

دنیا را چگونه ترک کردی؟

می گوید: معبودا! به عزّت و جلالت سوگند هیچ خبری از دنیا ندارم، از آن روز که مرا آفریدی [تنها] نگرانِ تو بودم.

فَيَقولُ اللّٰهُ تَعالىٰ: صَدَقتَ عَبدی، كُنتَ بِجَسَدِکَ فی الدُّنیا وَروحُکَ مَعی، فَأنتَ بِعَینی، سِرُّکَ وَعَلانِیَتُکَ، سَلْ اعطِکَ، وَتَمَنَّ عَلَیَّ فَأکرِمکَ، هذهِ جَنَّتی فَتَجَنَّحْ فِیها(1) ، وَهذا جِواری فَاسْکُنْهُ.

فَتَقولُ الرُوحُ: إلٰهی عَرَّفتَنی نَفسَکَ فَاسْتَغنَیتُ بِها عَن جَمیعِ خَلقِکَ، وَعِزَّتِکَ وَجَلالِکَ لَو کَانَ رِضاکَ فی أنْ اقَطَّعَ إرَباً إرَباً، وَاُقتَلَ سَبعِینَ قَتلَهٍ بِأشَدِّ ما یُقتَلُ بِهِ النّاسُ، لَکَانَ رِضاکَ أحَبَّ إلَیَّ.

إلٰهی کَیفَ أُعجَبُ بِنَفسی وَأنا ذَلیلٌ إنْ لَمْ تُکرِمْنی، وَأنا مَغلوبٌ إنْ لَمْ تَنصُرْنی، وَأنا ضَعیفٌ إنْ لَمْ تُقَوِّنی، وَأنا مَیِّتٌ إنْ لَمْ تُحْیِنی بِذِکرِکَ، وَلَولا سَترُکُ لَافتَضَحتُ أوَّلَ مَرَّهٍ عَصَیتُکَ، إلٰهی کَیفَ لا أطلُبُ رِضاکَ وَقَد أکمَلتَ عَقلی حَتّیٰ عَرَفتُکَ، وَعَرَفتُ الحَقَّ مِنَ الباطِلِ، وَالأمرَ مِنَ النَّهیِ، وَالعِلمَ مِنَ الجَهلِ، وَالنُّورَ مِنَ الظُّلمَهِ.

فَقالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ: وَعِزَّتی وَجَلالی لا أحجُبُ بَینی وَبَینِکَ فی وَقتٍ مِنَ الأوقاتِ، کذٰلِکَ أفعَلُ بِأحِبّائی.

1- (1)) - بدل «فتجنّح فیها» فی الإرشاد: «مباح فتبیح فتبحبح فیها»..

پس خدای سبحان می فرماید، بندۀ من! راست گفتی، تن تو در دنیا و روح تو با من بود، اینک باطن و ظاهر تو در دید من است، بخواه تا عطایت کنم، و از من درخواست کن تا اکرامت کنم، این بهشت من است در آن پرواز کن، و این پناه من است در آن جای گزین.

روح او می گوید: خدایا! خود را به من شناساندی و بدینوسیله از همۀ مخلوقاتت بی نیاز شدم، به عزّت وجلالت سوگند چنانچه خشنودی تو در این باشد که [در راه تو] قطعه قطعه شوم، و هفتاد بار به بدتر از آنچه دیگران کشته می شوند، کشته شوم نزد من [از هر چیز دیگری] محبوبتر است.

معبودا! چگونه خود بین شوم با این که من [خود به خود] خوارم اگر اکرامم نکنی، و شکست خورده ام اگر یاریم نفرمایی، وناتوانم اگر توانم نبخشی، و مرده ام اگر با یاد خود زنده ام نکنی، و اگر پرده پوشی تو نبود همان اوّل بار که گناهت کردم رسوا می شدم.

خدایا! چگونه خشنودی تو را نخواهم با این که عقلم را کامل فرمودی تا تو را شناختم، و حق را از باطل، و أمر را از نهی، و علم را از جهل، و نور را از ظلمت تمیز دادم.

پس خدای عزیز و با شکوه می فرماید: به عزّت و جلالم سوگند در هیچ زمانی میان خود و تو حجاب نمی افکنم، اینچنین با دوستانم رفتار می کنم.

ص:125

يا أحمَدُ! هَل تَدرى أىُّ عَيشٍ أهنَأُ وَأىُّ حَياهٍ أبقىٰ؟

قالَ: اللّٰهُمَّ لا.

قالَ: أمّا العَيشُ الهَنِئُ فَهُوَ الَّذى لا يَفتُرُ صاحِبُهُ عَنْ ذِكرى، وَلا يَنسىٰ نِعمَتى، وَلا يَجهَلُ حَقّى، يَطلُبُ رِضاىَ فى لَيلِهِ وَنَهارِهِ.

وَأمّا الحَياهُ الباقِيَهُ فَهِىَ الَّتى يَعمَلُ لِنَفسِهِ حَتّٰى تَهونَ عَلَيهِ الدُّنيا، وَتَصغُرَ فى عَينِهِ، وَتَعظُمَ الآخِرَهُ عِندَهُ، وَيُؤثِرَ هَواى عَلىٰ هَواهُ، وَيبتَغىَ مَرضاتى، وَيُعْظِمَ حَقَّ عَظَمَتى، وَيَذكُرَ عِلمى بِهِ، وَيُراقِبَنى بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ عِندَ كُلِّ سَيِّئَهٍ أو مَعصِيَهٍ وَيُنَقّىَ قَلبَهُ عَنْ كُلِّ ما أكرَهُ، وَيُبغِضَ الشَّيطانَ وَوَساوِسَهُ، وَلا يَجعَلَ لِإبلِيسَ عَلىٰ قَلبِهِ سُلطاناً وَسَبيلاً.

ای احمد! آیا می دانی کدام زیست گواراتر، و کدام زندگی پایدارتر است؟ عرض کرد: پروردگارا! نه.

فرمود: امّا زیست گوارا آنست که صاحبش از یاد من سستی نمی کند، و نعمت مرا از یاد نمی برد، و حقّ مرا ناشناسی نمی کند، در شب و روزش خشنودی مرا می خواهد.

وامّا زندگی پایدار آنست که صاحبش برای [تزکیه و إصلاح] خود عمل می کند تا دنیا در دلش خوار، و در چشمش کوچک، و آخرت نزد او بزرگ می شود، وخواستهٔ مرا بر خواستهٔ خود مقدّم می دارد، و خشنودی های مرا می جوید، و حقّ کبریایی مرا بزرگ می دارد، و آگاهی مرا به [احوال] خود یاد می نماید، و شبانه روز نزد هر بدی و گناهی از من دیدبانی می کند، و دل خود را از هر چه ناپسند من است پاک می سازد، وشیطان و وسوسه هایش را دشمن می دارد، و برای ابلیس هیچ فرمانروایی و راه [نفوذ] ی را بر قلب خود نمی گذارد.

فَإذا فَعَلَ ذٰلِکَ أسکَنتُ قَلبَهُ حُبّاً حَتّیٰ أجعَلَ قَلبَهُ لی، وَفَراغَهُ وَاشتِغالَهُ وَهَمَّهُ وَحَدیثَهُ مِنَ النِّعمَهِ الَّتی أنعَمتُ بِها عَلیٰ أهلِ مَحَبَّتی مِنْ خَلقِی، وَأفتَحُ عَینَ قَلبِهِ وَسَمعَهُ حَتّیٰ یَسمَعَ بِقَلبِهِ وَیَنظُرَ بِقَلبِهِ إلیٰ جَلالی وَعَظَمَتی، وَاُضَیِّقُ عَلَیهِ الدُّنیا، وَاُبَغِّضُ إلَیهِ ما فِیها مِنَ اللَّذّاتِ، وَاُحَذِّرُهُ مِنَ الدُّنیا وَما فِیها، کما یُحَذِّرُ الرّاعی غَنَمَهُ مِنْ مَراتِعِ الهَلَکَهِ.

فَإذا کانَ هٰکذا یَفِرُّ مِنَ النّاسِ فِراراً، وَیُنقَلُ مِنْ دارِ الفَناءِ إلیٰ دارِ البَقاءِ، وَمِنْ دارِ الشَّیطانِ إلیٰ دارِ الرَّحمٰنِ.

یا أحمَدُ! وَلَاُزَیِّنَنَّهُ بِالهَیبَهِ وَالعَظَمَهِ، فَهذا هُوَ العَیشُ الهَنِیْءُ وَالحَیاهُ الباقِیَهُ، وَهذا مَقامُ الرّاضِینَ.

فَمَنْ عَمِلَ بِرِضای الزِمُهُ ثَلاثَ خِصالٍ:

اعَرِّفُهُ شُکراً لا یُخالِطُهُ الجَهلُ، وَذِکراً لا یُخالِطُهُ النِّسیانُ، وَمَحَبَّهً لا یُؤثِرُ عَلیٰ مَحَبَّتی مَحَبَّهَ المَخلوقِینَ.

پس چون چنین کند محبّتی را در دل او جای می دهم تا دل او را، و فراغ بال و دل مشغولی و همّت او را برای خود کنم، و سخن او را دربارۀ نعمت هایی که به دوستدارانم داده ام قرار دهم، و چشم و گوش دل او را می گشایم تا با آن [تسبیح ملکوتیان را] بشنود، و به شکوه و کبریایی من بنگرد، و دنیا را بر او تنگ می کنم، و لذّات آن را منفورش می سازم، و او را از دنیا و آنچه در آن است بر حذر می دارم، آنچنان که چوپان گوسفند خود را از چراگاههای مرگ آفرین بر حذر می دارد، پس چون چنین شد از مردم به شدّت گریزان می شود، و از سرای فنا به سرای بقاء، و از سرای شیطان به سرای رحمان منتقل می گردد.

ای احمد! او را با هیبت و عظمت [خود] می آرایم، پس این است آن زیستِ گوارا وزندگیِ پایدار، واین مقام راضیان [به قضا و قدر من] است.

پس هر کس طبق رضای من عمل کند سه ویژگی همراهش کنم:

به او سپاسی را می شناسانم که آمیختۀ به نادانی نباشد، و یادی را که آمیخته به فراموشی نباشد، و محبّتی را که محبّت هیچ مخلوقی را بر محبّت من مقدّم ندارد.

فإذا أحَبَّنی أحبَبْتُهُ، وَأفتَحُ عَینَ قَلبِهِ إلیٰ جَلالی، وَلا اخفی عَلَیهِ خاصَّهَ خَلقی، وأُناجِیهِ فی ظُلَمِ اللَّیلِ وَنُورِ النَّهارِ حَتّیٰ یَنقَطِعَ حَدیثُهُ مَعَ المَخلوقِینَ، وَمُجالَسَتُهُ مَعَهُم، وَاُسمِعُهُ کَلامی وَکَلامَ مَلائِکَتی، وَاُعَرِّفُهُ السِّرَّ الَّذی سَتَرتُهُ عَنْ خَلقی، وَاُلبِسُهُ الحَیاءَ حَتّیٰ یَستَحیِیَ مِنهُ الخَلقُ کُلُّهُم، وَیَمشی عَلَی الأرضِ مَغفوراً لَهُ، وَأجعَلُ قَلبَهُ واعِیاً وَبَصیراً، وَلا اخفی عَلَیهِ شَیئاً مِنْ جَنَّهٍ وَلا نارٍ، وَاُعَرِّفُهُ ما یَمُرُّ عَلَی النّاسِ فی یَومِ القِیامَهِ مِنَ الهَولِ وَالشِّدَّهِ، وَما احاسِبُ الأغنِیاءَ وَالفُقَراءَ وَالجُهّالَ وَالعُلَماءَ، وَاُنَوِّمُهُ(1) فی قَبرِهِ،

1- (1)) - «أُنَوِّر له» الإرشاد..

پس چون مرا دوست داشت او را دوست می دارم، و چشم دل او را به جلال [و شکوه] خود می گشایم، و نخبهٔ آفریدگانم را از او پنهان نمی کنم، و در تاریکی های شب و روشنایی روز با او همراز می شوم تا سخن و همنشینی او از آفریده ها قطع شود، و سخن خود و فرشتگان را به او می شنوانم، و از آن رازی که از خلق پوشیده ام آگاهش می کنم، و لباس حیا بر [اندام] او می پوشانم تا همهٔ خلائق از او حیا کنند، و بر زمین در حالی که آمرزیده است راه می رود، و دل او را هوشمند و بینا می کنم، و هیچ چیز از بهشت و دوزخ را بر او پنهان نمی دارم، و از هراس و فشاری که روز قیامت بر مردم می گذرد و حسابی که از اغنیا و فقرا و جاهلان و عالمان می کشم آگاهش می کنم، و او را در قبرش می خوابانم(1)

1- (1)) - وطبق نسخه إرشاد: قبر او را نورانی می کنم..

وَاُنزِلُ عَلَيهِ مُنكَراً وَنَكيراً حَتّىٰ يَسألاهُ، وَلا يَرىٰ غَمرَةَ المَوتِ وَظُلمَةَ القَبرِ وَاللَّحدِ وَهَولَ المُطّلَعِ، ثُمَّ أَنْصِبُ لَهُ مِيزانَهُ، وَأَنشُرُ دِيوانَهُ، ثُمَّ أضَعُ كِتابَهُ فى يَمِينِهِ فَيَقرَؤهُ مَنشوراً، ثُمَّ لا أجعَلُ بَينى وَبَينَهُ تَرجُماناً، فَهذهِ صِفاتُ المُحِبِّينَ.

يا أحمَدُ! اجْعَلْ هَمَّكَ هَمّاً واحِداً، فَاجْعَلْ(1) لِسانَكَ لِساناً واحِداً، وَاجْعَلْ بَدَنَكَ حَياً لا تَغفُلْ عَنّى، مَنْ يَغفُلْ عَنّى لا ابالى بِأىِّ وادٍ هَلَكَ.

يا أحمَدُ! اسْتَعْمِلْ عَقلَكَ قَبلَ أنْ يَذهَبَ، فَمَنِ اسْتَعمَلَ عَقلَهُ لا يُخطِئُ وَلا يَطغىٰ(2).

يا أحمَدُ! أَ لَمْ تَدرِ لِأىِّ شَىْءٍ فَضَّلْتُکَ عَلىٰ سائِرِ الأنبِياءِ؟

قالَ: اللّٰهُمّ لا.

قالَ: بِاليَقِينِ وَحُسنِ الخُلُقِ وَسَخاوَهِ النَّفسِ وَرَحمَهِ الخَلقِ،

1- (1)) - «واجعل» الجواهر السنيه..
2- (2)) بزياده «يا أحمد أنت لا تغفل أبداً. مَن غفل عنّى لا أُبالى بأىّ وادٍ هلک» الإرشاد..

ومنکر و نکیر را بر او فرود می آورم تا از اوبپرسند، و سختی [وکشمکش پر رنج] جان کندن، وتاریکی قبر ولحد، وهول لحظۀ إشراف [بر عوالم دیگر] را نمی بیند، سپس میزان او را بر پا می کنم، و دیوان [اعمال] او را می گسترانم، و نامۀ عمل او را در سمت راستش می نهم پس آن را گشوده می خواند، و میان خود و او [هیچ واسطه و] ترجمانی قرار نمی دهم، پس این است صفات [واحوال] دوستداران [من].

ای احمد! همّ [وآهنگ ومقصد] خود را یک همّ [وآهنگ]، و زبان خود را یک زبان کن، و بدن خود را زنده بدار، از من غفلت نکن، هر کس از من غفلت کند مرا باکی نیست که در چه سرزمینی به هلاکت رسد.

ای احمد! عقل خود را پیش از آن که [از دست] برود بکار گیر که هر کس عقل خود را بکار گیرد، خطا و طغیان نمی کند.

ای احمد! آیا ندانستی چرا تو را بر همۀ پیامبران برتری دادم؟

عرض کرد: پروردگارا! نه.

فرمود: به سبب یقین، وخوی نیک، و بخشندگی ذاتی، ورحمتی که بر خلق داشتی،

وَكذلِکَ أوتادُ(1) الأرضِ لَمْ يَكونوا أوتاداً إلّابهذا.

ص:134

1- (1)) جاء فى بحار الأنوار ج 53 ص 301، عن هامش المصباح للكفعمى ص 534-535: «وقيل أن الأرض لا تخلو من القطب وأربعه أوتاد وأربعين بدلاً وسبعين نجيباً وثلاثمائه وستّين صالحاً.فالقطب هو المهدى عليه السلام، ولا تكون الأوتاد أقل من أربعه؛ لأنّ الدنيا كالخيمه، والمهدى عليه السلام كالعمود، وتلک الأربعه أطنابها. وقد تكون الأوتاد أكثر من أربعه، والأبدال أكثر من أربعين، والنجباء أكثر من سبعين، والصالحون أكثر من ثلاثمائه وستّين. والظاهر أن الخضر والياس عليهما السلام من الأوتاد؛ فهما ملاصقان لدائره القطب. وأمّا صفه الأوتاد: فهم قوم لا يغفلون عن ربّهم طرفه عَين، ولا يجمعون من الدنيا إلّاالبلاغ، ولا تصدر منهم هفوات البشر، ولا يشترط بهم العصمه لزوماً، وشرط ذلک فى القطب. وأمّا الأبدال: فدون هٰؤلاء فى المراقبه، وقد تصدر منهم الغفله فيتداركونها بالتذكّر، ولا يتعمّدون ذنباً. وأمّا النجباء: فهم دون الأبدال. وأمّا الصالحون: فهم المتّقون الموصوفون بالعداله، وقد يصدر منهم الذنب فيتداركونه بالاستغفار والندم.قال تعالىٰ: «إنّ الذين اتّقَوا إذا مسّهم طائف من الشَّيطان تذكّروا فاذا هم مبصرون». أعراف: 20جعلَنا اللّٰه من القسم الأخير لأنّا لسنا من الأقسام الأُول؛ لكن ندين اللّٰه بحبّهم وولايتهم، ومَن أحبّ قوماً حُشر معهم.وقيل اذا نقص أحد من الأوتاد الأربعه وضع بدله من الأربعين، وإذا نقص أحد من الأربعين وضع بدله من السبعين، وإذا نقص أحد من السبعين وضع بدله من الثلاثمائه وستّين، وإذا نقص أحد من الثلاثمائه وستّين وضع بدله من ساير الناس؛ واللّٰه أعلم بالصّواب..

و همچنین اوتاد(1) زمین اوتاد نشدند مگر با این ویژگی ها.

ص:135

1- (1)) - شیخ کفعمی؛ در کتاب شریف مصباح، در حاشیهٔ دعای امّ داود چنین آورده است: گویند زمین از یک قطب، وچهار تن از أوتاد، وچهل تن از أبدال، وهفتاد نجیب، وسیصد و شصت صالح خالی نمی ماند، قطب، حضرت مهدی [حجّه بن الحسن علیه آلاف التحیّه والثّناء] است، وأوتاد، کمتر از چهار نفر نمی شود زیرا دنیا همچون خیمه، ومهدی علیه السلام همچون ستون آن، وچهار أوتاد همچون طناب های [چهار سوی] آن است و گاهی أوتاد بیش از چهار نفر، و ابدال بیش از چهل نفر، ونجباء بیش از هفتاد نفر، وصلحاء بیش از سیصد وشصت نفرند. ظاهراً خضر و الیاس از أوتاد و ملازم دائرهٔ قطب اند. و اما صفت أوتاد این است که: به اندازهٔ یک چشم بهم زدن از پروردگار خود غفلت نمی ورزند، وبرای دنیای خود جز به اندازهٔ کفاف جمع نمی کنند، ولغزش هاش بشری از آنان سرنمی زند، در ایشان عصمت شرط نیست ولی در قطب شرط است. و أبدال در مراقبه پائین تر از أوتادند، و گاهی دچار غفلت می شوند که آن را با یاد و ذکر خدا جبران می کنند، و گناهی را عمداً مرتکب نمی شوند، و نجباء در این اوصاف پائین تر از ابدالند، و اما صلحاء، پارسایان عادلند که گاهی گناه از ایشان سرمی زند و آن را با استغفار و پشیمانی جبران می کنند، خدای متعال می فرماید: «همانا کسانی که [از خدا] پروادارند چون وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد [خدا را] به یاد آورند و بناگاه بینا شوند».خداوند ما را از این گروه اخیر قراردهد که ما از آن سه قسم اوّل نیستیم لکن با محبّت و ولایت ایشان خدا را اطاعت می کنیم، و هر کس گروهی را دوست بدارد با ایشان محشور می شود. و گفته شده که: هرگاه یکی از مرتبهٔ مافوق از دنیا برود از مرتبهٔ پائین تر خود جایگزین می شود و چون از صلحا کم شود جایگزینش از عموم مردم است.حاشیه مصباح کفعمی ص 534؛ بحار الأنوار: 301/53..

يا أحمَدُ! إنَّ العَبدَ إذا أجاعَ بَطنَهُ، وَحَفِظَ لِسانَهُ، عَلَّمتُهُ الحِكمَةَ، وَإنْ كانَ كافِراً تَكونُ حِكمَتُهُ حُجَّةً عَلَيهِ وَوَبالاً، وَإنْ كانَ مُؤمِناً تَكونُ حِكمَتُهُ لَهُ نُوراً وَبُرهاناً وَشِفاءً وَرَحمَةً، فَيَعلَمُ ما لَمْ يَكُنْ يَعْلَمُ، وَيُبصِرُ ما لَمْ يَكُنْ يُبصِرُ، فَأوَّلُ ما ابَصِّرُهُ عُيوبَ نَفسِهِ حَتّىٰ يَشتَغِلَ عَن عُيوبِ غَيرِهِ، وَاُبَصِّرُهُ دَقائِقَ العِلمِ حَتّىٰ لا يَدخُلُ عَلَيهِ الشَّيطانُ.

يا أحمَدُ! لَيسَ شَیْءٌ مِنَ العِبادَهِ أحَبَّ إلَیَّ مِنَ الصَّمتِ وَالصَّومِ، فَمَنْ صامَ وَلَمْ يَحفَظْ لِسانَهُ كانَ كَمَنْ قامَ وَلَمْ يَقرَأ فِی صَلاتِهِ فَاُعطِيهِ أجرَ القِيامِ وَلَمْ اعطِهِ أجرَ العابِدينَ.

يا أحمَدُ! هَلْ تَدری مَتیٰ يَكونُ العَبدُ عابِداً؟

قالَ: لا يا رَبِّ.

ای احمد! هر بنده ای چون شکم خود را گرسنه دارد، وزبان خود را مراقبت کند حکمت را به او می آموزم، اگر کافر است حکمت او حجّت [و برهان خدا] بر او، و سرانجام بدش خواهد بود، و اگر مؤمن است حکمت او نور و برهان و شفا و رحمت [خدا] برای او خواهد بود، پس آنچه را نمی دانست می داند، و آنچه را نمی دید می بیند، و اوّل چیزی که به او می نمایانم عیوب خود اوست، تا از عیوب دیگران باز ماند [و به اصلاح خود پردازد]، و به دقائق علمِ [إلهی و توحیدی] بینایش می کنم تا شیطان به او در نیاید.

ای احمد! برای من هیچکدام از عبادات محبوبتر از سکوت و روزه نیست، پس هر کس روزه باشد و زبان خود را مراقبت نکند همچون کسی است که به نماز برخیزد و قرائت [:

حمد و سوره] آن را نخواند که پاداش برخاستن را به او می دهم ولی پاداش عابدان را نه.

ای احمد! آیا می دانی چه زمانی بنده ای عابد می شود؟

عرض کرد: پروردگارا! نه.

قالَ: إذا اجتَمَعَ فِيهِ سَبعُ خِصالٍ: وَرَعٌ يَحجُزُهُ عَنِ المَحارِمِ، وَصَمتٌ يَكُفُّهُ عَمّا لا يَعنِيهِ، وَخَوفٌ يَزدادُ كُلَّ يَومٍ مِنْ بُكائِهِ، وَحَياءٌ يَستَحيِى مِنِّى فى الخَلاءِ، وَأكلُ ما لابُدَّ مِنهُ، وَيُبغِضَ الدُّنيا لِبُغضِى لَها، وَيُحِبَّ الأخيارَ لِحُبِّى إيّاهُم.

يا أحمَدُ! لَيسَ كُلُّ مَنْ قالَ: أُحِبُّ اللّهَ، أحَبَّنى، حَتّىٰ يأخُذَ قُوتاً، وَيَلبَسَ دوناً، وَيَنامَ سُجوداً، وَيُطِيلَ قِياماً، وَيَلزَمَ صَمتاً، وَيَتَوَكَّلَ عَلَىَّ، وَيَبكى كَثيراً، وَيُقِلَّ ضِحكاً، وَيُخالِفَ هَواهُ، وَيَتَّخِذَ المَسجِدَ بَيتاً، وَالعِلمَ صاحِباً، وَالزُّهدَ جَليساً، وَالعُلَماءَ أحِبّاءَ، وَالفُقَراءَ رُفَقاءَ، وَيَطلُبَ رِضاى، وَيَفِرَّ مِنَ العاصِينَ فِراراً، وَيُشغَلَ بِذِكرى اشتِغالاً، وَيُكثِرَ التَّسبيحَ دائِماً، وَيَكونَ بِالوَعدِ صادِقاً، وَبِالعَهدِ وافِياً، وَيَكونَ قَلبُهُ طاهِراً، وَفى الصَّلاهِ زاكِياً، وَفى الفَرائِضِ مُجتَهِداً، وَفيما عِندى من الثوابِ راغباً، وَمِنْ عَذابى راهِباً، وَلِأحِبّائى قَرِيناً، وَجَلِيساً.

فرمود: هر زمان که در او هفت ویژگی فراهم آید: پارسایی ای که او را از حرام ها مانع شود، و سکوتی که او را از هرزه گویی بازدارد، وخوفی که هر روز به گریه اش بیفزاید، وحیایی که در تنهایی از من شرم کند، وخوردنی که از آن چاره نیست، و دنیا را دشمن بدارد چون من آن را دشمن دارم، ونیکوکاران را دوست بدارد چون من ایشان را دوست دارم.

ای احمد! هر که گوید من خدا را دوست دارم چنان نیست که مرا دوست بدارد، تا این که [از خوردنی ها به اندازۀ] قوت برگیرد، و [از پوشیدنی ها] کمترین را بپوشد، ودر سجده به خواب رود، و ایستادن به نماز [یا: شب زنده داری] را طولانی کند، و همراه با سکوت باشد، و بر من توکّل کند، و فراوان بگرید، وکم بخندد، وبا هوای [نفس] خود بستیزد، ومسجد را خانۀ خود کند، وعلم را همدم خود نماید، وزهد را همنشین خود سازد، وعلما را دوستان خود بگیرد، وفقرا را همدمان خود قرار دهد، وخشنودی مرا بطلبد و از گنهکاران، سخت گریزان باشد، وسخت به یاد من پردازد، وپیوسته تسبیح خود را فزونی بخشد، ودر وعده [های] خود راستگو، و به پیمان [های] خود وفادار، ودلش [از کینه ها و رذائل] پاک، و در نماز [از توجّه به غیر خدا] پاکیزه، و در [انجام] واجبات کوشا، و به پاداش های نزد من مشتاق، و از کیفر من بیمناک، وبا دوستان من همدم و همنشین باشد.

ص:139

يا أحمَدُ! لَو صَلَّى العَبدُ صَلاةَ أهلِ السَّماءِ وَالأرضِ، وَيَصومُ صِيامَ أهلِ السَّماءِ وَالأرضِ، وَيطوى مِنَ الطَّعامِ مِثلَ المَلائِكَهِ، وَلَبِسَ لِباسَ العارى، ثُمَّ أرىٰ فى قَلبِهِ مِنْ حُبِّ الدُّنيا ذَرَّةً، أوَ سَعَتِها(1) ، أو رِئاسَتِها، أو حِلِيِّها، أو زِينَتِها، لا يُجاوِرُنى فى دارى، وَلَأنزَعَنَّ مِنْ قَلبِهِ مَحَبَّتى، وَعَلَيکَ سَلامى وَرَحمَتى(2). وَالحَمدُ للّٰهِ رَبِّ العالَمِينَ.

1- (1)) - «أو سُمعتها» الإرشاد والجواهر السنيه..
2- (2)) البحار ج 77 ص 21 ح 6 عن إرشاد القلوب للديلمى ص 199 مرسلاً، عنه الجواهر السنيه فى الأحاديث القدسيه ص 191، والبحار ج 77 ص 21 ح 6، وفى مستدرک الوسائل ج 11 ص 303 ح 3، وج 12 ص 237 ح 2 قطعه..

ای احمد! اگر بنده ای نماز أهل آسمان و زمین را بجا آورد، وروزه اهل آسمان و زمین را بگیرد، واز خوردنی ها همچون فرشتگان روبرتابد، ولباس برهنگان پوشد، سپس در دل او ذرّه ای از محبّت دنیا، یا توانگری(1) دنیا، یا ریاست دنیا، یا زیورآلات دنیا، و یا زرق و برق دنیا ببینم، او را در پناه خود نمی گیرم، ومحبّتم را از دل او بر می کَنَم. و سلام و رحمت من بر تود باد. والحمد للّه ربّ العالمین.

ص:141

1- (1)) - «آوازه و شهرت» بنا بر نسخهٔ ارشاد و جواهر..

فهرست منابع

1 - اربعین علامه مجلسی

2 - إرشادالقلوب دیلمی

3 - امالی شیخ صدوق

4 - بحار الانوار

5 - تحف العقول

6 - تفسیر الصافی

7 - تفسیر نور الثقلین

8 - الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه

9 - روضه کافی

10 - مرآه العقول

11 - مستدرک الوسائل

ص:142

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109